

به مناسبت بیستمین سال رهبری مقام معظم رهبری (مدظله)

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری (مدظله)

احمد مشتاقی



بسم الله الرحمن الرحیم

اندیشه های سیاسی مقام معظم رهبری

نویسنده:

احمد عارفخانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اندیشه های سیاسی مقام معظم رهبری

مشخصات کتاب

سرشناسه : عارفخانی، احمد، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پدیدآور : اندیشه های سیاسی مقام معظم رهبری: به مناسبت بیستمین سال رهبری حضرت آیت الله خامنه ای(دامت برکاته)/ احمد عارفخانی؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفتر عقل،مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : [۶]، ۱۳۲ ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۳۰۲.

شابک : ۱۶۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۱۸-۰ :

یادداشت : عنوان دیگر: اندیشه های سیاسی مقام معظم رهبری.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۳۱] - ۱۳۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : اندیشه های سیاسی مقام معظم رهبری.

موضوع : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- نظریه درباره سیاست و حکومت

موضوع : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- دیدگاه درباره اسلام و سیاست

موضوع : خامنه ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- دیدگاه های سیاسی و اجتماعی

موضوع : اسلام و سیاست

موضوع : اسلام و دولت

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : DSR۱۶۹۲ /س۹۳ع۲ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۴۱۹۷۰

اشاره

فهرست مطالب

...

دیباچه

در جهـان امروز سـیاست و مسائـل سیاسـی از اهمیت و گستره ویژه ای دارد، به گونه ای که بر بسـیاری از مسائـل اقتصـادی ــ فرهنگی و مذهبی در سطح خرد و کلان اثر می گذارد.

اسـلام، دینی جـامع و کامـل است که افزون بر عرصه هـای فردی عرصه هـای گوناگون اجتماعی از جمله سـیاست را در برمی گیرد. این ویژ گی، اسلام را از دیگر ادیان در تشکیل حکومت و اجرای دین در سطح وسیع اجتماعی متمایز کرده است. به این ترتیب، بررسـی نظریه های اسـلام که نشان گر مبانی انسان شناسی اسلامی است، بنیان ها و مؤلفه های اندیشه سیاسی اسلام را دربردارد. در زمان کنونی، تمـدن اسـلام به عنوان اصـلی ترین و جدی ترین رقیب ایدئولوژیک نظام لیبرالیستی غرب است که می توان تبلور آن را در تشـکیل حکومت اسلامی آن هنگام که هنگام دین و خدا به حاشیه حیات انسانی کشیده و حتی از آن حـذف شـده بود، دیـد. تمـدن نوین غرب یـک مبنـا و مـدل معرفتی دارد که برای تحقق آن نیز یـک مـدل اجرایی و خـارجی تعریف کرده است. دست آورد تمـدن غرب برای افراد بشـر، نظـام اومـانیستی (انسـان گرایی) است که برای عملی ساختن آن قالب دمکراسی را بر گزیده است.

ایران اسلامی، برای مبارزه با تمدن غربی انقلاب اسلامی مبتنی بر خداگرایی و تئوری ولایت فقیه، را معرفی کرده است.

در میدان مبارزه های اسـلامی همواره عالمان دین نقش مؤثر و بی بدیلی داشـته اند، به گونه ای که در طول تاریخ تشیع، اینان همواره بزرگ ترین مانع در برابر

استعمارگران و حامی مردم و مستضعفان بوده اند. در انقلاب اسلامی ایران نیز روحانیان به ویژه حضرت امام خمینی رحمه الله نقش عظیم و شگرفی در ایجاد، هدایت و بازتولید انقلاب داشتند. در میان انقلابیون، حضرت آیت الله خامنه ای یار دیرین و فداکار انقلاب بود که همواره برای پیروزی انقلاب صادقانه می کوشید. بدون شک حضور موفق در عرصه سیاسی و هدایت یک انقلاب نوپا در راه کمال و ترقی همه جانبه با وجود دشمنان گوناگون داخلی و خارجی، بر اساس یک مدل نظری و عملی قوی و منسجم ممکن است. به این ترتیب، بررسی تطبیقی نظریه های سیاسی رهبر انقلاب که تا حد زیادی نشان گر مبنای انسان شناسی، معرفت شناسی و هستی شناسی ایشان در عرصه سیاست است، جایگاه روحانیان در نظام و رمز موفقیت آن را نشان خواهد داد. تبلور اندیشه های سیاسی رهبر معظم انقلاب را باید در نگرش اساسی ایشان به دو مسئله مهم قدرت و عدالت جست وجو کرد. در این میان، نباید تبیین مردم سالاری دینی بر اساس ولایت فقیه را که از مهم ترین نظریه های سیاسی انقلاب است، فراموش کرد.

اثر حاضر حاصل تلاش پژوهشگر محترم جناب آقای احمد عارفخانی است که به منظور استفاده برنامه سازان و پژوهشگران محترم رسانه ملی تنظیم شده است. امید است رسانه ملی وظیفه خود را در معرفی اندیشه های رهبر معظم انقلاب و مبانی نظری ایشان، با هدف حفظ قوام و پایداری نظام به خوبی انجام دهد.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مدیریت علوم سیاسی

پیش گفتار

اندیشه سیاسی دربرگیرنده مؤلفه هایی است که با کنار هم قرار دادن آنها می توان تصویری از آن به دست داد. افزون بر این، بنیان های مذکور، نظام سیاسی خاصی را معرفی کرده است که با تأکید بر معیارهای آن نظام سیاسی، عناصر و نهادهای نظام سیاسی آن بیان می شود.

با توجه به ضرورت شناخت اندیشه سیاسی علمای دین و تجزیه و تحلیل این اندیشه ها برای پیشبرد جامعه دینی و اسلامی و از سویی توجه به جایگاه والای ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران شناخت اندیشه های رهبر معظم انقلاب با هدف فهم سیاست های کلان ایران اسلامی ضروری است.

از دیدگاه رهبری، حکومت اسلامی در اداره جامعه، روش ویژه ای را دارد و چنان نیست که بتواند با به کارگیری «روش های غربی» به هدف های خود برسد.

بنابراین، حکومت اسلامی باید روش حکومتی ویژه و شایسته ای داشته باشد. در این مجال، می کوشیم با بررسی دیدگاه های سیاسی حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در مقام ولیّ فقیه ـ البته منطبق با پرسش های آقای گلن تیندر ـ شکلی از حکومت که در عین متفاوت بودن با دمکراسی غربی، با استبداد و دیکتاتوری نیز تضاد دارد، ارایه کنیم که ایشان از آن به «مردم سالاری دینی» تعبیر کرده است؛ شکلی نوین از حکومت که می تواند در تحلیل نظام های سیاسی به عنوان یک قالب جدید بدان توجه شود.

فصل اول: کلیات

۱. بیان مسئله

اندیشه سیاسی، در برگیرنده بنیان ها و مؤلفه هایی است که با کنار هم قرار دادن آنها می توان نمایی از آن به دست داد. این بنیان ها، نظام سیاسی خاصی را معرفی می کنند و با تأکید بر ویژگی های آن نظام سیاسی، به بررسی عناصر و نهادهای آن می پردازند.

در این پژوهش، کوشیده ایم با نگاهی به مؤلفه های اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، حضرت آیت اللّه خامنه ای، بنیان های نظری اندیشه سیاسی ایشان را بررسی کنیم. همچنین در این پژوهش، چگونگی ارائه نظریه مردم سالاری دینی بر اساس نظریه ولایت فقیه، در ساختار اندیشه سیاسی ایشان توضیح داده شده است.

۲. اهمیت موضوع

با توجه به ضرورت شناخت اندیشه عالمان دینی و نیز تحلیل این اندیشه ها برای پیش برد جامعه اسلامی و با توجه به جایگاه ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران و آرای حاکم اسلامی، شناخت اندیشه های سیاسی رهبر انقلاب، آیت اللّه خامنه ای به منظور فهم سیاست های کلان ایران اسلامی ضروری می نماید.

۳. پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ کتاب یا پژوهش جامعی در زمینه این موضوع، نگاشته نشده است و آنچه در برخی از کتاب ها، پایان نامه ها و مقاله ها آمده، یا بخشی از اندیشه سیاسی ایشان است یا ارتباط چندانی با موضوع اندیشه سیاسی ندارد. از جمله کتاب هایی

که در این زمینه نوشته شده است، عبارتند از: تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری؛ علی، فراتر از ذهن؛ پرسش و پاسخ از محضر رهبر انقلاب؛ هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری؛ حوزه و روحانیت در بیانات رهبر معظم انقلاب؛ عبرت های عاشورا؛ اصلاحات و حدیث ولایت در ده مجلد که مجموعه ای از سخنرانی های آیت اللّه خامنه ای است. همچنین پایان نامه ای با عنوان نقش مردم از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای در کتاب خانه مؤسسه باقرالعلوم علیه السلام و پایان نامه دیگری نیز با عنوان اصلاحات از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای و حجت الاسلام و المسلمین خاتمی در کتاب خانه دانشگاه مفید موجود است. می توان گفت بیشتر آثار موجود در زمینه اندیشه های سیاسی آیت اللّه خامنه ای، به صورت خام و به صورت سخنرانی یا پیام در کتاب ها، جزوه ها و روزنامه ها منتشر شده است. در پژوهش حاضر کوشیده ایم ساختار اندیشه سیاسی آیت اللّه خامنه ای را تبیین کنیم.

۴. پرسش اصلی و پرسش های فرعی

مبانی اندیشه های سیاسی آیت اللّه خامنه ای کدام است؟

۵. پرسش های فرعی پژوهش

یک _ آیا از نظر آیت اللّه خامنه ای، انسان ها از یکدیگر بیگانه یا با هم یگانه هستند؟

دو _ به نظر آیت اللّه خامنه ای، آیا انسان ها برابر یا نابرابر آفریده شده اند؟

سه _ آیا از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای، قدرت به واقع لازم است؟

چهار _ محدودیت های قدرت از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای چیست؟

پنج _ هدف های نهایی قدرت از نظر آیت اللّه خامنه ای کدام است؟

۶. فرضیه های پژوهش

بیگانگی و یگانگی انسان ها، ضرورت قدرت، محدودیت های اخلاقی و قانونی قدرت و تحقق اراده الهی، ایجاد عدالت اجتماعی و تأمین امنیت و رفاه به عنوان غایت های قدرت، بنیادی ترین اندیشه های سیاسی آیت اللّه خامنه ای هستند.

۷. مفاهیم کلیدی

یگانگی، برابری، قدرت، محدودیت های اخلاقی و قانونی قدرت و عدالت اجتماعی.

۸. پیش فرض های پژوهش

الف) اندیشه سیاسی اندیشمندان، بر بنیان های نظری خاصی استوار است.

ب) در اندیشه سیاسی آیت اللّه خامنه ای، نوعی سازگاری میان مفاهیم جدید و آموزه های دینی برقرار می شود.

۹. هدف های پژوهش

تبیین اندیشه های سیاسی آیت اللّه خامنه ای در موضوع هایی همچون قدرت، ولایت فقیه و مردم سالاری دینی، از هدف های این پژوهش است.

با توجه به ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران و محوری بودن ولایت فقیه در آن، به نظر می رسد بررسی اندیشه سیاسی فقیهان شیعه، می تواند مبانی معرفتی را برای ساختار نظام فراهم آورد. ازاین رو، بررسی اندیشه های آیت اللّه خامنه ای می تواند در ساختار جمهوری اسلامی ایران اثرگذار باشد.

۱۰. روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی ـ تحلیلی است؛ یعنی با استفاده از روش گردآوری اطلاعات کتاب خانه ای، به توصیف و تحلیل اندیشه سیاسی ایشان می پردازد.

۱۱. سامان دهی پژوهش

در این پژوهش کوشیده ایم بر اساس اندیشه های گلن تیندر در کتاب تفکر سیاسی، عنوان هر فصل را مشخص و بر اساس آنها پرسش هایی در هر فصل مطرح کنیم. سپس با آرای آیت اللّه خامنه ای تطبیق دهیم تا آرای ایشان شناسایی شود.

فصل اول، درباره پرسش ها و آرای تیندر است. در فصل دوم، به بررسی زندگی نامه سیاسی آیت اللّه خامنه ای می پردازیم. در فصل سوم، به این پرسش اصلی خواهیم پرداخت که آیا انسان ها ذاتا از هم بیگانه اند؟ در پاسخ این پرسش، آیت اللّه خامنه ای معتقد است بر اساس آموزه های اسلامی، انسان سرشتی پاک دارد و انسان ها به طور فطری پاک آفریده شده و ازاین رو، انسان ها ذاتا یگانه اند.

در فصل چهارم، به موضوع برابری و نابرابری انسان ها می پردازیم. در این زمینه، آیت اللّه خامنه ای معتقد است بر اساس آموزه های اسلام و آیات قرآن کریم، انسان ها برابر آفریده شده اند و هیچ فردی بذاته بر دیگری برتری ندارد.

در فصل پنجم، موضوع ضرورت قدرت را مطرح می کنیم که آیا قدرت به واقع لازم است یا خیر؟ بر اساس اندیشه آیت اللّه خامنه ای، نیاز به قدرت، نیازی ضروری است تا فردی مانند پیامبر گرامی اسلام، بتواند افراد را در اجتماع گردآورد و با ابزارهایی که قدرت در دست ایشان نهاده است، هم بستگی و پیوستگی را که لازمه حیات جامعه است، پدید آورد.

همچنین در این فصل، به پرسش هایی مانند: نیاز به پیامبر، امام معصوم و ولیّ فقیه، وظایف ولیّ فقیه و نقش مردم در تعیین ولیّ فقیه پاسخ می دهیم. در فصل ششم، به بررسی محدودیت های قدرت می پردازیم و محدودیت های اخلاقی و قانونی آن را بررسی می کنیم. سرانجام در فصل هفتم، غایت های قدرت و وظایف دولت را در جامعه اسلامی برمی کاویم.

۱۲. چارچوب نظری

اشاره

پیش از بررسی اندیشه های سیاسی آیت اللّه خامنه ای، می کوشیم با توجه به چارچوب های نظری شکل گیری یک اندیشه، از آرای گلن تیندر در کتاب تفکر سیاسی بهره مند شویم.

از نظر تیندر، شناخت اندیشه سیاسی، نتیجه آشنایی با شک ها و پرسش هایی است که اندیشه از درون آنها به وجود می آید. (۱) همچنین بر اساس این دیدگاه، نمی توان روند تفکر را در پی آمدهایش خلاصه کرد و در عین حال، دچار اشتباه نشد؛ زیرا پرسش ها نه تنها آغاز تفکر نیست، بلکه تداوم آنها به اوضاع محیط زندگی نیز بستگی دارد. اگر ایده ها و نظریه ها از مسائل و پرسش هایی گرفته شود که به پویایی آنها می انجامد، از نظر فکری به موضوع هایی ایستا تبدیل می شود و علت آن، بی معنا شدن آن ایده ها و نظریه هاست.

ازاین رو، تفکر زنده در تماس همیشگی با پرسش های اساسی محیط خویش است. نظریه ها در خاک پرسش ها می رویند و همان گونه که گیاهان کاملاً ـ رشد یافته از همان آغاز جوانه زدن به خاک نیازمندند، نظریه های رشد یافته نیز در خاک پرسش ها ریشه دارند.

چرا به تفکر سیاسی می پردازیم؟ به برخی از پرسش ها هیچ گونه نمی توان پاسخ داد. برای مثال، چه وقت شخص حق دارد از فرمان حکومت سرپیچی کند؟ آیا هرگاه خیر ملت ایجاب کند، دولت حق دارد قوانین اخلاقی را به صورت مشروع زیر پا بگذارد؟ آیا باید همه نابرابری های اجتماعی و اقتصادی را از میان برداشت؟

۱- . گلن تیندر، تفکر سیاسی، تهران، اعلمی، ۱۳۷۴، ص ۳.

پاسخ گویی به چنین پرسش هایی بدون اندیشه امکان پذیر نیست. می توان از علوم اجتماعی، تجربه شخصی، تاریخ و منابع دیگر آگاهی هایی به دست آورد، ولی تنها اندیشه می تواند تعیین کند که در حقیقت، کدام یک از آگاهی ها به پرسش مربوط است و آن گاه برای پاسخ گویی از آن استفاده کرد. (۱)

آیا پاسخ گویی به چنین پرسش هایی لازم است؟ آیا بدون اندیشیدن مداوم درباره آنها نمی توان خوب زندگی کرد؟ پاسخ به هر دو پرسش در این اصل نهفته است که تنها از طریق ایده هاست که روابط خوب را با واقعیت تشخیص می دهیم و آن را درک می کنیم. از سوی دیگر، نظریه حق مشارکت همه انسان ها در حکومت که انگیزه بسیاری از رفتارهاست، بدون اندیشه سیاسی شکل نمی گرفت. همچنین انسان ها چگونه می توانند بدون داشتن اندیشه ای از آن خود، تشخیص دهند که کدام یک از ایده های دیگران قابل پذیرش است؟ (۲)

پرسش دیگر این است که چرا به نوع خاصی از پرسش می پردازیم که تنها می تواند به پی آمدهای غیریقینی و بحث انگیز بینجامد؟

پاسخ نخست، در مبحث نیاز به ایده هایی که تنها با اندیشیدن می توان به آنها رسید، آمده است. پی آمدهای اندیشه هرچه جدال برانگیز باشد، زندگی مدنی بدون آنها امکان پذیر نیست. به هر حال، داشتن ایده های آمیخته با شک، بسیار بهتر از نداشتن آنهاست. دسته اول، آزاردهنده، ولی بر اساس تمدن و دسته دوم، بربریت است. (۳)

۱- . گلن تیندر، تفکر سیاسی، تهران، اعلمی، ۱۳۷۴، ص ۸ .

۲- . گلن تیندر، تفکر سیاسی، تهران، اعلمی، ۱۳۷۴، ص ۱۰.

۳- . گلن تیندر، تفکر سیاسی، تهران، اعلمی، ۱۳۷۴، ص ۱۲.

پاسخ دوم نشان می دهد که هر فلسفه سیاسی، درون خود عنصری ذهنی دارد؛ «زیرا فلسفه سیاسی، مانند هر کار هنری دیگر، کاملاً آفریده فردی معیّن است و فاقد اقتدار دستگاهی از قوانین علمی است»، ولی دقیقاً ذهنی نیست. به بیان ساده تر، انسان نمی تواند به هر آنچه برمی گزیند، معتقد باشد. فرد باید خود را با ملاک ها و قاعده ها به طور منطقی سازگار کند. حقیقت هیچ کدام از نظریه ها یا فلسفه های بزرگ را نمی توان به طور مستدل نشان داد، ولی نشان دادن نادرستی یک نظریه یا فلسفه ـ خواه این نادرستی از نظر تضاد آن با ملاک های مسلّم یا تناقض درونی باشد ـ به طور مستدل آسان تر است.

سرانجام اینکه پرداختن به پرسش به گونه ای که هرگز نتواند بر قطعیت ناپذیری چیره شود، تنها به دلیل ارزش ذاتی آن هنگام پرسش، ارزشمند است. به باور تیندر، با اندیشیدن می توان به انسانیت رسید و این مرتبه از هیچ راه دیگری به دست نمی آید. (۱)

افزون بر این، انسان با اندیشیدن، نه تنها به اثبات خود متمایز خویش می پردازد، بلکه آن را نیز تعریف می کند؛ زیرا اندیشیدن، فراخوان خود است. ازاین رو، انسان با اندیشیدن، هستی خویش را شکل می دهد. همچنین این اندیشه، بنا به ضرورت داشتن سعه صدر در برابر دیگران، انسانیت فرد را ارتقا می بخشد.

به باور تیندر، انسان با آزادی و محدودیتش، موجودی اندیشمند است. ازاین رو، کسی که می آموزد اگر با وضوح و عزم ذهنی باز در پرسش ها تعمق کند، چیزی به دست خواهد آورد که قابل تأویل به دانش (صرف) نیست؛ یعنی خرد و

۱- . گلن تیندر، تفکر سیاسی، تهران، اعلمی، ۱۳۷۴، ص ۱۲.

تمایل به شکاکیتی که شایسته انسان است. (۱)

به گفته وی، در پاسخ به مجموعه ای از پرسش ها، یک اندیشه شکل می گیرد. در اینجا می کوشیم به مهم ترین پرسش هایی بپردازیم که از نظر تیندر، در پاسخ به آنها، اندیشه شکل می گیرد و مرحله به مرحله آنها را بیان کنیم.

الف) بیگانگی و یگانگی

تیندر در نخستین مرحله می گوید اگر بیگانگی انسان ها، اعم از تنهایی خموشانه یا جدال فعالانه نبود، اندیشه سیاسی تحقق نمی یافت. تنها پس از آسیب پذیری و ویرانی روابط انسانی است که ما به پرسیدن درباره نیروها و معیارهای اصل حاکم بر این روابط ناگزیر می شویم.

ازاین رو، شگرف ترین دستاوردهای اندیشه سیاسی، بیشتر واکنش هایی در برابر پریشانی های اجتماعی بوده است:

۱. اساسی ترین پرسش درباره بیگانگی آن است که آیا انسان ها ذاتا از هم بیگانه اند؟

هیچ فیلسوفی به صراحت هابز به این بحث که انسان ها به طور ذاتی از هم بیگانه اند، نپرداخته است. بر اساس استدلال هابز، وضعیت ذاتی انسان ها، جنگ همه انسان ها بر ضد همه انسان هاست. اگر دولت مرکزی نیرومندی نباشد که بر همه آمرانه حکم براند، آن گاه انسان ها از هم زیستی با هم بهره ای نخواهند برد، بلکه بزرگ ترین رنج را تحمل خواهند کرد.

از دیدگاه هابز، انسان ها اشیای مادی هستند. وی به طور منطقی نتیجه می گیرد

۱- . گلن تیندر، تفکر سیاسی، تهران، اعلمی، ۱۳۷۴، ص۱۵.

که آنان تنها با قدرت حکومت مطلق می توانند به یگانگی برسند. از سوی دیگر، بسیاری از اندیشمندان معتقدند که انسان ها یگانه اند. از نظر ارسطو، انسان دقیقا مانند برگی که به اقتضای ژرفای طبیعی اش، بخشی از درخت است، کاملاً و به ناگزیر، عضوی از شهر است.

۲. پرسشی که در ادامه پرسش پیشین مطرح می شود، این است که اگر انسان ها از هم بیگانه نیستند، تفرقه و ناسازگاری میان آنان را چگونه می توان توضیح داد؟

آگوستین در پاسخ به این پرسش می گوید: آنچه پیش آمده، این است که انسان به جوهر انسانی خود خیانت کرده است. این خیانت چیزی است که آگوستین و دیگر مسیحیان آن را گناه می نامند.

۳. با کدام قابلیت انسان، می توان انسان ها را یگانه کرد؟ درباره اجماع اندیشمندان غرب بر سر قابلیتی که با آن بتوان ناسازگاری را تعدیل کرد یا از میان برد، تردیدی وجود ندارد. این قابلیت از راه عقل به دست می آید.

به باور هابز، انسان ها ذاتا بیگانه اند، ولی بی گمان عقل می تواند به گونه ای هماهنگی منافع فردی را در جامعه پدید آورد. در مقابل، همه کسانی که از عقل با عنوان ابزاری خوب برای یگانگی نام می برند، ادموند برک (۱) آشکارا به جای عقل، از تعصب دفاع کرد. او به جای عقل، به رسوم و سنت ها؛ یعنی تعصب که ملکه ذهن انسان هاست، اعتماد داشت. به نظر برک، انسان ها بسیار پیچیده تر از آن هستند که در عقل بگنجند.

۴. به هر حال، آیا انسان ها برای چیرگی بر تعارض و تفرقه خویش به خداوند نیازمندند؟

۱- . ۱۷۲۹_۱۷۹۷ م..

در پاسخ به این پرسش می توان سه نگرش کلی را مشخص کرد:

یک ـ انسان گرایی به نفس انسان متجدد معاصر مطمئن است که بیشتر با الحاد یا لاادری گری و بدگمانی به دین همراه است.

دو ـ دومین نگرش کلی، مفهوم هلنی وابستگی هستی اجتماعی بر مبنای دین است. در این رویکرد، خداوند وجودی غیرفعال و موجود است و انسان، فاعلیت دارد.

سه ـ از نظر طرف داران نگرش سوم، یعنی مسیحیت اصیل، این خداوند است که فاعلیت دارد. (خداوند، خالق جامعه است).

جامعه از فاعلیت خداوند پدید می آید و نه صرفا موجودیت او بدین دلیل، شهر حقیقی، شهر خداست.

ب) نابرابری و برابری

در این بخش، تیندر چندین پرسش را مطرح می کند:

۱. آیا در زیر تمام نابرابری های تشکیل یافته در نظم اجتماعی و سیاسی، انسان ها واقعا به اقتضای طبیعت و نه بر اثر عرف و عادت نابرابرند؟ به عبارت دیگر، آیا انسان ها ذاتا نابرابرند؟

۲. اگر برخی از انسان ها ذاتا از دیگران برترند، چه کسی یا چه نشانه هایی می تواند آنان را بشناسد؟ اقلیت ممتاز را با چه نشانه هایی می توان شناخت؟

۳. اگر انسان ها ذاتا نابرابرند، آیا تمام نابرابری های معمول مانند ثروت و منزلت اجتماعی ناعادلانه است؟

ج) قدرت

تیندر در بخش دیگری از کتاب خود، به بحث قدرت می پردازد و قدرت، را از جنبه های گوناگون بررسی می کند. وی می گوید از آنجا که انسان ها بیگانه اند، برای تحقق نظم، قدرت ضروری به نظر می رسد و چون انسان ها نابرابرند، قدرت به

عنوان راه کـاری که در آن، فضـیلت هـای اقلیت می توانـد به سود همگـان باشـد، توجیه پـذیر است. افزون بر این، بسـیاری از کشـمکش های سیاسـی برای جداسازی انسان ها، همچون «تفکیک نژادی» یا یگانه کردن آنها و رتبه بندی آنان یا برابرسازی ایشان مستلزم قدرت است.

۱. آیا در میان انسان ها، نظم دیگری جز آنچه با قـدرت، ایجاد و ماندگار می شود، وجود دارد؟ «آیا قدرت، به واقع ضـروری است»؟ در اندیشه سیاسی دوره های گذشته، پاسخ مثبت به این پرسش، دست کم بر اساس سه نظریه متفاوت بنا شده بود. (۱)

الف) انسـان هـا خوبنـد و به تبع آن، نظم، پدیـده ای خود به خود است. به باور جان لاک، انسان ها برای ایجاد نظم به قـدرت نیاز ندارند، بلکه قدرت را تنها برای چیرگی بر برخی کاستی های نظمی لازم دارند که بنا بر سرشتشان خواهان آنند.

ب) نظم، بسـتگی تامی به قـدرت نـدارد. اصل، هماهنگی ذاتی است؛ این دیدگاه، نظریه عالمان اقتصاد کلاسـیک است. آنان معتقـد بودنـد اگر دولت هـا تنهـا شـرایط اصـلی اقتصـادی افراد همچون امنیت، مـالکیت و ثبات پولی را فراهم آورنـد، به طور طبیعی، نظم اجتماعی نیز پدید خواهد آمد. از نظر اقتصاددان کلاسیک، نظم نه به قدرت که به «دست نامرئی» و اصطلاح آدام اسمیت، یعنی «بازار آزاد» بستگی دارد.

ج) سـرانجام بسـیاری از اندیشـمندان، نظم را اساساً به عادت، رسم و سـنت وابسته می دانند. به باور ایشان، مردم در طول نسل ها، خود به خود برای زندگی نظمی ساخته اند که هم به سبب عادت و هم به دلیل احترام به شیوه های کهن

۱- . تفکر سیاسی، ص ۷۴.

تداوم یافته است.

آنارشیسم، نمونه ای از نظریه هایی است که نیکی را به جای قدرت نشاند. معمولاً گفته می شود نظم را با تلفیق برخی از این نیروها و البته با قدرت سنجیده انسانی می توان به دست آورد. این نظر، زیربنای دولت لیبرال نوین است. در برابر آنارشیسم و لیبرالیسم، نظریه دیگری می گوید انسان به گونه ای علاج ناپذیر نظم ستیز است و به جز قدرت، تمام منابع نظم، همچنان نامؤثر است. این نظریه در میان اصحاب کلیسا و روحانیان قدیم با تأکیدشان بر گناه نخستین رایج بود.

ماکیاولی (۱۴۶۹ _ ۱۵۲۷ م.) مشهورترین نماینده این نظریه بود. وی عقیده داشت که انسان ها همیشه به تلوّن و خود گرایش دارند و عاملان زیرک و خستگی ناپذیر بی نظمی اند. ازاین رو، نظم به اراده و مدیریت رهبران سیاسی بستگی دارد.

۲. آیا تصرف قدرت و بهره مندی از آن خوب است؟ (۱)

ارسطو، انسان را موجودی سیاسی می داند؛ یعنی انسان از راه فعالیت سیاسی، قابلیت های بی کران انسانی خویش را در می یابد.

دیگر اندیشمند بزرگ دوران باستان، اپیکور (۲۷۰ _ ۳۴۱ ق.م.) رویکردی کاملاً متفاوت دارد. دیدگاه او در عبارت «گم نام زندگی کن» به اختصار بیان شده است.

دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که می گوید شاید قدرت از نظر اخلاقی یا اجتماعی سودمند نباشد، ولی از نظر موقعیتی که برای فرد ستمگر و بی عاطفه فراهم می آورد، آشکارا ارزشمند است.

۱- . تفکر سیاسی، ص ۷۸.

۳. چرا باید از دیگران اطاعت کنیم؟ (یعنی چرا باید به قدرت دیگران تن دهیم؟)

در پاسخ به این پرسش، دو نظریه مطرح است:

الف) نظریه رضایت؛

ب) نظریه اراده عمومی.

۴. قدرت را به چه کسی باید واگذار کرد؟

هابز، فیلسوف انگلیسی، به بزرگان و نجیب زادگان اعتقادی نداشت. از دیدگاه بدبینانه وی، در مورد سرشت انسانی هیچ کس مستثنا نیست. بنابراین، از نظر هابز اینکه چه کسی حکومت کند، چندان اهمیتی ندارد. از سوی دیگر، آنارشیست ها معتقدند قدرت در هیچ شرایطی نباید به کسی واگذار شود. ارسطو، بهترین راه حکومت را اداره آن از سوی اقلیت متوسط می داند.

د) محدودیت های قدرت

محدودیت های قدرت بر دو گونه اند: اخلاقی؛ قانونی.

۱. آیا کاربرد شر برای دولت ها به منظور تحقق خیر موجه است؟

به باور ماکیاولی، چنین کاری توجیه پذیر است. به نظر او، کاربرد اثرگذار قدرت با رعایت دقیق قانون اخلاقی، ناسازگار است.

۲. حوزه قدرت سیاسی را چه چیز تعیین می کند؛ ملاحظه های لحظه ای یا محدودیت های پیشینی؟

۳. آیا باید در جامعه تنها یک مرکز اساسی قدرت وجود داشته باشد؟

از نظر افلاطون، قدرت کاملاً متمرکز، تهدیدی برای حیات متعالی و تمدن ساز است. همچنین بر اساس «دکترین دو شمشیر» مسیحیت، نباید تمام قدرت را به دست یک نفر سپرد؛ حتی اگر چنین فردی پاپ باشد. از سویی، افرادی مانند هابز و روسو، هر نوع تقسیم قدرت را به منزله دعوت به هرج و مرج می دانند.

۴. آیا کسانی که زیر نظر حکومت معیّنی، زندگی قانونی دارند، به ضرورت آزادی دارند؟

ه) هدف های قدرت

۱. تا فردی درباره هـدف زندگی تصور کلی نداشـته باشد، نمی تواند درباره وظایف دولت اظهار نظر کند. برخی مانند سارتر گفته اند زندگی انسان هیچ هدفی ندارد.

۲. قدرت، چه نوع وظایفی را می تواند انجام دهد؟

۳. آیا باید بخش اصلی امکانات تولید و توزیع، در اختیار دولت باشد؟

۴. آیا دولت ها مسئول شکل دادن به باورهای افراد هستند؟

۵. آیا دولت ها باید شکل دادن به ویژگی های اخلاقی افراد را بر عهده بگیرند؟

...

فصل دوم: زندگی نامه

اشاره

در بیان زنـدگی نامه آیت اللّه خامنه ای، نخست به اختصار به ولادت، دوران کودکی، تحصـیلات، تـدریس، اسـتادان ایشان و عزیمتشان به نجف اشاره می کنیم و سپس به زندگی نامه سیاسی، فعالیت ها و اقدام های سیاسی ایشان می پردازیم.

۱. ولادت

آیت اللّه سـید علی حسینی خامنه ای، در سال ۱۳۱۸ خورشـیدی در شهر مقدس مشهد پا به عرصه وجود گذاشت. خانواده وی از روحانیان سرشـناس به شـمار می آمد. پدرش، آیت اللّه حاج سـید جواد، از مجتهدان مشهور مشهد بود که سال ها، صبح ها در مسجد گوهرشاد و ظهرها و شب ها در مسجد بازار مشهد اقامه جماعت می کرد. جد ایشان، آیت اللّه سید حسین خامنه ای از عالمان آذربایجان مقیم نجف بود. وی پیش تر در تبریز اقامت داشت. سـپس به نجف اشرف سفر کرد و در آنجا به درس و بحث اشـتغال ورزیـد. وی مردی پرهیزکـار و اهـل دانش بود که عمری را بـا قنـاعت گذرانـده بود. مادر ایشان، دختر آقا سـید هاشم نجف آبادی (میردامادی) است که از عالمان معروف مشـهد بود. وی زنی پاک دامن و آشـنا به مسائل اسلامی و آراسته به اخلاق الهی است. (۱)

۲. دوران کودکی

دوران کودکی ایشان، با تربیت پدری بسیار مراقب، ولی مهربان و دوست داشتنی و مادری مهربان، با شرایطی سخت و با تنگ دستی همراه بود. آیت اللّه خامنه ای در

۱- . فرزند کوثر، مروری بر زندگی حضـرت آیت اللّه خامنه ای، رهبر معظم انقلاب، تدوین: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱، چ ۱، صص ۹۱ _ ۹۲.

این باره می فرماید:

دوران کودکی ما بسیار در عسرت می گذشت. خاصه که کودکی من مصادف با ایام جنگ نیز بود. با اینکه مشهد در کرانه جنگ واقع بود و همه چیز نسبت به شهرهای دیگر کشور در آن ارزان و فراوان بود، مع هذا؟ وضع خانواده ما به طوری بود که ما حتی همیشه نمی توانستیم نان گندم بخوریم و معمولاً نان جو می خوردیم. من شب هایی از کودکی را به یاد می آورم که در منزل شام نداشتیم و مادر با پول خردی که بعضی از وقت ها مادربزرگم به من یا یکی از برادران و خواهرانم می داد، قدری کشمش یا شیر می خرید تا با نان بخوریم. ...منزل پدری من که در آن متولد شده ام (تا ۴_۵ سالگی من) یک خانه حدود ۶۰ _۷۰ متری در محله ای فقیرنشین در مشهد بود که فقط یک اتاق داشت و یک زیرزمین تاریک و خفه. (۱)

۳. تحصیلات

ایشان، تصدیق ششم را دور از چشم پدر و با رفتن به کلاس شبانه دریافت کرد و سپس مخفیانه در کلاس های دبیرستان نام نویسی کرد و دوره متوسطه را دو سال به صورت جهشی خواند و دیپلم گرفت. از نظر علوم اسلامی نیز در همان مدرسه، ادبیات عرب را آغاز کرد و آن را در چهارده سالگی، در مدرسه علوم دینیه (سلیمان خان) به پایان رساند. شرایع را نیز در محضر پدر فراگرفت. سپس به توصیه پدر، در درس شرح لمعه که مبحث حج بود، وارد و با برادرش، حاج سید محمدآقا هم مباحثه شد. آن گاه از مدرسه سلیمان خان به مدرسه علوم دینیه نواب رفت و سطح را به پایان رساند. پس از آن، در دروس خارج آیت اللّه العظمی

۱- . روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰/۵/۱۳۶۴.

میلانی شرکت جست و این مایه شگفتی است که جوانی در شانزده سالگی بتواند در درس خارج شرکت کند. (۱)

۴. تدریس

ایشان، تدریس را از نخستین روزهای طلبگی رسمی یعنی بی درنگ پس از پایان دوران دبستان شروع کرد و نخستین تدریس ایشان، کتاب امثله یا صرف میر بود که برای دو شاگرد بزرگ سال از روضه خوان های مشهد تدریس فرمود. همچنان تا سال ۱۳۳۷ که در مشهد بود، کتاب هایی مانند صرف، نحو، معانی، بیان، اصول و فقه تدریس کرد و در قم نیز درس هایی را که می خواند، تدریس می فرمود. پس از برگشتن از قم به مشهد (در سال ۱۳۴۳) تدریس از برنامه های اصلی ایشان بود و در طول این سال ها (تا ۱۳۵۶) تفسیر و عقاید سطوح عالی (مکاسب و کفایه) تدریس می کرد و هم اکنون نیز درس خارج ایشان، کانون گرمی برای طالبان علوم اهل بیت علیهم السلام است.

۵. استادان

معظم له، درس های سطح را نزد استادانی چون آقای علوی، آقای مسعود، پدر بزرگوارشان، آقامیرزا احمد مدرس یزدی، آیت اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی (از شاگردان آقا میرزا مهدی اصفهانی و اهل ریاضت و مدرس درجه یک مشهد) به مدت پنج سال و نیم خواند. درس خارج را نیز نزد استادانی همچون آیت اللّه العظمی میلانی، آیت اللّه شیخ هاشم قزوینی و فلسفه را نزد آیت اللّه میرزا جواد آقا تهرانی خواند. وی، کتاب منظومه حاج ملاهادی سبزواری را درس می گفت و رد می کرد. بنابراین، درس منظومه ایشان، رد منظومه بود. آن گاه، بنا به پیشنهاد یکی از

۱- . فرزند کوثر، مروری بر زندگی حضرت آیت اللّه خامنه ای، رهبر معظم انقلاب، تدوین: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱، چ ۱، صص ۹۳ _ ۹۷.

دوستانش، به درس آقا شیخ رضا ایسی که در مشهد، فاضلی معتقد به حکمت بود، شرکت جست.

۶. عزیمت به نجف و قم

ایشان پس از درک محضر استادان بزرگوار ایران، به نجف اشرف رفت و در درس های مجتهدان بزرگی چون حکیم، خویی، شاهرودی، آقامیرزا زنجانی، میرزا حسن یزدی و آقا سید یحیی یزدی شرکت کرد. معظم له، در شرح زندگانی خود فرموده است:

اما در بین همه این درس ها، یکی از درس آیت اللّه حکیم خیلی خوشم [می] آمد؛ به خاطر سلیس بودن و روانی اش و با نظرات فقهی خیلی خوبی که داشت و یکی هم درس آیت اللّه آقامیرزا حسن بجنوردی که در مسجد طوسی درس می گفت تا اینکه تصمیم گرفتم در نجف بمانم. لذا به پدرم نامه نوشتم که اگر می شود من اینجا بمانم، اما پدرم موافقت نکرد. بنابراین، آمدم مشهد و بعد از مدتی راهی قم شدم و در قم تصمیم گرفتم همه درس ها را ببینم تا هر کدام را که پسندیدم، به همان درس بروم که همین کار را هم کردم و از میان همه آن درس ها، یکی از درس امام و بعد از آن، درس آیت اللّه آقا مرتضی حاج شیخ و دیگری درس آیت اللّه العظمی بروجردی را می رفتم و در درس فقه و اصول امام هم مستمرا شرکت می کردم. در قسمت فلسفه هم، یک مقدار از اسفار و یک مقدار هم شفا را از درس علامه طباطبایی استفاده کردم. (۱)

۱- . حسین آوردی، آشنایی با ستارگان هدایت مراجع تقلید شیعه، قم، دفتر نشر برگزیده، ۱۳۷۴، صص ۱۹_۲۳.

۷. مبارزات پیش از انقلاب

اشاره

آیت اللّه خامنه ای، مجاهدی شجاع و باتقواست که در سراسر زندگی پر برکتش همواره در جهاد الهی بوده است. به ویژه پس از سال ۱۳۴۱ که امام بزرگوار، نهضت عظیم اسلامی را به راه انداخت، لحظه ای از تلاش و جهاد باز نمانده است. شرح این همه مبارزه، به طول می انجامد. ازاین رو، تنها در این مجال، به اختصار اشاره ای خواهیم داشت.

خود ایشان در این باره می فرماید: «در ارتباط با ورود مبارزه و مسائل سیاسی، سال های ۳۱_۳۲ بود که شنیدم مرحوم نواب صفوی آمدند به مشهد که در این ارتباط یک جاذبه پنهانی مرا به طرف مرحوم نواب می کشاند و خیلی علاقه مند شدم نواب را ببینم. تا اینکه خبر دادند نواب می خواهد به مدرسه سلیمان خان که من هم از طلاب آنجا بودم بیاید که آن روز ورود مرحوم نواب به مدرسه سلیمان خان، جزو روزهای فراموش نشدنی زندگی من است.

وقتی ایشان با عده ای از فداییان اسلام که کلاه پوست مخصوص به سر داشتند، وارد مدرسه شد، به هیئت ایستاده و با شعار کوبنده به سخنرانی پرداخت. محتوای سخنرانی اش این بود که باید اسلام زنده شود و اسلام حکومت کند و در این زمینه، پرخاشگرانه، شاه، انگلیس و مسئولان مملکتی را متهم به دروغ گویی کرد و گفت: این مسئولین مسلمان نیستند.

من که برای اولین بار این حرف ها از زبان مرحوم نواب به گوشم می خورد، آن چنان حرف هایش در دل نشست که دوست داشتم همیشه با او باشم و همان جا اعلام شد که فردا آقای نواب از مهدیه به مدرسه نواب خواهد رفت و فردای آن روز، مرحوم نواب به هیئت اجتماع از مهدیه به سوی مدرسه نواب حرکت کرد و در بین راه، خطاب به مردم با صدای بلند شعار می داد و می گفت: برادر غیرتمند مسلمان، باید اسلام حکومت کند.

تا اینکه به مدرسه نواب وارد شد و آنجا هم با تمام وجود یک سخنرانی مفصل و هیجان انگیزی ایراد کرد و بعد از سخنرانی به ایشان پیشنهاد اقامه نماز جماعت شد که قبول کردند و نماز را به امامت ایشان خواندیم و بعد از آن، مرحوم نواب از مشهد رفتند. ما دیگر از او خبر نداشتیم تا اینکه خبر شهادتش به مشهد رسید و وقتی خبر شهادت ایشان به مشهد آمد، ماها از روی خشم و غضب منقلب شده بودیم؛ به نحوی که در صحن مدرسه شعار می دادیم و از شاه بدگویی می کردیم.

نکته قابل توجه این است که آیت اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی در مشهد تنها روحانی ای بود که بر اساس همان آزادگی و بزرگ منشی اش، در مقابل شهادت مرحوم نواب عکس العمل نشان داد و در مجلس درس از شهادت مرحوم نواب صفوی و یارانش به وسیله دستگاه حاکم انتقاد شدید کرد و تأثر خودش را از شهادت آنها ابراز داشت و گفت: «مملکت ما کارش به جایی رسیده که فرزند پیغمبر را به جرم گفتن حقایق می کشند!» و لذا از همان وقت جرقه های انگیزش به وسیله نواب صفوی در من به وجود آمد و هیچ شکی ندارم که اولین آتش را مرحوم نواب در دل ما روشن کرد. بنابراین، آن حالت رنگ پذیری از مرحوم نواب، سبب شد که در همان سال ۳۴ یا ۳۵ اولین حرکت مبارزاتی ما شروع شود. به این شکل که یک استانداری به نام فرخ برای مشهد آمده بود و این شخص به هیچ یک از مظاهر و ضوابط دینی احترام نمی گذاشت. از جمله اینکه در ماه محرم و صفر که معمول بود سینماهای مشهد تعطیل می شد، ابتدا تا چهارده محرم اعلام تعطیلی کرد و بعد یک قدری سر و صدا شد تا بیست محرم تجدید کرد و لذا ما چند نفر بودیم که نشستیم یک اعلامیه در ارتباط با امر به معروف و نهی از منکر

نوشتیم و با پست به این طرف و آن طرف فرستادیم». (۱)

الف) پیشاهنگی مبارزه در مشهد

این مجاهد شجاع و خستگی ناپذیر، سراسر زندگی پر برکت خود را در جهاد و دفاع از حریم مقدس اسلام و انقلاب گذرانده و سختی های زندگی، هرگز مانعی برای خدمت خالصانه او در راه اعتلای کلمه اللّه نبوده است.

ایشان از سال ۱۳۴۱ _ آغاز نهضت سترگ اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله _ همچون سربازی مخلص و یاری وفادار با سلاح قلم و بیان به پیکار طاغوت رفت و به بیدارسازی اندیشه های خفته جامعه پرداخت و با آشنا ساختن مردم با معارف قرآنی، مردم را به جهاد و قیام بر ضد رژیم ستم شاهی برانگیخت.

حجت الاسلام و المسلمین عبدالرضا ایزد پناه (۲) که افتخار شاگردی چندین ساله آیت اللّه خامنه ای را دارد، درباره فعالیت های انقلابی معظم له در زمان طاغوت می گوید:

آیت اللّه خامنه ای به جهاد و مخالفت علیه طاغوت شهره شهر (مشهد) بود. اطرافیان و مریدانش، سید جمال را در سیمای او می دیدند. در دانشگاه و بین روشن فکران، افتخار حوزه ها بود و در حوزه علمیه، بیدارگر و احیاگری غریب. وقتی به آن سال ها برمی گردم و چهره او را در ذهنم می آورم، گویا شیری بود در قفس؛ خشمی مقدس علیه طاغوت زمان. با تمام فشارها و محدودیت هایی که ساواک مشهد بر او وارد کرد، نتوانست] او را [از تفسیر قرآن، نهج البلاغه و...]بازدارد].

۱- . امیررضا ستوده، پا به پای آفتاب، تهران، نشر پنجره، ۱۳۸۲، چ ۳، ج ۳، صص ۲۳ و ۱۶۳، ۱۸۰.

۲- . سردبیر مجله حوزه.

وی طلاب و دانشگاهیان را با مایه های انقلاب و زندگی ساز اسلام آشنا می کرد. او کانون مبارزه در مشهد بود. بعدها تشکل های مخفی ایجاد کرده بود. هم در سطح عالمان بالای حوزه، هم در سطح طلاب و مدارس و هم در بازار و دانشگاه؛ حتی در ادارات و ارتش نفوذ کرده بود و اعلامیه ها توسط آنها پخش می شد و تحرکات مشهد از همین تشکل ها مایه می گرفت. حتی گروه های مسلحانه ای چون گروه «والعصر» را هدایت می کرد که اعضای آن بعدها دستگیر شدند. (۱)

ب) بازداشت ها

آیت اللّه خامنه ای در سال ۱۳۴۲ از سوی امام خمینی رحمه الله، مأمور رسانیدن پیام های مهم و سرنوشت سازی به مشهد مقدس شد. برخی از این پیام ها به قرار زیر است:

یک ــ برای عالمان و سخنرانان و هیئت های مذهبی به منظور بیان حقایقی چون قتل عام طلاب در فیضیه و محکوم کردن اسرائیل.

دو ــ برای آیت اللّه العظمی میلانی. ایشان پس از رسانیدن پیام ها همراه گروهی از دوستان متعهد و انقلابی به شهرهای گوناگون استان سفر کرد تا مردم آن سامان را نیز از متن پیام امام آگاه سازد.

ایشان شهر بیرجند را ــ که مرکز قدرت و سیطره رژیم در استان بود ــ برای سفر برگزید و از سوم محرم، کار تبلیغی خویش را آغاز کرد و با آگاهی بخشیدن به مردم، آنان را به قیام بر ضد رژیم برانگیخت.

در روز هفتم محرم که جمعیت انبوهی برای شنیدن سخنان ایشان گرد آمده بودند، با سخنانی شیوا و افشاگرانه، مسئله کشتار طلاب را در فیضیه مطرح و تحولی عظیم در مردم ایجاد کرد که گریه بلند حاضران را در پی داشت و

۱- . روزنامه رسالت، ۱/۴/۱۳۶۸.

احساسات دینی و انقلابی آنان را بر ضد رژیم برانگیخت.

ایشان خود در این باره می فرماید:

در آن روز، منبری اولی، مطلب را طول داد و دیر پایین آمـد و برای من حدود نیم ساعت وقت ماند. مطلب را شـروع کردم. از شـدت هیجان می لرزیـدم؛ هر چنـد به هیـچ وجه نمی ترسـیدم و حال مردم نیز در من اثر می گذاشت. مردم عجیب اشک می ریختند و هنگامی که از منبر پایین آمدم، دور مرا گرفتند که مبادا دستگیر شوم. (۱)

پس از این افشـاگری، سـاواک که وجـود ایشـان را خطری بزرگ برای رژیم می دانست، معظم له را در روز عـاشورای همـان سال دستگیر کرد و سپس به زندان مشهد انتقال داد.

آیت اللّه خامنه ای، مبارزات پیوسته خویش را در طول سال های سیاه شاهنشاهی، این گونه بیان می کند:

پس از آزادی بـه قـم بازگشــتم و در اواخر همـان سـال (بهمـن ۱۳۴۲) برای مـأموریت مشـابهی بـه زاهـدان رفتم. این سـفر نیز سرنوشت مشابهی با سـفر قبلی (بیرجند) داشت. برنامه سخنرانی های پرشور و افشاگرانه، نیمه ماه با دستگیری من متوقف ماند. پس از دسـتگیری، مرا به تهران اعزام و در قزل قلعه زنـدانی کردند. در سال ۱۳۴۳ در قم، طرح تشـکیلات نوین حوزه و ایجاد یک سازمان سیاسـی پنهان را با عده ای از مدرسـین و فضـلای معروف قم ریختم. این تشـکیلات، پس از مدتی کشف و چند نفر از چهره های معروف... دسـتگیر شدند و من و چند نفر دیگر، مدتی در حدود یک سال متواری و پنهان بودیم. در (اواخر) سال ۱۳۴۳ به مشهد برگشتم و ضمن ادامه شرکت در دروس عالی حوزه، به تدریس

۱- . روزنامه رسالت، ۱/۴/۱۳۶۸.

سطوح عالی و تفسیر اشتغال یافتم. مهم ترین اشتغال من در این سال ها (۱۳۴۳ تا ۱۳۴۶)، فعالیت های پایه ای (ایدئولوژیک و سیاسی) در سطح حوزه و دانشگاه [و] به تدریج، بعدها، در سطح کلی جامعه در مشهد بود که در حقیقت سرچشمه اصلی بیشتر حرکت های تند انقلابی در همان سال ها و سال های بعد محسوب می گشت.

جلسات درسی بزرگ و پرجمعیت من در تفسیر و حدیث و اندیشه اسلامی در دیگر شهرها و تهران نیز، نظایر زیادی نداشت و همین فعالیت ها به اضافه فعالیت های نوشتنی بود که به بازداشت های متوالی من در سال های ۱۳۴۶ و ۱۳۴۹ منتهی شد. از سال ۱۳۴۸ که زمینه حرکت مسلحانه در ایران محسوس بود، حساسیت و شدت عمل دستگاه های جاری رژیم پیشین نیز نسبت به من که به قرائن دریافته بودند چنین جریانی نمی تواند با افرادی از قبیل من در ارتباط نباشد، افزایش یافت. [ازاین رو،] سال ۱۳۵۰ مجددا و برای پنجمین بار به زندان افتادم. (۱)

ج) ایجاد تشکیلات انقلابی در مشهد

ایشان پس از آزادی نیز همچون گذشته به فعالیت های خویش ادامه داد و هر بار پرشورتر از پیش، در راه رسیدن به هدف های الهی خویش می کوشید.

ازاین رو، همراه با دوستانش، در ایجاد وحدت و یک پارچگی قیام مردمی می کوشید؛ زیرا به خوبی می دانست که وحدت و یک سویی و پیروی از امام امت، به فروپاشی حتمی و نزدیک رژیم خواهد انجامید. ازهمین رو، در شهر مقدس مشهد، هسته اولیه تشکلی اسلامی را با رهبری امام امت و مدیریت جمعی از روحانیان متعهد پایه ریزی کرد. ایشان خود در این زمینه می فرماید:

۱- . روزنامه رسالت، ۱/۴/۱۳۶۸.

تابستان سال ۱۳۵۶ در مشهد با دو نفر از برادران، آقای ربانی املشی و آقای موحدی کرمانی نشسته بودیم. صحبت این شد که مبارزین و مخصوصا روحانیت که عمده ترین مبارزین بودند، چرا متشکل نیستند. پیشنهاد شد که بیاییم و تشکیلات را به وجود آوریم. در همان جلسه، گفته شد که اگر آقای بهشتی در این تشکیلات باشند، این تشکیلات عاقبت به خیر خواهد شد و به جایی خواهد رسید. از حُسن اتفاق، شهید بهشتی و شهید باهنر در همان موقع در مشهد بودند و لذا جلسه با شرکت این عزیزان تشکیل و سنگ بنای تشکلی اسلامی گذاشته شد. (۱)

د) تبعید به ایران شهر

با شدت گرفتن حرکت انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶، رژیم پهلوی به فشار آوردن بر مبارزان مسلمان شدت بخشید و آنان را روانه زندان و تبعیدگاه کرد. ازاین رو، آیت اللّه خامنه ای را نیز که محور اصلی راه پیمایی های استان خراسان بود، دستگیر و به ایران شهر (در جنوب شرقی ایران) تبعید کرد.

این مجاهد نستوه در تبعیدگاه خویش نیز از مبارزه بی امان بر ضد رژیم پهلوی دست برنداشت و در برخورد با مردم محروم آن دیار، با بیان معارف قرآنی، در توجه دادن مردم به امام و روحانیان نقش مهمی ایفا کرد.

در آن سال که جاری شدن سیل سبب بی خانمان شدن و خسارت دیدن بسیاری شده بود، ایشان با استفاده از تجربه (حضور در فردوس و گناباد)، گروهی از طلاب و روحانیان را بسیج کرد و به کمک مردم شتافت؛ به گونه ای که نقش فعال ایشان در این زمینه سبب ترس و وحشت ساواک و نیز شگفتی آنان شد. در این باره، رئیس ساواک به ایشان می گوید:

۱- . روزنامه رسالت، ۱/۴/۱۳۶۸.

دیشب در کمیسیون امنیت شهربانی به ساواک گفتم، شما چه قدر بی عرضه هستید که هیچ کاری نکرده اید. یک تبعیدی، ببینید اینجا چه اوضاعی درست کرده.

پس از گذشت یک سال (در سال ۱۳۵۷) با اوج گیری انقلاب اسلامی و ناتوانی رژیم، آیت اللّه خامنه ای به مشهد بازگشت و تا سرنگونی رژیم و پیروزی کامل انقلاب اسلامی، به تلاش های خویش در راه احیای ارزش های اسلام و انقلاب ادامه داد. (۱)

۸ . مسئولیت های پس از انقلاب

اشاره

آیت اللّه خامنه ای پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز لحظه ای از تلاش و حمایت از انقلاب باز نایستاد و در تمام صحنه ها، در کنار دوستان متعهد خویش حضوری چشم گیر داشت و در این راه، بارها تا مرز شهادت پیش رفت.

در این دوران سرنوشت ساز، مسئولیت های فراوان و دشواری را به عهده گرفت و با تکیه بر همت بی مانند خود، در پرتو رهبری های حکیمانه رهبر کبیر انقلاب، خدمت های شایانی به اسلام و انقلاب کرد. در ادامه، به گوشه ای از مسئولیت ها و خدمت های خالصانه معظم له اشاره خواهیم کرد.

الف) شورای انقلاب اسلامی

معظم له می فرماید:

من در مشهد سرگرم کارهای این شهر بودم. شهید مطهری چند بار تلفنی به طور مستقیم و با واسطه به من اطلاع دادند که باید به تهران بروم. من تصور می کردم که برای همین کارهای معمولی خودمان که مشترکا خیلی کارها داشتیم، چه کارهای علمی و ایدئولوژیک و چه

۱- . پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، رهبری فرزانه از نسل کوثر، قم، انتشارات یاقوت، صص ۹۳ _ ۱۰۰.

کارهای سیاسی، می گویند به تهران بروم. فکر نمی کردم برای شورای انقلاب باشد و می گفتم می آیم. منتهی چون در مشهد گرفتاری های زیادی داشتم و خیلی بار روی دوش من بود، مرتب به تأخیر می افتاد تا اینکه از پاریس پیغام دادند که امام دستور داده اند که من به تهران بروم. احساس کردم که مسئله ای است که من باید به تهران بروم. به خصوص که آقای مطهری هم در یک تماس تلفنی با قدری عصبانیت پیغام دادند که چرا به تهران نمی روم و منتظر چه هستم. در تهران، به من گفتند: در جلسه ای باید شرکت کنم که در منزل شهید مطهری بود. در آن جلسه، همه اعضای شورای انقلاب جمع بودند و در آنجا بود که من اطلاع پیدا کردم که عضو شورای انقلاب هستم و تا آن موقع نمی دانستم. (۱)

ب) کمیته استقبال از امام خمینی رحمه الله

وقتی امام به کشور بازگشت، کمیته های گوناگون در مدرسه رفاه و علوی تشکیل شد یا اگر پیش تر تشکیل شده بود، به کار خود با جدیت بیشتر ادامه داد. آیت اللّه خامنه ای، مسئولیت تبلیغات دفتر امام را به دوش گرفت و این بخش از کار را که بسیار پرزحمت بود، به خوبی اداره کرد. (۲)

پس از بازگشت رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی رحمه الله و خارج شدن کشور از دست دولت، کمونیست ها که تحت حمایت ابرقدرت شرق (شوروی سابق) قرار داشتند و با رژیم پهلوی مخالفت می کردند، به فکر استفاده از فرصت و سازمان دهی عناصر خویش افتادند تا بتوانند به اصطلاح، انقلاب دموکراتیک خلقی ایجاد کنند. ازاین رو، در کارخانه جنرال موتور (در جاده تهران ـ

۱- . پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، رهبری فرزانه از نسل کوثر، قم، انتشارات یاقوت، صص ۱۰۰ ـ ۱۰۱.

۲- . پابه پای آفتاب، ج ۳، ص ۲۷.

کرج) اجتماع کردند تا در فرصتی مناسب، با حمله به مراکز حساس پایتخت و اشغال آنها، حکومت کمونیستی برقرار کنند.

آنان حدود پانصد نفر از افراد مشاغل گوناگون بودند و با سخنان تحریک آمیز خویش، کارگران کارخانه را نیز که هشت صد نفر بودند، با خود همراه کردند.

خبر اجتماع آنان به دفتر حضرت امام رسید و عده ای از روحانیان به آنجا ره سپار شدند تا آنان را نصیحت و راهنمایی کنند، ولی نتیجه ای به دنبال نداشت. به همین دلیل، در روز بیستم بهمن که خطر جنگ داخلی از سوی آنان شدت گرفت، آیت اللّه خامنه ای به آنجا رفت و پس از سخنرانی، به پرسش های آنان پاسخ داد.

پاسخ های قاطعانه و شجاعانه ایشان سبب شد که آنان با دست زدن و فریاد کشیدن و قطع کردن برق کارخانه، رسوایی خویش را جار زنند، ولی با درایت معظم له و اعلان نماز جماعت در حیاط کارخانه، کارگران مسلمان در صف نماز جماعت گرد آمدند و ماهیت پلید فرصت طلبان برای آنان افشا شد. ازاین رو، همان کارگران، منحرفان کمونیست را با کتک از کارخانه بیرون کردند و خطری که نزدیک بود فرصت تجدید نفسی را به رژیم پوسیده ستم شاهی دهد، با هشیاری آیت اللّه خامنه ای خنثی شد.

ج) مأموریت به سیستان و بلوچستان

مقام معظم رهبری در فروردین سال ۱۳۵۸، در کنار عضویت در شورای انقلاب، از سوی بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی رحمه الله مأمور رسیدگی به اغتشاش های ضد انقلاب و خان های وابسته در استان سیستان و بلوچستان شد.

با تدبیر و دوراندیشی معظم له، توطئه جدایی این استان از دامن میهن اسلامی نیز که هم زمان با زمزمه های شوم خودمختاری کردستان مطرح می شد، بی اثر

گردید.

د) نماینده شورای انقلاب در وزارت دفاع

معظم له در سال ۱۳۵۸ به عنوان نماینده شورای انقلاب در وزارت دفاع گماشته شد و سپس مسئولیت معاونت وزیر دفاع را نیز پذیرفت.

در این زمان که آغاز پیروزی انقلاب بود، دستگاه های دولتی از وجود افراد بیگانه و ضد انقلاب خالی نبود و پاک سازی جامعه، امری لازم به شمار می آمد. مقام معظم رهبری نیز که از اهمیت پاک سازی نهادهای کشور از وجود بیگانگان و مزدوران آنان غافل نبود، نمونه ای از تدبیرهایش را در این دوره چنین بازگو می فرماید:

دولت موقت به این نتیجه رسیده بود که هیچ دلیلی ندارد که با امریکا ـ دولت ثروتمند و قوی که با ما کاری هم ندارد، با ما غرض ورزی هم ندارد ـ بی خود سر بی درد خود را به درد آوریم! این فکر در موقت نتایجی داشت. یکی از نتایجش این بود که امریکایی ها را در داخل ایران بگذارند بمانند. در نیروی هوایی، عده ای از امریکایی ها بودند که تا مدت ها ما خبر نداشتیم. بعد در شورای عالی دفاع که آن وقت من عضو شورای عالی دفاع بودم و آقای مهندس بازرگان، رئیس شورای عالی دفاع بود، یکی از مسائلی که عنوان شد، یک روز در یک جلسه، این بود که امریکایی ها پیشنهاد کرده بودند ـ امریکایی های مستقر در ستاد نیروی هوایی ـ که چون امروز ما اینجا هستیم، دیگر اسم دفتر ما، دفتر کارشناسی نظامی نیست و ما کارشناس نظامی به آن معنا نیستیم. پس نام دیگری برایش انتخاب کنید و چهار نام را پیشنهاد کرده بودند. (۱)

با مخالفت آیت اللّه خامنه ای، دولت موقت نتوانست برنامه نگه داری

۱- . روزنامه رسالت، ۱/۴/۱۳۶۸.

امریکایی ها را در ایران با تغییر نام عملی سازد و به حضور آنان در کشور استمرار بخشد.

ه) سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

مقام معظم رهبری در سال ۱۳۵۸، با وجود مشکلاتی که در مشاغل و مسئولیت های گوناگون داشت، بنا بر وظیفه، سرپرستی اولیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را پذیرفت و با تلاش بی وقفه خویش و دیگر افراد در این بنیان نوپا، شالوده ای بنا نهادند که همواره مایه افتخار انقلاب اسلامی ایران خواهد ماند. (۱)

و) رسیدگی به امور دانشجویان

رهبر انقلاب اسلامی، از اندک افرادی است که در تمام عرصه های سیاسی، فرهنگی و نظامی پا به میدان نهاده و از آن سربلند بیرون آمده است. در جهاد و مبارزه، رزمنده ای دلاور؛ در عرصه های دانش، آموزگاری موفق و باتجربه؛ در محراب عبادت، عابدی خاضع و خاشع؛ در حل مشکلات انقلاب و مردم، رهبر و راهنمایی دل سوز و در وعظ و خطابه، خطیبی فصیح است. حضرت امام خمینی رحمه الله در مورد ویژگی های ایشان فرموده است:

(شما) سربازی فداکار در جبهه جنگ و معلمی آموزنده در محراب و خطیبی توانا در جمعه و جماعات و راهنمایی دل سوز در صحنه انقلاب هستید. (۲)

توانایی و قدرت فکری آیت اللّه خامنه ای و فهم بالای ایشان از معارف اسلامی به گونه ای آشکار بود که پس از شهادت شهید مطهری، حضرت امام رحمه الله ایشان را

۱- . رهبری فرزانه از نسل کوثر، قم، انتشارات یاقوت، ۱۳۸۱، صص ۱۰۲ _ ۱۰۵.

۲- . امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۱۵، ص ۴۱.

برای حل مسائل دانشجویان و قشر جوان، پیشنهاد کرد:

البته اشخاصی هم که گوینده هستند بیایند در دانشگاه و من پیشنهاد می کنم که آقاسیدعلی آقا بیایند؛ خامنه ای. شما ممکن است بروید پیش ایشان از قول من بگویید ایشان بیایند و به جای آقای مطهری. بسیار خوب است. ایشان فهیم است. می تواند صحبت کند، می تواند حرف بزند. (۱)

ز) امامت جمعه تهران

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمه الله با شناخت کامل خویش از پیشینه درخشان مقام معظم رهبری در میدان های مبارزه با دشمنان و در صحنه های علم و عمل، در حکمی، ایشان را به امامت جمعه تهران گماشت و در بخشی از آن چنین فرمود:

جناب مستطاب سید الاعلام و حجت الاسلام آقای حاج سید علی خامنه ای، دامت افاضاته.

جناب عالی که بحمداللّه، به حسن سابقه موصوف و در علم و عمل، شایسته هستید، به امامت جمعه تهران منصوب می باشید. از خداوند متعال، توفیق جناب عالی را در ارشاد و هدایت مردم خواستارم. (۲)

نماز جمعه تهران، فرصتی بود تا اذهان تشنه مردم، از سرچشمه زلال معارف اسلامی ــ قرآنی، سیراب و از وجود پر برکت این مجاهد نستوه، بهره مند شود. سخنان ارزنده و عالمانه ایشان در نماز جمعه، مجموعه ای از معارف اسلامی و تحلیل های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است.

۱- . امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۱۰۳.

۲- . امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۲۵۴.

مقام معظم رهبری با بیان احکام دین مقدس اسلام و مسائل جامعه در خطبه های نماز جمعه، همواره نقاب از چهره پلید دشمنان انقلاب و اسلام برمی دارد و توطئه و کینه توزی آنان را درباره انقلاب اسلامی فاش می سازد.

حماسه پرشکوه نماز جمعه تاریخی تهران که در تاریخ برپایی نماز جمعه بی سابقه است، در حالی رخ داد که انفجار بمب در صف نمازگزاران، ده ها شهید و مجروح به جای گذاشت و موج انفجار، جایگاه نماز جمعه را لرزاند و پاره های پیکر پاک عاشقان اللّه را بر اندام یارانشان پاشید. درحالی که صدای غرش هواپیماهای دشمن بعثی از یک سو و شلیک پی درپی ضد هوایی ارتش اسلام از سوی دیگر، همه جا را فراگرفته بود، امام جمعه تهران در پرتو تأییدهای الهی و با قدرت روحی و آرامش قلبی، همراه با شجاعت مردم انقلابی، استوار بر جایگاه ایراد خطبه ماند و به خطبه های نماز ادامه داد. ایشان با این قدرت روحی و شجاعت و اعتماد به نفس، سبب افتخار و تقویت روحی امت حزب الله و شگفتی دشمنان انقلاب شد.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره فرمود:

من فراموش نمی کنم قصه روز جمعه که آن طور با شکوه، با نورانیت و با استقامت گذشت؛ آن طور با طمأنینه، با آن صداهایی که می آمد، با آن رگبارهایی که می آمد.

من ملاحظه می کردم، نگاه می کردم ببینم در بین مردم چه وضعی هست. ندیدم حتی یک نفر را تزلزلی در او پیدا شود و آن وقت امام جمعه، آن طور با آن طنین قوی صحبت کرد. مردم آن طور گوش کردند و فریاد زدند که ما برای شهادت آمدیم. (۱)

۱- . صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۴.

ح) مشاور امام

در سال ۱۳۵۹، با اوج گیری توطئه گروهک های ضد انقلاب در ارتش و آغاز اغتشاش های مرزی از سوی رژیم بعثی عراق، امام امت رحمه الله، آیت اللّه خامنه ای را به سمت مشاور تام الاختیار خویش در شورای عالی دفاع برگزید و به ایشان مسئولیت داد به بررسی کامل رویدادهای داخلی و اوضاع ارتش پردازد و هر هفته، گزارش این بررسی ها را به اطلاع ایشان برساند.

دوران سختی بود. رژیم متجاوز بعثی، جنگی ویران گر و همه جانبه را بر ضد ایران اسلامی آغاز کرده بود و ناهماهنگی نیروهای نظامی و بی سامانی تشکیلاتی و سازمان دهی ارتش از یک سو و خطر حاکمیت لیبرالیسم و وابستگی فکری و عملی آنها به بیگانگان از سوی دیگر، موضوع دفاع را مشکل تر و پیچیده تر می کرد.

در این حال، آیت اللّه خامنه ای لباس رزم به تن کرد و به فرمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی، به منظور سازمان دهی و بسیج نیروهای رزمنده، راهی جبهه های نبرد شد. وی در پایان هر هفته، به تهران می آمد و رخدادهای جنگ را در خطبه های نماز جمعه برای مردم بازمی گفت و پس از اقامه نماز، دوباره روانه جبهه ها می شد و در کنار رزمندگان اسلام قرار می گرفت. معظم له، برخی از مسائل آغاز جنگ را این گونه توضیح داده است:

من خاطرات زیاد و تلخی از آن زمان که امام جمعه و نماینده و مشاور حضرت امام در شورای عالی دفاع بودم و بنی صدر، رئیس شورا بود، دارم. آن روزها، ما ارتش منظم و منسجمی نداشتیم و تازه، کلیدهای ارتش در دست بنی صدر بود و او هم اصلاً غمش نبود و در نقشه های رؤیایی خود سیر می کرد؛ درحالی که بچه ها و جوان های ما با دست خالی و یک تنه در مقابل دشمنی که تا درون شهرها پیش آمده بود، ایستادگی می کردند و برای دریافت یک قبضه اسلحه و یا

پیش ما التماس می کردند و ما مسائل را به بنی صدر اطلاع می دادیم، ولی او اقدامی صورت نمی داد. (۱)

ط) نماینده مجلس شورای اسلامی

بـا شـروع انتخابـات دوره اول مجلس شورای اسـلامی، آیت اللّه خـامنه ای، نامزد نماینـدگی مجلس از تهران شـد و با اکثریت آرای مردمی (نزدیـک به یـک میلیون و چهارصـد هزار رأی) در دوره اول به مجلس راه یـافت. در این دوره، افشـاگری هـا و سخنـان آتشـین ایشـان، زمینه های رسوایی خائنان و وطن فروشان را فراهم ساخت؛ چنان که در پنجم تیرماه سال ۱۳۶۰ با نطق شجاعانه و صـریح خویش، از خیانت های بنی صـدر و منافقان پرده برداشت و زمینه های عزل او را از ریاست جمهوری فراهم ساخت. ولی منافقان کوردل که دیگر دست یابی به قدرت را محال می دیدند، دست به ترور شخصیت های مهم کشور زدند. ازاین رو، در روز شـشم تیر (یـک روز پس از نطق مهم ایشـان)، آیت اللّه خامنه ای در حال سـخنرانی در مسـجد ابوذر تهران، مورد سوءقصـد نـاجوان مردانه منافقـان قرار گرفت و از نـاحیه دست و سـینه به شـدت مجروح شـد. ایشان در میان تأسف انبوه مردم، به بیمارستان انتقال یافت و خوش بختانه به صورتی معجزه آسا از مرگ نجات یافت و به آغوش یاران انقلاب بازگشت.

در آن زمان، حضرت امام امت رحمه الله در این باره فرمود:

اینان (منافقان)، آن قدر از بینش سیاسـی بی نصـیبند که بی درنگ پس از سـخنان شما در مجلس و نماز جمعه و پیشگاه ملت، به این خیانت دست زدند و به کسی سوء قصد کردند که آوای او به صلاح و سداد، در

۱- . روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۳/۵/۱۳۶۴.

گوش مسلمین جهان طنین انداز است. (۱)

ی) ریاست جمهوری

آیت اللّه خامنه ای در سال ۱۳۶۰ و پس از شهادت رئیس جمهوری اسلامی ایران، شهید محمدعلی رجایی، این مسئولیت سنگین را بر عهده گرفت. ایشان در مهر آن سال و با ۹۵ درصد کل آرای مردم، به عنوان سومین رئیس جمهور انقلاب اسلامی ایران، برگزیده شد. پس از چهار سال فعالیت گسترده و صادقانه در این مقام، برای دومین بار نیز در سال ۱۳۶۴، برای تصدی این مسئولیت انتخاب گردید و خدمت های شایانی را در طول هشت سال مسئولیت خویش انجام داد. (۲)

دوران ریاست جمهوری ایشان، زمانی آغاز شد که کشور در وضعیت سختی به سر می برد. شهادت ۷۲ تن، شهادت رجایی و باهنر در انفجار مقر نخست وزیری، انفجارها و ترورهای پی درپی، جوّ اجتماعی آن روز، پی آمدهای منفی ریاست جمهوری بنی صدر، مشکلات ناشی از اشغال بخش مهمی از کشور و تحریم اقتصادی، همه و همه دست به دست هم داده و وضع نابسامانی پدید آورده بودند. (۳)

در طول این سال های پرحادثه، دشمنان کینه توز انقلاب و اسلام، با کمک فراوان نظامی و مالی خویش به رژیم بعثی عراق محاصره اقتصادی و فشارهای سیاسی و فرهنگی، برای انهدام پایگاه اسلام ناب محمدی بسیار کوشیدند. بی گمان، اداره کشوری بزرگ در شرایط دشوار جنگی و مشکلات باقی مانده از

۱- . صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۴۱.

۲- . رهبری فرزانه از نسل کوثر، صص ۱۰۵ _ ۱۲۰.

۳- . پابه پای آفتاب، ج ۳، ص ۲۸.

رژیم ستم شاهی، کاری بس طاقت فرسا بود و تنها از عهده مدیری مدبّر و شجاع چون ایشان برمی آمد. (۱)

یا) مسئولیت های دیگر

آیت اللّه خامنه ای، مسئولیت های دیگری همچون ریاست شورای انقلاب فرهنگی، ریاست شورای تشخیص مصلحت نظام، نایب رئیس شورای بازنگری قانون اساسی و ریاست شورای سیاست گذاری کشور را نیز به عهده داشته است. (۲)

یب) رهبر انقلاب اسلامی و ولایت امر مسلمانان

پس از درگذشت جان گداز رهبر کبیر انقلاب، هر علاقه مندی خلأ وجودی رهبر را در نظام اسلامی احساس و اظهار نگرانی می کرد، ولی تأکید حضرت امام خمینی رحمه الله بر شایستگی آیت اللّه خامنه ای برای رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران که حجت الاسلام و المسلمین رفسنجانی نقل کرد، بارقه امیدی در دل مردم انقلابی پدیدار ساخت. ایشان گفته است:

در جلسه ای با حضور سران سه قوه، آقای نخست وزیر و حاج احمدآقا در محضر امام بحث شد، حرف ما با حضرت امام این بود که اگر این قضیه اتفاق بیفتد، ما بعدا با قانون اساسی مشکل داریم؛ زیرا ممکن است خلأ رهبری پیش بیاید. ایشان گفتند: خلأـ رهبری پیش نمی آید و شما آدم دارید. گفته شد: چه کسی؟ ایشان در حضور آیت اللّه خامنه ای گفتند: «این آقای خامنه ای»....

روزی من خصوصی خدمت آقا رفتم. چون مقداری روی بازتری داشتم و مسائل را بی پرده می گفتم، در مورد قائم مقام رهبری و

۱- . رهبری فرزانه از نسل کوثر، ص ۱۱۰.

۲- . رهبری فرزانه از نسل کوثر، ص ۱۱۰.

مشکلاتی که پیدا می شود، صحبت کردم. باز ایشان صریح گفتند: «شما در این بن بست نخواهید بود. چنین فردی (آیت اللّه خامنه ای) در میان شما هست. چرا خودتان نمی دانید». (۱)

افزون بر آن، حاج احمد آقا نقل کرده اند: «وقتی آیت اللّه خامنه ای به کره سفر کرده بود، امام گزارش های آن سفر را از تلویزیون می دید. از منظره دیدار از کره، استقبال مردم و سخنرانی ها و مذاکرات ایشان در آن سفر، خیلی برای ایشان جالب بود و فرموده بود: «الحق، ایشان شایستگی رهبری را دارند». (۲)

۱- . روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰/۳/۱۳۶۸.

۲- . پابه پای آفتاب، ج ۳، ص ۳۰.

فصل سوم: بیگانگی و یگانگی

اشاره

آنچه تینـدر در چـارچوب نظری به عنوان نخستین پرسـش مطرح کرد، بحث بیگـانگی و یگـانگی انسـان بود. وی بـا طرح این پرسـش، می کوشد نخست از جایگاه انسان در اجتماع خود آگاه شود. پرسشـی که وی در این زمینه مطرح می کند این است: «آیا انسان ها ذاتا از هم بیگانه اند؟»

او پرسـش های فرعی دیگری را نیز مطرح می کند که در ادامه این بخش، به بررسـی و تطبیق آنها با اندیشه های سیاسی آیت اللّه خامنه ای خواهیم پرداخت.

تینـدر در نخستین مرحله می گویـد اگر بیگانگی انسان ها اعم از تنهایی خموشانه یا جـدال فعالانه نبود، انـدیشه سیاسـی تحقق نمی یـافت. تنهـا پس از آسـیب دیـدن روابـط انسـانی است که ناگزیر می شویم درباره نیروها و معیارهای اصـلی حاکم بر این روابط به بحث بپردازیم.

در پاسخ به این پرسـش که آیا انسان ها ذاتاً از هم بیگانه اند، اندیشـمندان فراوانی اظهار نظر کرده اند. در این میان، شاید هیچ فیلسوفی بـا صـراحت هـابز به این بحث نپرداخته است که انسان ها ذاتا از هم بیگانه انـد و همه آنان در جنگی ذاتی به سـر می برند.

از سوی دیگر، فیلسوفانی مانند ارسـطو اسـتدلال می کنند که انسان ها یگانه اند؛ مانند برگی که به اقتضای طبیعی اش، بخشـی از درخت است.

۱. پاکیزگی سرشت انسان

در پاسخ به پرسـش بالا از نظر آیت اللّه خامنه ای، باید گفت از آنجا که ایشان به عنوان اندیشـمندی مسـلمان و اسـلام شـناس مطرح است، اندیشه معظم له را باید برخاسته از اسلام ناب محمدی دانست.

ازاین رو، چنان که بر اساس آموزه های اسلامی، انسان دارای سرشتی مطهر است و انسان ها به طور فطری پاک آفریده شده اند، ایشان نیز بر همین اعتقاد است:

در بینش اسلامی که اساسا نظام تربیتی ما به آن بینش استوار است، انسان این طور معرفی شده که «کُلُّ مُولودٍ یُولَدُ عَلَی الْفِطْرَهِ؛ هر بنی آدمی بر اساس سرشت انسانی، مطهر و پاکیزه متولد می شود.» لکن عوامل داخل خانواده و داخل اجتماع و عوامل خارجی هستند که او را دگرگون می کنند. (۱)

۲. فطرت حق پذیری انسان

آیت اللّه خامنه ای بر آن است که فطرت انسانی، حق پذیر است و نوع انسان همان گونه که موجودی رو به رشد و تکامل است، حق پذیر هم است:

نوعِ انسان همان طور که موجود روبه رشد و تکامل است، حق پذیر هم است. بنابراین، در جوامع انسانی آنچه را از صنعت و تکنولوژی پیچیده و پیشرفته و توفیق های فراوان در زمینه های گوناگون مشاهده می شود، نشانه های شکوفایی استعدادهای انسانی است. اما اگر جهت همه این پیشرفت ها به سمت مادی گرایی و کم رنگ شدن ارزش های والای انسانی و فراموشی حقیقت است، این کارِ آن محافل شبکه های سلطه گر و دستگاه هایی است که سعی می کنند حرکت عمومی انسان ها را به سمت ناخوشایند و غلط سوق بدهند. پس با این تحلیل که یک دید اسلامی و قرآنی و مبتنی بر خوش بینی انسان و فطرت انسانی است، رفتن به سمت انسان هایی که در آن جوامع زندگی می کنند، چندان

۱- . کتاب مصاحبه، مصاحبه با مجله آینده سازان ۲۱/۷/۱۳۶۵، ص ۶۵ .

دشوار و غیرمنطقی نخواهد بود و لذا ما باید به دنیا نمونه نشان بدهیم. (۱)

۳. تأثیر جهان بینی در تشکیل شخصیت انسان

با توجه به آنچه در اندیشه آیت اللّه خامنه ای درباره سرشت انسان مطرح شد، ایشان معتقد است جهان بینی نیز در تشکیل شخصیت انسان مؤثر است و هر فرد بر مبنای جهان بینی ویژه اش، رفتار مشخصی را از خود نشان می دهد:

شخصیت هر انسانی، غیر از عوامل و عناصری است که وجود خارجی و ظاهری او را تشکیل می دهد؛ مثل جان و ذهن و روحیات و خصلت ها و خلقیات. مقدمات دیگری نیز دارد که نسبت به آن عناصر و عوامل، جنبه و زیربنایی دارد، مانند افکار و جهان بینی و دیدگاه ها. همه جهان بینی ها نمی توانند انسانی مانند امام رحمه الله تربیت کنند. آن کسی که به خدا، قیامت، حضور در برابر پروردگار، زندگی پس از مرگ، شهادت و توکل معتقد است، در دنیا به گونه ای عمل می کند و کسی که فاقد این جهان بینی است، طور دیگر رفتار می کند. پس جهان بینی هر انسانی در تشکیل شخصیت او تأثیر اساسی دارد. (۲)

۴. تأثیر هدف ها و آرمان ها در تشکیل شخصیت انسانی

به باور آیت اللّه خامنه ای، افزون بر اثرگذاری جهان بینی در تشکیل شخصیت انسان، هدف ها و آرمان ها نیز در تشکیل شخصیت آدمی مؤثر است. بر همین اساس، هدف ها و آرمان ها و اندیشه های انسان درباره زندگی، جامعه، آینده و وظایف بشر، عناصر سازنده شخصیت انسان است.

۱- . کتاب مصاحبه، مصاحبه با خبرگزاری پاکستان ۲۱/۱۰/۱۳۶۴، ص ۳۷۲.

۲- . دفتر مقام معظم رهبری، حدیث ولایت، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۱.

۵. عوامل تفرقه و تعارض میان انسان ها

اشاره

اگر انسان ها از هم بیگانه نیستند، تفرقه و تعارض میان آنان چگونه قابل توضیح است؟

این پرسش، از پرسش های فرعی آقای تیندر است که ذیل مبحث یگانگی و بیگانگی مطرح می شود. تیندر می گوید: اگر انسان ها در واقع از هم بیگانه نیستند، پس چگونه این همه تفرقه و تعارض در جهان رخ می دهد و چگونه این رخدادها توجیه پذیر است.

پیش تر بیان شد که آیت اللّه خامنه ای، بر اساس اندیشه اسلامی اعتقاد دارد که سرشت انسان ها پاکیزه است. ازاین رو، انسان به طور فطری پاک آفریده شده است. از دیدگاه ایشان، عواملی در تفرقه و تعارض میان انسان ها پس از آفرینش اثرگذارند که در ادامه به بیان این موارد می پردازیم:

الف) نفس آدمی؛ سرچشمه خوبی ها و بدی ها

از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای، یکی از مهم ترین عوامل اثرگذار بر رفتار انسان ها، نفس انسان است:

در وجود ما، هم سرچشمه همه شرارت ها وجود دارد که همان نفس ماست که از همه بت ها خطرناک تر، بت نفس و خودخواهی ماست و هم سرچشمه همه خیرات و زیبایی ها و کمالات. اگر بتوانیم و همت کنیم خودمان را از چنگال نفس اماره به سوء و شهوات نفسانی نجات بدهیم، سرچشمه خیرات بر روی ما گشوده خواهد شد. (۱)

ب) خانواده، اجتماع و عوامل خارجی

از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای، خانواده، اجتماع و عوامل خارجی از جمله عوامل

۱- . حدیث ولایت، دیدار با دانشجویان و خانواده معظم شهدا ۱/۸/۱۳۷۰، ج ۸، ص ۱۷۵.

اولیه ای هستند که بر فطرت پاک انسان ها اثر مستقیم دارند و هر فرد با توجه به نوع خانواده، اجتماع و عوامل خارجی مؤثر بر شخص، پرورش خاصی خواهد دید و بر آن اساس، رفتار ویژه ای از خود در اجتماع نشان می دهد. (۱)

ج) رواج فساد، عامل فلج کننده انسان

یکی دیگر از عواملی که سبب تعارض و تفرقه در جامعه می شود، بحث آسایش طلبی، فردگرایی، خودخواهی و زیاده خواهی در امور زندگی و امور اقتصادی است که انسان ها را فلج می کند:

پایه تمام فسادها و مایه انحراف و لغزش همه جوامع، طبق نظر قرآن «ترف» است. فساد از نظر کیفیت در میان اشراف بسیار زیادتر، پرخرج تر و پر زرق و برق تر است، اما قربانی فسادهایی که آنها به جامعه تزریق می کنند، بیشتر در میان همین محرومین است. (۲)

۶. راه های کاهش تعارض ها

اشاره

پرسش دیگری که در این مرحله مطرح می شود، این است که با کدام قابلیت انسان می توان آنها را یگانه کرد؟

به باور همه اندیشمندان غربی، قابلیتی در وجود انسان هست که با آن می توان ناسازگاری را تعدیل کرد یا از میان برد و این قابلیت، همان عقل است.

بر اساس دیدگاه آیت اللّه خامنه ای، از راه های گوناگون می توان تعارض ها و اختلاف های میان انسان ها را کاهش داد.

الف) اصلاح نفس انسان

به باور ایشان، باید قدرت معنوی انسانی را که خداوند در انسان به ودیعه نهاده

۱- . کتاب مصاحبه، مصاحبه با مجله آینده سازان ۲۱/۷/۱۳۶۵، ص ۶۵ .

۲- . مسئولان روزنامه اطلاعات ۱/۵/۱۳۶۴، چهار ساله دوم، ص ۶۶ .

است، از میان خواهش های نفسانی، خودخواهی ها و خودپرستی ها رهایی بخشید و آن را نیرومند ساخت.

نقطه اصلی و محوری برای اصلاح عالم، اصلاح نفس انسانی است. همه چیز از اینجا شروع می شود. قرآن با آن نسلی که می خواست دست قدرتمند خود، ورق بزند، فرمود: «قُوا أَنْفُسَکُمْ... عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ؛ خودتان را مراقبت کنید، به خودتان بپردازید.» و نفس خود را اصلاح و تزکیه کنید؛ «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَکّاها.» (۱) اگر جامعه اسلامی صدر اول اسلام، از تزکیه انسان ها شروع نشده بود و در آن به اندازه لازم آدم ها خالص و بی غش وجود نداشتند، اسلام پا نمی گرفت، گسترش پیدا نمی کرد، بر مذاهب مشرکانه عالم پیروز نمی شد و تاریخ در خط اسلام به حرکت نمی افتاد. (۲)

ب) معنویت؛ عامل رشد جوامع انسانی

اشاره

بر اساس آموزه های دینی، یکی از مهم ترین عوامل رشد جوامع انسانی، معنویت گرایی جوامع بشری است. بر این اساس، هر چه انسان ها به معنویت و خدا گرایش بیشتری داشته باشند، آن جوامع در مقایسه با جوامع غیردینی، استواری بیشتری خواهند داشت. بر همین اساس، در اندیشه آیت اللّه خامنه ای، ذیل عامل معنویت در رشد جوامع انسانی، موارد زیر مطرح است:

یک _ عبادت، عامل حیات

از نظر ایشان، ایمان، تقوا، توجه به خدا، گریه، شوق و محبت در محراب، دعا، ذکر و نیایش و استغفار مایه حیات دل هاست.

۱- . شمس: ۹.

۲- . حدیث ولایت، ج ۵، ص ۸۴.

دو _ جامعه باتقوا

به بـاور آیت اللّه خـامنه ای، جامعه ای که در راه تقوا حرکت کنـد، در آن جامعه، فضای زنـدگی سالم و محبت آمیز همراه با همکاری میان آحاد جامعه است:

جـامعه ای که راه خـدا را بـا دقت انتخاب می کنـد نیز در آن راه حرکت می کنـد. از نعم الهی در دنیا هم برخوردار می شود. عزت دنیوی به دست می آورد و خـدا، علم و معرفت در امور دنیـا به او می دهـد. جـامعه ای که در راه تقوا حرکت می کنـد، فضای زندگی آن جامعه، فضای سالم و محبت آمیز همراه با تعاون و همکاری بین آحاد جامعه است. (۱)

سه _ جامعه سرشار از مهر

در دین مبین اسـلام بر نقش مهر و محبت در خـانواده و جـامعه تأکیـد فراوانی شـده است. ازاین رو، آیت اللّه خـامنه ای معتقد است یکی از عوامل مؤثر در از میان بردن تعارض ها و ایجاد فضای صمیمی در اجتماع، بحث مهر و محبت است.

یکی از کارهـای رسول اکرم صـلی الله علیه و آله این بود که فضـای جـامعه را به فضایی سـرشار از محبت تبـدیل کنـد تا همه مردم در آن، به یکدیگر محبت بورزند و به چشم خوش بینی به یکدیگر نگاه کنند. امروز نیز تکلیف ما همین است. (۲)

چهار _ سلامت محیط پرورش آدمی

گفتیم از جمله سبب های ایجاد تعارض و تفرقه میان انسان ها، خانواده و اجتماع است. بر همین اساس، ایشان معتقد است برای زدودن این تعارض باید محیط پرورش انسان اعم از خانواده یا اجتماع، محیطی سالم باشد:

سلامت محیط پرورش آدمی به معنای آن است که بشر با خدای خود، با درون خود، با هم نوعان

۱- . خطبه نماز جمعه ۱۰/۱/۱۳۶۹، حدیث ولایت، ج ۴، ص ۴۲.

۲- . حدیث ولایت، ج ۴، ص ۴۲.

خود و با طبیعت پیرامون خود، با صلح و سلامت رفتار کند. صلح به این معنای عام، یکی از بزرگ ترین نیازهای بشر برای رشد و تعالی و رستگاری است. این صلح، باید برخاسته از ایمان و اندیشه باشد. (۱)

پنج ـ همکاری و هم دردی

به باور ایشان، یکی از راه های زدودن تعارض ها و تفرقه ها در سطح کلان و خارج از محدوده یک کشور، ایجاد فضای همکاری و هم دردی با جوامع دیگر است:

همکاری و هم دردی و دل سوزی و محبت متقابل بین مسلمان ها، یکی از کارهای بزرگ رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود. (۲)

شش ـ آراستگی فضای زندگی با ارزش های اسلامی

از آنجا که جامعه ما، جامعه ای اسلامی و روح حاکم بر قوانین جامعه ما قوانین اسلامی است، فضای جامعه باید با ارزش های اسلامی آمیخته باشد:

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای آنکه ارزش ها و اخلاق اسلامی کاملاً در جامعه ما جا بیفتد و با روح و عقاید و زندگی مردم مخلوط و ممزوج شود، فضای زندگی را با ارزش های اسلامی آغشته می کرد. (۳)

پرسش دیگری که تینـدر در بحث بیگانگی مطرح می کند، این استکه: «آیا انسان ها برای غلبه بر تعارض و تفرقه خویش به خداوند نیاز دارند؟»

در این زمینه، سه نظریه مطرح است:

۱. انسان گرایی مطمئن به نفس انسان متجدد معاصر که اغلب با الحاد یا لاادری گری و بدگمانی درباره دین همراه است.

۲. مفهوم هلنی وابستگی هستی اجتماعی، بر مبنای دین است. در این رویکرد،

۱- . روزنامه اطلاعات، ۸/۶/۱۳۷۹. پیام؛ اجلاس هزاره رهبران «نی جمان».

۲- . خطبه نماز جمعه ۲۸/۷/۱۳۶۷، حدیث ولایت، ج ۲، ص ۲۴۲.

۳- . حدیث ولایت، ج ۲، ص ۲۴۱.

خداوند وجودی غیرفعال و صرفا موجود است و این انسان است که فاعلیت دارد.

۳. از نظر طرف داران نگرش سوم، یعنی مسیحیت اصیل، این خداوند است که دارای فاعلیت است. چنانچه پیش تر در بحث راه های گوناگون تعدیل تعارض ها و اختلاف ها بیان شد، آیت اللّه خامنه ای معتقد است از راه های مختلفی همچون اصلاح نفس انسان، عبادت، داشتن جامعه باتقوا و مواردی از این دست می توان بسیاری از تعارض ها را کاهش داد. بر این اساس، برای عملی شدن موارد یاد شده، به خداوند و آموزه های دینی نیاز است تا انسان ها با عمل کردن به دستورهای الهی، تعارض های میان خود را تا آنجا که ممکن است، کاهش دهند.

۷. دین، منبع نیازهای اصلی انسان

از نظر آیت اللّه خامنه ای، انسان برای فراهم ساختن نیازهای اصلی خود بی گمان به دین نیاز دارد:

انسان امروز، با انسان هزار سال قبل، با انسان ده هزار سال قبل، از لحاظ نیازهای اصلی هیچ تفاوتی نکرده است. نیازهای اصلی انسان یک چیز است. انسان امنیت می خواهد، آزادی می خواهد، معرفت می خواهد، زندگی راحت می خواهد. از تبعیض گریزان است، از ظلم گریزان است. نیازهای مُتبادر زمانی، چیزهایی است که در چارچوب اینها و زیر سایه اینها ممکن است تأمین بشود. این نیازهای اصلی، فقط به برکت دین خداست که تأمین می شود و لاغیر. هیچ کدام از ایسم های جهانی، از این مکتب های بشری، از این اسم های پرزرق و برق، نمی توانند بشر را نجات بدهند. (۱)

از سوی دیگر، به باور آیت اللّه خامنه ای، انسان در هر مرحله ای آسیب پذیر

۱- . روزنامه جمهوری اسلامی، دیدار روحانیان و مبلغان مذهبی در آستانه ماه محرم ۲۴/۱۱/۱۳۷۸.

است و این گونه نیست که در مرحله ای، از خداوند بی نیاز باشد.

فصل چهارم: نابرابری و برابری

اشاره

پس از بررسی پرسش نخستین تیندر که به موضوع بیگانگی انسان ها می پرداخت و تطبیق آن پرسش ها با اندیشه های آیت اللّه خامنه ای، در این بخش به پرسش بعدی درباره نابرابری و برابری می پردازیم.

تیندر می پرسد آیا در زیر تمام نابرابری های سازمان یافته در نظم اجتماعی و سیاسی، انسان ها در واقع، به اقتضای طبیعت و نه تنها بر اثر عادت نابرابرند یا اینکه، انسان ها ذاتا نابرابرند؟

گفتیم که آیت اللّه خامنه ای به عنوان یک اندیشمند و عالم اسلامی مطرح است و اندیشه های ایشان برخاسته از اسلام ناب و قرآن و روایت های ائمه اطهار علیهم السلام است. ازاین رو، آراء ایشان درباره برابری و نابرابری نیز بر اساس آیات قرآن کریم است.

به باور آیت اللّه خامنه ای، برخورداری های متفاوت و متمایز اجتماعی و وجود طبقه های ممتاز در کنار طبقات مردم، ستم بزرگی در تاریخ بشر است. بر این اساس، زیربنای اعتقادی این وضعیت ظالمانه گاه به این صورت بوده است که خدایان گوناگون که آفرینش و تدبیر مردمان را در دست دارند، هر طبقه ای را با مزیت ها و حقوقی ویژه پدید آورده اند. گاه نیز بدین شکل بوده است که خدای واحد، گروهی از بشر را با مزیت هایی در آفرینش و طبیعت آفریده و آنان را از ویژگی های حقوقی برخوردار ساخته است. گاهی نیز این باور ظالمانه به صورت های دیگری در زندگانی بشر وجود داشته است. بنابراین، اساس برخورداری های اختصاصی طبقه های بالادست، موهبتی طبیعی و محرومیت های طبقه های پایین دست نیز ضرورتی فطری پنداشته شده است.

دیدگاه توحیدی، افزون بر اینکه همه را مخلوق خدای یگانه می داند، با

آموزه های الهی و توحیـدی، ریشه های اختلاف طبقاتی را از ذهن انسان ها و از متن اجتماع آنان، بیرون می کشد. (۱) برخی از این آموزه ها که در قرآن کریم آمده، از این قرار است:

۱. خالق، معبود و مدبر امور همگان خداست؛

قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَ مَنْ فیها إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ سَیَقُولُونَ لِلّهِ قُلْ أَفَلا تَذَکَّرُونَ . (مؤمنون: ۸۴ و ۸۵)

بگو: زمین و هر که در آن است از آن کیست، اگر می دانید؟ خواهند گفت از آن خدا. بگو، پس چرا به خود نمی آیید.

۲. هیچ کس در آفرینش، از مزیتی که خاستگاه برخورداری های حقوقی باشد، بهره مند نیست؛

۳. همه مزیت ها در اختیار همگان و وابسته به تلاش های پی گیر و مجاهدت های هر انسانی است.

یـا أَیُّهَا النّاسُ إِنّـا خَلَقْنـاکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثی وَ جَعَلْنـاکُمْ شُعُوبًا وَ قَبائِلَ لِتَعـارَفُوا إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَاللّهِ أَتْقاکُمْ إِنَّ اللّهَ عَلیمٌ خَبیرٌ. (حجرات: ۱۳)

ای انسان ها! ما شـما را از مردی و زنی آفریـدیم و شـما را گروه ها و قبیله قرار دادیم تا یکـدیگر را بشناسـید. به یقین، گرامی ترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست. به یقین، خدا دانا و آگاه است.

ازاین رو، به اعتقـاد آیت اللّه خامنه ای، بر اساس آموزه های دین مبین اسـلام و آیات قرآن کریم، انسان ها برابر آفریـده شـده اند و هیچ فردی بر دیگری برتری ذاتی ندارد.

۱- . سید علی خامنه ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۵۲.

۱. برابری افراد در برابر قانون

ایشـان می گویـد در نظـام اسـلامی بایـد همه افراد جـامعه در برابر قـانون و در بهره منـدی از امکانـات خـدادادی یکسان و در برخورداری از موهبت های حیاتی متعادل باشند:

در نظام اسـلامی، باید همه افراد جامعه در برابر قانون و در استفاده از امکانات خداداد میهن اسلامی یکسان و در بهره مندی از مواهب حیات متعادل باشـند؛ هیچ صاحب قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ کس نتواند بر خلاف قانون، میل و اراده خود را به دیگران تحمیل کند. (۱)

۲. دفاع از محرومان در برابر قدرت مندان

آیت اللّه خامنه ای افزون بر اینکه همگان را در برابر قانون برابر می دانـد، اعتقاد دارد دولت اسـلامی باید از محرومان در برابر قدرت مندان دفاع کند:

طبقـات محروم و پابرهنگـان جـامعه، [بایـد] مـورد عنـایت خـاص حکـومت باشــند و رفـع محرومیـت و دفـاع از آنـان در برابر قدرتمندان، وظیفه بزرگ دولت و دستگاه قضایی محسوب می شود. (۲)

در دولت اسلامی باید از طبقه های ضعیف در برابر قدرت مندان، دفاع و از نفوذ و دخالت سرمایه داران جلوگیری کرد:

هیـچ کس به خـاطر تمکن مـالی، قـدرت آن را نیابـد که در امور سیاسـی کشور و مـدیریت جـامعه دخـالت و نفوذ کنـد. هیچ تدبیری و حرکتی در جامعه، [به] افزایش شکاف میان فقرا و اغنیا نینجامد. [باید] پابرهنگان،

۱- . راه امام راه ما، پیام حضرت آیت اللّه خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی؛ به مناسبت سالگرد رحلت رهبر کبیر انقلاب، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۶، چ ۴، ص ۲۹.

۲- . راه امام راه ما، پیام حضرت آیت اللّه خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی؛ به مناسبت سالگرد رحلت رهبر کبیر انقلاب، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۶، چ ۴، ص ۲۸.

حکومت اسلامی را پشتیبان و حامی خود حس کنند و برنامه های آن را در جهت رفاه و رفع محرومیت خود بیابند. (۱)

دومین پرسش تیندر در بحث نابرابری و برابری این است که اگر برخی از انسان ها بر دیگران برتری ذاتی دارند، چه کسی یا چه نشانه هایی می تواند آنان را بشناسد؟

گفته شد که بر اساس آموزه های دین اسلام، انسان ها ذاتا با هم برابرند. ازاین رو، جایی برای مشخص شدن افرادی که ذاتا برترند، باقی نمی ماند.

تیندر در سومین پرسش خود می پرسد: اگر انسان ها ذاتا نابرابرند، آیا تمام نابرابری های روزمره، مانند ثروت و منزلت اجتماعی ناعادلانه است؟

در پاسخ به پرسش اول، پاسخ این پرسش نیز داده شد، ولی برای توضیح بیشتر، در اینجا به بررسی عدالت اجتماعی، راه های اجرایی شدن آن و کارکردها و وظایف دولت در تقسیم بهتر امکانات در میان توده مردم خواهیم پرداخت.

۳. عدالت

الف) دادگری، هدف پیامبران

«اصلاً پیامبران آمدند تا اقامه قسط کنند. البته اقامه قسط یک منزل در راه است و هدف نهایی نیست، لیکن آنها که آمدند، کار اولشان این است که اقامه قسط کنند و مردم را از شر ظلم وجود طاغوتیان و ظالمان نجات دهند. هدف حکومت ولی عصر(عج) در آخر زمان هم باز همین است». (۲)

در تبیین اندیشه های آیت اللّه خامنه ای، نخست به بررسی معنای عدالت در

۱- . راه امام راه ما، پیام حضرت آیت اللّه خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی؛ به مناسبت سالگرد رحلت رهبر کبیر انقلاب، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۶، چ ۴، ص ۲۸.

۲- . حدیث ولایت، ج ۳، چ ۱، ص ۱۹۸.

اجتماع از دیدگاه ایشان می پردازیم. ایشان معتقد است در بنای جامعه، عدالت مهم ترین موضوع است. ازاین رو، برای عدالت چندین معنا می آورد که عبارتند از:

۱. عدالت به معنای نبود تبعیض در حقوق و حدود و احکام؛

۲. عدالت، یعنی کمک به محرومان و ضعیفان؛

۳. عدالت، یعنی اینکه برنامه ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد؛

۴. عدالت آن است که کسانی که در زیر سایه سنگین نظام طاغوتی، از حقوق خود محروم مانده اند، به حقوقشان برسند؛

۵. عدالت یعنی اینکه عده خاصی برای خود، حق ویژه ای قائل نباشند؛

۶. عدالت یعنی اینکه حقوق انسانی و اجتماعی و عمومی و حدود الهی، بر مردم یکسان اجرا شود. (۱)

ب) تحقق عدالت

آیت اللّه خامنه ای معتقد است:

اگر جلوی کسانی که با تکیه و فریب و زور و یا بر اساس کارهای ناصحیح و مبتنی بر عقل های مادی و منحرف از معنویت، توانسته اند به چیزهایی که حق آنها نبوده است دست پیدا کنند، گرفته شود تا فرصتی برای ادامه کار خود پیدا نکنند، عدالت تحقق پیدا کرده است. (۲)

به گفته آیت اللّه خامنه ای، در این مرحله از انقلاب، هدف اساسی، ساختن کشوری نمونه است که در آن، رفاه مادی همراه با عدالت اجتماعی و روحیه و

۱- . حدیث ولایت، ج ۳، چ ۱، ص ۳۱۳.

۲- . حدیث ولایت، ج ۳، چ ۱، ص ۳۲۳.

آرمان انقلابی و با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسلام تأمین می شود. اگر هر یک از این چهار رکن اصلی، ضعیف گردد یا از آن غفلت شود، بقای انقلاب و گذار آن از مراحل گوناگون، ممکن نخواهد شد.

ایشان درباره مفهوم عدالت اجتماعی می فرماید:

عدالت اجتماعی، بدین معناست که فاصله ای ژرف میان طبقات و برخورداری های نابه حق و محدودیت ها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگان که همواره مطمئن ترین و وفادارترین مدافعان انقلابند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه انجام می شود. (۱)

ایشان در جای دیگری درباره مفهوم عدالت اجتماعی می گوید: عدالت اجتماعی، یعنی استقرار عدل در جامعه و از بین رفتن هرگونه تبعیض. (۲)

ج) عدالت اجتماعی، هدف اساسی نظام اسلامی

به باور آیت اللّه خامنه ای، دعوت به نظام اسلامی و تشکیل این نظام دینی، بدون اعتقادی راسخ و عملی پی گیر در راه عدالت اجتماعی، فراخوانی ناقص، بلکه نادرست است:

فوری ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی، برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته در سایه قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نایل شوند... و هر نظامی هر چند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و

۱- . حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲- . حدیث ولایت، ج ۳، ص ۲۰۰.

نجات ضعفا و محرومین، در سرلوحه برنامه های آن نباشد، غیراسلامی و منافقانه است. (۱)

همچنین در این زمینه می فرماید:

جامعه اسلامی، با عدل و قسط قوام پیدا می کند [و]به عنوان شاهد و مسیر و هدایت گر و الگو و نمونه برای ملت های عالم مطرح [می]شود. (۲)

به اعتقاد ایشان، در جمهوری اسلامی، تأمین عدالت، هدفی اصلی است و عدل، نه پیامی شخصی، که نظامی اجتماعی است:

در جمهوری اسلامی، عدل نه یک پیام شخصی، بلکه یک نظام اجتماعی است که بر اساس آن قسط و عدل باید در جامعه جاری شود و قانون نظارت اجرا و قضاوت و تقسیم امکانات عادلانه صورت گیرد. رسالت پیامبران الهی، انتظار بشریت برای ظهور حضرت امام زمان(عج) و قیام اسلامی در ایران، برای اقامه عدل است و جمهوری اسلامی نیز تأمین عدالت را در جامعه، هدف اساسی حرکت خود قرار داده است. (۳)

به گفته ایشان، در نظام جمهوری اسلامی، سیاست ها همواره بر اساس عدالت تنظیم شده است. ازاین رو، در کشور ما هدف، افزایش حجم ثروت مادی نیست که در سایه آن برخی افراد بتوانند با انواع و اقسام راه های تولید ثروت آشنا شوند.

د) قوای سه گانه و تأمین عدالت اجتماعی

بی گمان، نخستین عاملان عدالت اجتماعی در هر کشور، مسئولان اجرایی، قضایی

۱- . حدیث ولایت، ج ۴، ص ۲۵۴.

۲- . چشمه نور، گزیده ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّه خامنه ای، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، چ ۱، ج ۱، ص ۸۷ .

۳- . چشمه نور، گزیده ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّه خامنه ای، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، چ ۱،ج ۱، ص ۸۸.

و قانونی آن هستند که هر کدام با درست عمل کردن به وظایف خود و عمل به قانون، می توانند در تأمین عدالت اجتماعی اثرگذار باشند. بر این اساس، در کشور اسلامی ایران نیز هر کدام از قوای سه گانه، در تأمین عدالت اجتماعی در جامعه سهیم خواهند بود.

ه) رعایت عدل و انصاف در جامعه

آیت اللّه خامنه ای، بارها در دیدار با مسئولان نظام جمهوری اسلامی، بر رعایت عدل و انصاف در همه زمینه ها تأکید کرده است:

مطلبی که باید مورد توجه همه برادران کارگزار دولت و مسئولان قضایی و همه بخش ها قرار گیرد، رعایت عدل و انصاف در همه امور است. ما باید به سمتی برویم که بر خلاف نظام طاغوت، امتیازات غلط و بی دلیل، حذف و ازاله شود و ان شاءاللّه، همان عدل حقیقی اسلامی برقرار شود. (۱)

آیت اللّه خامنه ای در سخنرانی مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله، عدالت اجتماعی را از مهم ترین شاخصه های مکتب سیاسی امام خمینی رحمه الله برشمرد و تأکید کرد که عدالت اجتماعی باید در قوانین، عملکردهای اجرایی و همه برنامه های حکومتی اصل قرار گیرد و پرکردن شکاف های طبقاتی، مهم ترین وظیفه مسئولان در همه دستگاه ها باشد.

و) عدالت، معیار سیاست های کلی

همچنان که عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی باید در همه برنامه های حکومتی اصل قرار گیرد، به باور آیت اللّه خامنه ای، سیاست ها و اصول کلی کشور نیز بر اساس عدالت تنظیم شده اند تا سودجویان نتوانند به انباشت سرمایه از راه های

۱- . حدیث ولایت، ج ۲، ص ۹۳.

غیرقانونی بپردازند:

در نظام جمهوری اسلامی ایران، سیاست ها همواره بر اساس عدالت تنظیم شده اند. لذا در کشور ما هدف افزایش حجم ثروت مادی نیست که در سایه آن برخی افراد بتوانند از انواع و اقسام راه های تولید ثروت برخوردار شوند، بلکه همه کارها در اقامه عدل ارزش می یابد و در حرکت اسلامی ما این یک هدف اصلی است؛ زیرا در جامعه نابرابر، افزایش ثروت تنها به سود یک قشر یا گروه از مردم تمام می شود. (۱)

ز) تکلیف اصلی قوه قضاییه

تمام دستگاه های اجرایی باید بسیج شوند تا به هدف مشترک نظام اسلامی که برقراری عدالت اجتماعی در جامعه است، برسند. ازاین رو، تنها یک نهاد و سازمان یا یکی از قوای سه گانه در اجرای این امر موفق نخواهد بود. البته نقش قوه قضاییه در این میان، مهم تر و پررنگ تر و وظیفه اصلی اجرای عدل و قسط در جامعه، بر عهده این قوه است. بر این اساس، آیت اللّه خامنه ای، تکلیف اصلی قوه قضاییه را اقامه قسط و عدل در جامعه می داند:

تکلیف اصلی قوه قضاییه، عبارت از اقامه قسط و عدل است. این حرکت و دعوت انبیا، شاید اصلی ترین امر مربوط به زندگی مردم باشد. (۲)

ایشان در دیدار با مسئولان قوه قضاییه در تاریخ ۷/۴/۱۳۸۳، وظیفه این قوه را ایجاد عدالت و برپایی حق دانست و افزود دستگاه قضایی باید با همه وجود و بدون اثرپذیری از ثروت، قدرت دیوان سالاری یا جوسازی و تهمت، تحقق کامل

۱- . چشمه نور، ج ۱، ص ۸۸.

۲- . حدیث ولایت، ج ۲، ص ۱۱۳.

عدالت را پی گیری کند.

اجرای عـدل در جامعه، تنها بر عهده قوه قضاییه نیست و هر کدام از قوای دیگر نیز باید در اجرای عدالت مشارکت کنند، ولی ضامن اصلی اجرای عدل، قوه قضاییه است. آیت اللّه خامنه ای در این باره می فرماید:

البته عـدل فقط به وسـیله قوه قضاییه اجرا نمی شود، بلکه همه دست انـدرکاران حکومت اسـلامی به سـهم خود در اقامه عـدل موظف هستند؛ منتهی ضامنش قوه قضاییه است. (۱)

۱- . حدیث ولایت، ج ۱، ص ۱۱۳.

فصل پنجم: ضرورت قدرت (حکومت)

اشاره

در این بخش که به موضوع قدرت می پردازد، می کوشیم پرسش های تیندر را طرح و نظر آیت اللّه خامنه ای را در این زمینه بیان کنیم.

تینـدر می پرسـد: آیـا میـان انسان ها نظمی جز آنچه با قـدرت ایجاد و ابقا می شود، وجود دارد؟ آیا قـدرت به واقع، ضـروری است؟

بی شـک، قـدرت سیاسـی به عنوان نوع ویژه ای از قـدرت هـای اجتماعی که ویژه جوامع مـدنی است، این ویژگی را دارد که همواره از آغـاز شـکل گیری مـدنیت، ضـرورت وجود خود را اثبـات کرده است و جز در برخی قبیله هـای کوچک، تکامل و تنظیم روابط میان دیگر قدرت های اجتماعی در جوامع بشری، نیاز به قدرت سیاسی را به اثبات رسانده است.

به باور امام علی علیه السـلام، هیچ جامعه ای بدون داشـتن قدرت سیاسـی، نظام خود را باز نخواهد یافت. دوام مدنیت انسان و برقراری روابـط اجتمـاعی، به وجـود قـدرت سیاسـی وابسـته است. قـدرت سیاسـی از این نظر اهمیت دارد که وظیفه اداره امور جامعه و مدیریت آن را بر عهده دارد:

جایگـاه زمـام دار در این کار، جایگاه شایسـته ای است که مهره ها را به هم فراهـم آورد و برخی را ضـمیمه برخی دیگر دارد. اگر رشته ها ببرند، مهره ها پراکنده شود و از میان رود و دیگر به تمامی فراهم نیاید. (۱)

برای اینکه بتوانیم به ضـرورت وجود قـدرت در جامعه پی ببریم، مقـدمه ای را مطرح می کنیم تا بتوانیم به پاسـخ پرسـش های مطرح شده دست یابیم.

آیا در صدر اسلام که دعوت پیامبر آغاز شد، ایشان به تنهایی می توانست

۱- . نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، خطبه ۱۴۶، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

جامعه را اداره کند؟ آیا جامعه به ساز و کاری نیاز ندارد که افرادی آن را اداره کنند؟ آیا به کسانی نیاز نیست که پیامبر را در نشر دین و دعوت به اسلام یاری رسانند؟

پیامبر آمده است تا جامعه را بسان کارخانه انسان سازی درآورد و برای این هدف مقدس، به گروهی نیاز دارد تا از صمیم دل، مؤمن و معتقد به این مکتب بوده و با گام های استوار، جویای آن هدف باشند. ازاین رو، نخستین کار پیامبر، فراهم آوردن این گروه یک پارچه است که با کمک آیات قرآن و پندهای دل نشین باید پدید آورد:

ادْعُ إِلی سَبیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَ الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ. (نحل: ۱۲۵)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با اندرزهای نیکو، آیات قرآنی و نفوذ کلامش، دل ها را به راه پروردگار جذب می کند و آنها را هوادار خود می سازد. آنان گروهی را تشکیل می دهند و جبهه ای را در برابر جبهه کفر برپا می کنند. حال اگر این جریان و جبهه مقدس بخواهد در میان جامعه جاهلیِ پرتعارض باقی بماند و نابود نشود، گروه مسلمانان باید چونان فولاد آب دیده درهم تنیده شوند. مسلمانان باید چنان پیوند یابند که هیچ عاملی نتواند آنها را از یکدیگر جدا کند. باید انضباط حزبی بسیار سختی در میان افراد مسلمان برقرار شود. پرسش این است که آیا این هم بستگی و پیوستگی اسلامی، در قرآن و احادیث نامی هم دارد؟ آیت اللّه خامنه ای می فرماید:

نام این عمل، ولایت است. پیغمبر با جمع کردن مسلمانان و به هم پیوستن آنان، یک پیکر واحد ایجاد می کند و از این طریق، امت اسلامی را تشکیل می دهد و آنها جامعه اسلامی را می سازند. (۱)

پس در جامعه اسلامی، به ولایت نیاز است. ولایت در این جامعه به چه معناست؟ ولایت در جامعه اسلامی، به این است که ولیّ در آن جامعه مشخص

۱- . سیدعلی خامنه ای، ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، چ ۱، صص ۱۲ _ ۱۵.

باشد. دوم اینکه الهام بخش همه نیروها، نشاط ها و فعالیت های آن جامعه شـمرده شود؛ یعنی مرکزی باشد که فرمان می دهد و قانون را اجرا می کند؛ سررشته ای که باید همه رشته ها به آنجا برگردد، همه به او نگاه کنند، همه دنبال او بروند؛ کسی که موتور محرک زندگی را راه می اندازد و سرسلسله کاروان زندگی در جامعه است. چنین جامعه ای، جامعه ولایت مدار نامیده می شود.

جامعه اسلامی پس از پیامبر، ۲۵ سال دارای ولایت نبود تا اینکه امیرمؤمنان به حکومت اسـلامی رسید و جامعه اسلامی دارای ولایت شـد. «آن وقتی که امام، منشأ امر و نهی در جامعه می شود؛ آن وقتی که همه رشـته ها از امام ناشـی می شود؛ آن وقتی که امام، عملاً جامعه را اداره می کند، پرچم جنگ را بلند می کند، فرمان حمله می دهد و صلح می نویسد، آن وقت است که جامعه دارای ولایت است و در غیر این صورت، جامعه دارای ولایت نیست». (۱)

جامعه ای دارای ولایت می شود که تمام اسـتعدادهای انسانی را رشـد دهد. همه چیزهایی را که برای کمال و تعالی انسان نیاز است، بـاور می کنـد؛ نهـال انسـانی را بالنـده می سازد؛ انسان ها را به تکامل می رسانـد و انسانیت را تقویت می کنـد. در این جامعه، ولیّ یعنی حاکم، همان کسـی است که همه سررشـته ها به او بر می گردد. پس رویکرد عمومی جامعه را به سوی خدا تغییر مسیر می دهد. همچنین تقسیم عادلانه ثروت به وجود می آورد و نیکی ها را بر زمین می گستراند. (۲)

در اجتمـاع اسـلامی، ولایت نیاز اولیه و ضـروری به نظر می رسـد و تا این ولایت، آن گونه که بیان شـد، در اجتماع مسـلمانان شکل نگیرد، آن جامعه را

۱- . سیدعلی خامنه ای، ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، چ ۱، صص ۵۶ و ۵۷.

۲- . سیدعلی خامنه ای، ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، چ ۱، صص ۶۰ و ۶۱ .

نمی توان جامعه ای اسلامی دانست؛ زیرا اصلی ترین ویژگی این جامعه، باید حاکم اسلامی آن باشد که در این گونه جوامع، ولایت هنوز شکل نگرفته است. ازاین رو، حاکم آن نیز حاکمی اسلامی یعنی ولیّ نیست. همچنین برای ایجاد جامعه اسلامی با ولایت، نیاز به قدرت، نیازی ضروری است تا فردی مانند پیامبر، بتواند افراد را در اجتماع گردآورد و با ابزارهایی که قدرت در دست ایشان نهاده است، هم بستگی و پیوستگی لازم را که ادامه حیات یک جامعه است، پدید آورد.

به باور آیت اللّه خامنه ای، اگر جامعه و امتی بخواهد ولایت قرآنی داشته باشد، به یک نقطه قوت متمرکز در متن جامعه اسلامی نیاز دارد:

به یک نقطه ای احتیاج دارد که تمام نیروهای داخلی به آن نقطه بپیوندند؛ همه از آنجا الهام بگیرند و همه از او حرف بشنوند و حرف گوش کنند و او تمام جوانب و مصالح و مفاسد را بدانند تا بتواند مثل یک دیده بان نیرومند قوی دستی و قوی چشمی، هرکس را در جبهه جنگ به کار خودش بگمارد. (۱)

آیت اللّه خامنه ای، به آیه زیر بر ضروری بودن قدرت استدلال می کند:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَطیعُوا اللّهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی ٱلْأَمْرِ مِنْکُمْ. (نساء: ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از پیامبر خدا و از صاحبان فرمان از میان خودتان اطاعت کنید؛ یعنی کسانی که در میان شما صاحبان فرمان هستند.

اسلام نمی گوید روزی خواهد بود که حکومت لازم نباشد و روزی نیست که در جامعه، دولت و حکومت نباشد؛ درحالی که بنا به پیش بینی بعضی از مکتب ها، روزی می آید که دیگر در جامعه، دولت و حکومتی نخواهد بود. پس از نظر آیت اللّه خامنه ای، قدرت، امری ضروری است و تا ابد نیز امری ضروری باقی

۱- . سیدعلی خامنه ای، ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، چ ۱، ص ۳۵.

خواهد ماند.

دومین پرسش تیندر در بحث قدرت این است که آیا به دست گرفتن قدرت و استفاده از آن خوب است؟

پیش تر در بحث ضرورت قدرت از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای بیان شد که ایشان بر اساس آموزه های دین مبین اسلام، معتقد است برای تشکیل حکومت اسلامی، به قدرت در جامعه نیاز است و برای اینکه حکومت در داخل و خارج بتواند هم بستگی ایجاد کند، به اعمال قدرت نیاز دارد.

به باور ایشان، حاکم واقعی در جامعه اسلامی خداست و خدای متعالی، خود به طور مستقیم، امر و نهی نمی کند. از سوی دیگر، انسان ها نیاز دارند که فردی بر آنها حکومت کند و باید انسانی سررشته کارها را به دست گیرد؛ زیرا اگر تنها میان جامعه انسانی، قانونی هر چند الهی باشد، ولی فرمان روایی یا هیئتی نباشد که حکومت کند و ناظری نیز بر اجرای قانون در جامعه نباشد، انتظام جامعه بشری بر هم می خورد.

پس می توان گفت چنان که قدرت در جامعه نیازی ضروری است، استفاده از قدرت نیز برای اجرای دستورهای الهی و دینی در اجتماع، نیازی اولیه است.

پرسش دیگر در بحث قدرت تیندر این است که چرا باید به اطاعت و فرمان پذیری قدرت دیگران تن دهیم؟

۱. نیاز جامعه به حاکم

در جامعه اسلامی باید بر اساس آیات قرآنی، از صاحبان فرمان و قدرت، اطاعت شود: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید»، «أَطیعُوا اللّهَ ؛ اطاعت کنید از خدا»، «وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ؛ و اطاعت کنید از پیامبر خدا»، «وَ أُولِی ٱلْأَمْرِ مِنْکُمْ؛ و از صاحبان

فرمان، میان خودتان». (۱)

به باور آیت اللّه خامنه ای، از دیدگاه اسلام، همیشه به حکومت و دولت نیاز است، درحالی که بعضی از مکتب ها پیش بینی می کنند که در جامعه مطلوب آنها، به دولت و حکومت نیازی نیست. برای مثال، خوارج به بهانه ضرورت حکومت الهی می گفتند باید علی بن ابی طالب حاکم نباشد و به آیه «لا حکم الا للّه؛ حکومت از آن خداست»، استناد می کردند. به دلیل همین کج فهمی، امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره شعار آنان فرمود: «کلمهُ حقٍ یرادُ بها الباطل». (۲) همچنین بیان داشت: «لابُدَ للناس من امیر؛ به ناچار انسان ها و جامعه بشری به حاکم نیاز دارند.» بر این اساس، آیت اللّه خامنه ای معتقد است:

این طبع انسانی که باید زندگی اش با یک مجری قانون همراه باشد، بدون قانون کفایت نمی کند. باید کسی باشد تا اینکه قانون را اجرا کند و بر اجرای دقیق و صحیح این قانون نظارت کند. (۳)

بنابراین، با استناد به آیه «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَطیعُوا اللّهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ»، در جامعه اسلامی بر مسلمانان واجب است که در درجه اول به قدرت خداوند تن دهند و خداوند را به عنوان حاکم اصلی جهان بپذیرند. سپس از پیامبر خدا و پس از او از صاحبان فرمان اطاعت کنند.

بر این اساس، در جامعه اسلامی، تن دادن به قدرت حاکمی که در واقع کارگزار خداوند است، امری واجب است. «هر مسلمانی و هر کسی که مدعی

۱- . سیدعلی خامنه ای، ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، چ ۱، ص ۷۸.

۲- . نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۳- . سیدعلی خامنه ای، ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، چ ۱، ص ۷۹.

بندگی خداست، باید ولیّ زندگی خود و فرمان بردار صاحب اختیار فعالیت ها و نشاط های سراسر دوران عمر خود را از خدا بخواهد و به آن ولیّ که خدا می گمارد و معیّن می کند، سر بسپارد. دست اطاعت به ولی اللّه بدهد و خلاصه آنکه در همه فعالیت های زندگی، فقط خدا و هر آن کس را که خدا به جانشینی خود برگزیده است، حاکم و فرمان روا بشناسد». (۱)

۲. شناخت حاکم

تیندر پس از اینکه ضرورت قدرت و اعمالِ قدرت و چرایی تن دادن به قدرت را مطرح می کند، این پرسش اساسی را پیش می کشد که اساسا قدرت را باید به چه کسی واگذار کرد؟ به عبارت دیگر، چه کسی باید حاکم و فرمان روا باشد؟

ما می کوشیم در پاسخ به این پرسش تیندر، از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای به بحث هایی همچون حاکمیت الهی، بحث ولایت، ولایت فقیه، وظایف ولی فقیه و مواردی از این دست بپردازیم.

۳. خدا؛ حاکم اصلی در جامعه اسلامی

اشاره

بر اساس قرآن، انسجام و پیوستگی های داخلی و نفی وابستگی های خارجی برای جامعه به این بستگی دارد که قدرت متمرکزی در جامعه وجود داشته باشد تا همه فعالیت ها، جهت گیری ها، موضع گیری ها و قطب های گوناگون جامعه را رهبری کند. نام این فرد در جامعه اسلامی، «ولیّ»، یعنی فرمان رواست؛ یعنی آن کس که همه نیروها باید از او الهام گیرند و همه کارها به او برگردد. خلاصه او آن کسی است که مدیریت جامعه اسلامی، هم از جنبه فکری و هم از جنبه عملی به او وابسته است. این شخص چه کسی می تواند باشد؟

۱- . سیدعلی خامنه ای، ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، چ ۱، ص ۸۶.

آیت اللّه خامنه ای در پاسخ به این پرسش می گوید:

آن کسی که ولیّ واقعی جامعه است، او «خدا» است. حاکم در جامعه اسلامی، غیر از خدای متعال شخص دیگری نیست. این مطلبی است که توحید هم همین را به ما می گفت و نبوت هم همین اصل را برای ما مسلّم می کرد. (۱)

آیت اللّه خامنه ای در ادامه می گوید:

بنابراین، آن کسی که در جامعه اسلامی حق امر و نهی و فرمان و حق اجرای اوامر و معیّن کردن خط مشی جامعه و خلاصه حق تحکم در همه خصوصیات زندگی انسان ها را دارد خداست: «و اللّه وَلیُّ المؤمنین». (۲)

به باور آیت اللّه خامنه ای، ولایت، یعنی حاکمیت و سرپرستی در جامعه اسلامی، امری غیر از سرپرستی و حکومت در جوامع دیگر است. در جامعه اسلامی، هیچ انسانی حق ندارد که اداره امور انسان های دیگر را به عهده بگیرد:

در اسلام، سرپرستی جامعه، متعلق به خدای متعال است. هیچ انسانی این حق را ندارد که اداره امور انسان های دیگر را بر عهده بگیرد. این حق، مخصوص خدای متعال است که خالق و منشأ و عالم به مصالح و مالک امور انسان ها، بلکه مالک همه ذرات عالم وجود است. ... هیچ قدرتی، هیچ شمشیر بُرّایی، هیچ ثروتی، حتی هیچ قدرت علم و تدبیری، به کسی این حق را نمی دهد که مالک و تصمیم گیرنده درباره سرنوشت

۱- . ولایت، ص ۶۹.

۲- . ولایت، ص ۶۹.

انسان های دیگر باشد. (۱)

الف) دلیل پذیرش ولایت خداوند

آیت اللّه خامنه ای بر آن است که ولایت خداوند و پذیرش آن، به دلیل فلسفه ای است که در جهان بینی اسلام موجود است:

اینکه ما می گوییم باید از خدا اطاعت کرد و ولیّ امر، خداست، این یک فلسفه طبیعی روشنی دارد؛ چون همه چیز مال خداست [و] آیه «وَ لَهُ ما سَکَنَ فِی الَّیْلِ وَ النَّهارِ» (انعام: ۱۳) این مطلب را روشن می کند. (۲)

بنابراین، به اختصار می توان گفت:

۱. «ولیّ» جامعه اسلامی، یعنی آن قدرتی که همه فعالیت ها و نشانه های فکری و عملی را اداره می کند، خداست و هر آن که خدا وی را به نام یا به شأن به ولایت بگمارد:

إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذینَ آمَنُوا الَّذینَ یُقیمُونَ الصَّلاهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکوهَ وَ هُمْ راکِعُونَ. (مائده: ۶۰)

ولیّ و رهبر و حاکم شما فقط خداست و رسولش و مؤمنانی که نماز را به پا می دارند و زکات را درحالی که در رکوعند، ادا می کنند.

۲. ولایت خدا و پذیرش آن از سوی مؤمنان، به دلیل نوعی زیربنای فکری است که در جهان بینی اسلام آمده است.

وَ لَهُ ما سَکَنَ فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ قُلْ أَغَیْرَ اللّهِ أَتَّخِذُ وَلِیّا فاطِرِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ یُطْعِمُ وَ لا یُطْعَمُ قُلْ إِنّی أُمِرْتُ أَنْ أَکُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَ لا

۱- . علی علیه السلام فراتر از ذهن، مجموعه بیانات رهبر معظم انقلاب در خصوص امام علی علیه السلام، تهیه و تدوین: مرکز آموزش و پژوهش، تهران، امیرکبیر، چ ۱، صص ۱۰و۱۱.

۲- . ولایت، ص ۸۰.

تَکُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِکینَ. (انعام: ۱۳ _ ۱۴)

و از آن اوست هر آنچه در شب و روز آرمیده است و او شنوای داناست. بگو آیا ولیّ و فرمان روایی جز خدا برگزینم که پدیدآورنده آسمان ها و زمین است و اوست که می خوراند و خورانیده نمی شود. بگو من مأمور شده ام که نخستین کسی باشم که تسلیم گردیده و اسلام آورده است و مبادا که در شمار مشرکان در آیی.

البته خدای متعالی به طور مستقیم امر و نهی نمی کند و انسان ها نیز نیاز دارند انسانی بر آنها حکومت کند، و گرنه اگر در میان جامعه، تنها قانونی هر چند الهی باشد، ولی فرمان روا یا هیئتی نباشد که حکومت کند و ناظری بر اجرای قانون در جامعه نباشد، انتظام جامعه بشری به هم می خورد.

حال باید پرسید این انسان، چه کسی می تواند باشد؟ آن انسان یا انسان هایی که قرار است بر جامعه بشری فرمان روایی کنند و در عمل ولایت جامعه را به عهده بگیرند، چه کسانی می توانند باشند؟ به این پرسش، پاسخ های گوناگونی داده شده است. برخی گفته اند: «الملکُ لِمن غلب؛ هر که غالب شد، حاکم اوست.» دیگرانی نیز گفته اند: «هر کس تدبیر بیشتری دارد» یا «هر کس از سوی مردم پذیرفته شود» یا «از خاندانی بزرگ و معروف باشد»، باید حاکم جامعه شود.

آیت اللّه خامنه ای در پاسخ به این پرسش، با استناد به آیه قرآنی «إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ وَ رَسُولُهُ» می فرماید:

کسی که در عمل باید امر و نهی جامعه و اجتماع را به دست گیرد، «خدا» و «رسول» اوست. ازاین رو، در حضور پیغمبر خدا، معنا ندارد که حاکم دیگری جز پیغمبر بر مردم حکومت کند. پیغمبر، یعنی همان کسی که باید زمام قدرت را در جامعه به دست گیرد و حاکم بر جامعه باشد. (۱)

۱- . ولایت، ص ۷۰.

ب) ولایت، اساسی ترین مسئله دین

آیت اللّه خامنه ای معتقد است اساسی ترین مسئله دین، موضوع ولایت است؛ زیرا ولایت، نشانه و پرتو توحید شمرده می شود:

ولایت، یعنی حکومت؛ چیزی است که در جامعه اسلامی متعلق به خداست و از خدای متعال به پیامبر و از او به ولی مؤمنین می رسد. (۱)

پرسشی که اینجا مطرح می شود، آن است که پس از پیامبر گرامی اسلام، تکلیف چیست؟ در پاسخ به این پرسش، آیت اللّه خامنه ای به آیه قرآن استناد می کند و می فرماید: «وَ الَّذینَ آمَنُوا.» مؤمنان یعنی کسانی که به مکتب و دین ایمان آوردند، ولیّ و حاکم جامعه اسلامی هستند. در این آیه، قرآن می خواهد افزون بر آنکه روی انسان مشخصی انگشت می گذارد و کسی را که در نظر قانون گذار اسلام مشخص است، بر مردم حاکم می کند، می خواهد علت انتخاب یا انتصاب او را نیز بیان کند و به این وسیله، معیاری کلی به دست دهد. لازمه اطلاق «آمَنُوا» این است که ایمان آورده و مؤمن به خدا باشند. پس «الَّذینَ آمَنُوا»، شرط اول است. شرط دیگر، «الَّذینَ یُقیمُونَ الصَّلاهَ» است؛ یعنی مؤمنانی که نماز را اقامه می کنند؛ نه اینکه نماز می خوانند، بلکه روح نماز را در جامعه زنده می کنند. به طور کلی، در جامعه ای که در آن ذکر خدا موج می زند و مردم به یاد خدا هستند، جهت گیری ها الهی است.

یکی دیگر از ویژگی هایی که در ادامه آیه برای «ولیّ» مطرح می شود «وَ یُؤتُونَ الزَّکاهَ» است؛ یعنی زکات بدهند و اهل انفاق در راه خدا باشند.

۱- . علی علیه السلام فراتر از ذهن، ص ۵۰.

ج) ولیّ امر؛ فرستاده خدا

«بنابراین، در اسلام، ولیّ امر آن کسی است که فرستاده خداست. آن کسی است که خود خدا معیّن کند؛ چون فرض این است که به حسب طبیعت خلقت و آفرینش، هیچ انسانی حق تحکم بر انسان های دیگر را ندارد. تنها کسی که حق تحکم دارد، خداست و چون خدا حق تحکم دارد، خدا می تواند طبق مصلحت انسان ها، این حق را به هر کسی که می خواهد، بدهد و می دانیم که کار خدا بیرون از مصلحت نیست. ... او پیغمبر و امام را معیّن می کند و برای بعد از امام نیز صفاتی را معیّن می کند که اینها بعد از ائمه معصومین علیهم السلام، حاکم بر جامعه اسلامی هستند. پس ولیّ را خدا معیّن می کند. خودش ولیّ است. پیغمبرش ولیّ است. امام ها ولیّ هستند. امام های خاندان پیغمبر تعیین شده اند که دوازده نفرند و در رتبه بعدی، کسانی که با معیارها و ملاک های خاصی تطبیق بکنند، آنها از برای حکومت و خلافت معیّن شده اند». (۱)

آیت اللّه خامنه ای معتقد است آنچه در اسلام بر آن تأکید شده، این است که زمام امر مردم، در دست کسانی نباشد که انسان ها را به دوزخ می کشانند. به باور ایشان، منطق شیعه در این موضوع، بسیار ظریف و دقیق است؛ زیرا افزون بر اینکه نصب خدایی را از قرآن استنباط می کند، معیارها و ملاک ها را هم به دست مردم می دهد تا مردم فریب نخورند:

اگر تو حکومت علی را قبول داری، باید معیارهای خلافت و ولایت را هم قبول داشته باشی. باید قبول داشته باشی که علی بن ابی طالب به خاطر جمع بودن این معیارها به عنوان ولیّ انتخاب شده [است]. پس اگر کسی در او این معیارها نبود یا ضد این معیارها در او بود، این آدم

۱- . ولایت، ص ۷۳.

حق ندارد جانشین علی بن ابی طالب خودش را معرفی کند. حق ندارد ولایت شیعه را ولیّ امر بودن را ادعا کند. حق ندارد از او بپذیرد. (۱)

از نظر آیت اللّه خامنه ای، هر جامعه ای که بخواهد همه نیروهایش در یک جهت به کار افتد و هیچ یک از نیروهایش هرز نرود و همه نیروهای جامعه به صورت قدرت متمرکزی در آید، به طوری که بتواند مثل مشت واحدی در برابر جناح ها و صف ها و قدرت های متخاصم عمل کند، به قدرتی متمرکز نیاز دارد. به یک دل و یک قلب احتیاج دارد. اسم چنین فردی، امام است. «امام، یعنی آن حاکم و پیشوایی که از طرف پروردگار در آن جامعه تعیین می شود؛ مثل همان که خدای متعال به ابراهیم علیه السلام فرمود «إِنّی جاعِلُکَ لِلنّاسِ إِمامًا؛ تو را برای مردم امام قرار دادم.» اینکه می گوییم امام باید از طرف خدا تعیین شود، به دو گونه است: یا خدا به نام و نشان معیّن می کند؛ مثل اینکه پیامبر، امیرالمؤمنین [علی علیه السلام]، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و بقیه ائمه علیهم السلام را معیّن کرد. یک وقت هم خدای متعال، امام را به نام معیّن نمی کند، بلکه تنها به نشان معیّن می کند؛ مثل فرمایش امام که فرمود: «فَامّا مَن کانَ مِنْ الفُقهاءِ صَائِنا لِنَفْسِه حافظا لِدینه مُخالفا علی هواهُ مُطیعا لِامرِ مولاه فَلِلْعَوام اَنْ یُقلِّدوه.» (۲) در این روایت، امام، نشانه های امام را تعیین فرمود؛ بدون اینکه نام او را معیّن کرده باشد. هر کسی که این نشان بر او تطبیق کرد، آن امام می شود». (۳)

تا اینجا مشخص شد که هر مسلمان و هر کس که مدعی بندگی خداست،

۱- . ولایت، ص ۷۷.

۲- . شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، تهران، ناس، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۹۵.

۳- . ولایت، ص ۳۶.

بایـد ولیّ زنـدگی خود و فرمان روا و صاحب اختیار فعالیت های دوران عمرش را از خدا بخواهد و به آن حاکمی که خداوند می گمارد، سر بسپارد و دست اطاعت به ولی اللّه بدهـد. خلاصه آنکه در همه فعالیت های زنـدگی، تنها خدا و کسـی را که خدا به جانشـینی خود برگزیده است، به عنوان حاکم و فرمان روا بشـناسد. ازاین رو، جامعه در صورتی دارای ولایت است که در آن ولیّ مشخص باشد و در عمل، مصدر و الهام بخش همه فعالیت های زندگی شمرده شود.

فرد وقتی ولاـیت دارد که شـناخت درستی از ولیّ داشـته باشـد و برای پیونـد هر چه بیشتر با او ــ که مظهر ولایت خـداست ــ پیوسـته بکوشـد. از آنجا که ولیّ، جانشـین خـدا و مظهر قدرت عادلانه الهی در زمین است، از همه اسـتعدادهایی که در وجود انسان ها برای تکامل نهاده شـده است، به سود آنان بهره می برد و از اینکه حتی اندکی از این زمینه ها در راه زیان انسانیت به کار رود، مانع می شود. او عدل و امن را که برای بالندگی نهال انسان لازم است، در محیط زیست آنان تأمین و از پدید آمدن جلوه های گوناگون ظلم جلوگیری می کند.

خلاـصه اینکـه از دیـدگاه آیـت اللّـه خـامنه ای که البته از کلاـم الهی و آیـات قرآنی سرچشـمه می گیرد، ولیّ و حـاکم مطلق خداونـد است. در مرحله بعـد، فرمـان روایی به پیـامبران تفویض می شود و در مرحله پس از آن، این شـأن به پیشوایان معصوم علیهم السلام واگذار می گردد و پس از امامان معصوم علیهم السلام، این شأن و مقام به فقیهان دین می رسد.

۴. ولایت

اشاره

در جـامعه اسـلامی، ولاـیت در دو بعـد وجود دارد: اول، ولایت فردی که افراد دارنـد؛ دوم، ولایت جامعه. در اینجا به بررسـی کامل تر معنای ولایت در نظام اسلامی می پردازیم.

از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای، ولایت عبارت است از «اتصال و ارتباط و قرب

دو چیز به صورت مماس و مستحکم با یکدیگر. همان معانی که برای ولایت در لغت ذکر شده است ـ معنای محبت، معنای قیومیت و... ـ از این جهت است که در هر کدام از اینها به نوعی این قرب و نزدیکی بین دو طرف ولایت وجود دارد». (۱)

الف) تعبیر اسلام از حکومت با ولایت

به باور آیت اللّه خامنه ای، در اسلام برای بیان حکومت از تعبیر ولایت استفاده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با عبارت «مَنْ کُنتُ مَولاهُ فَهذا عَلیٌّ مولاه» در روی داد غدیرخم، حکومت را با تعبیر ولایت بیان کرد. همچنین در آیه شریفه «إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ وَ رَسُولُهُ»، حکومت با نام ولایت بیان شده است.

«اسلام، حکومت را با تعبیر «ولایت» بیان می کند و شخصی که در رأس حکومت قرار دارد، به عنوان والی، ولیّ، مولا ـ یعنی اشتقاقات کلمه ولایت ـ معرفی می نماید. معنای آن چیست. معنای آن این است که در نظام سیاسی اسلام، آن کسی که در رأس قدرت قرار دارد و آن کسانی که قدرت حکومت بر آنها در اختیار اوست، ارتباط و اتصال و پیوستگی جدایی ناپذیری از هم دارند». (۲)

آیت اللّه خامنه ای در جایی دیگر اشاره می کند که معنای ولایت در اسلام به نماز، روزه، زکات و اعمال فردی و عبادت ها خلاصه نمی شود. «در اصطلاح عرف اسلامی، نام حکومت، «ولایت» است. ولایت، آن حکومتی است که شخص حاکم با آحاد مردم دارای پیوند محبت آمیز و عاطفی و فکری و عقیدتی است. آن حکومتی که زورکی باشد؛ آن حکومتی که با کودتا باشد؛ آن حکومتی که حاکم

۱- . علی علیه السلام فراتر از ذهن، ص ۱۶۶.

۲- . علی علیه السلام فراتر از ذهن، ص ۱۶۶.

عقایـد مردمش را قبول نداشـته باشـد و افکـار و احساسـات مردمش را مورد اعتنـا قرار ندهـد؛ آن حکومتی که حاکم حتی در عرف خود مردم _ مثـل حکومت هـای امروز دنیـا _ از امکانـات خاص و از برخورداری های ویژه برخوردار باشـد و برای او، منطقه ویژه ای برای تمتعات دنیوی وجود داشته باشد، هیچ کدام به معنای ولایت نیست. ولایت، یعنی آن حکومتی که در آن ارتباطـات حـاکم بـا مردم، ارتباطـات فکری، عقیـدتی، عاطفی و محبت آمیز است. مردم با او متصل و پیوسـته انـد، به او علاقه مندند و او منشأ همه این نظام سیاسی [است] و وظایف خود را از خدا می خواهد و خود را عبد و بنده خدا می انگارد». (۱)

چنان که پیش تر بیان کردیم، پس از اینکه پیامبر گرامی اسلام از سوی خداوند به عنوان حاکم انتخاب شد و تشکیل حکومت داد، به مدت ۲۳ سال به عنوان فرمان روا بر مردم حکومت کرد، ولی پس از رحلت پیامبر، جامعه اسلامی باید چگونه اداره می شـد؟ آیـا وقتی ارتباط با وحی قطع شـد، دیگر خداونـد نماینـده و حاکمی از سوی خویش در جامعه نـدارد؟ بی گمان، چنین نیست. در تاریـخ اسـلام، مـاجرایی رخ داد و در آن روز، حضـرت رسول برای خود جانشـین و خلیفه ای تعیین کرد. در چنـان روزی، پیـامبر اکرم صـلی الله علیـه و آلـه در آخریـن مـاه هـای حیـاتش، امیرمؤمنـان علی علیـه السـلام را به ولـایت _ یعنی به حکومت و سرپرستی مسلمانان و مدیریت جامعه اسلامی _ نصب فرمود.

آیت اللّه خامنه ای در این باره می گوید:

این بیان پیغمبر که ولایت را به امیرالمؤمنین [علی] علیه السلام سپرد _ این نصب تشریعی _ همان معنای حکومت است؛ همان مدیریت جامعه اسلامی و ولایت امر مسلمین است که البته همراه با آن ولایت کلیه

۱- . علی علیه السلام فراتر از ذهن، صص ۲۳۴ و ۲۳۵.

الهیه است که در وجود مقدس خود پیغمبر و در ائمه هدی علیهم السلام _ در همه _ وجود داشت. آن ولایت به آن معنا، در ائمه ای که به ولایت ظاهری نرسیدند، وجود داشت. آن ولایتی که مال امیرالمؤمنین و منصوب پیغمبر بوده، ولایت سیاسی بود، با همان معنایی که ذات مقدس پروردگار، آن را در اسلام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و به وسیله پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به وجود آورد و معلوم شد که اسلام در ردیف والاترین احکام و مقررات خود، مسئله حکومت و ولایت و سرپرستی امت را دارد. (۱)

ایشان همچنین در جای دیگری، با اشاره به این مطلب می گوید:

اصل مسئله نصب حاکم، مسئله مهمی است که پیام غدیر است. این پیام روشن را که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله _ مؤسس اسلام _ به همه مسلمین داده است، که می گوید مسلمان ها دین را از اساس زندگی، از مسئله حکومت که پایه زندگی فردی و اجتماعی است جدا نکنید؛ دین را به گوشه خلوت خانه ها و ذهن و مسائل روحی منحصر نکنید؛ دین را به انزوا نیندازید. اساس زندگی بشر که بر پایه حکومت اسلامی است، امری است متوجه دین؛ مسئولیتی است بر دوش دین و دین باید این کار را انجام دهد. (۲)

تاکنون گفتیم که حاکم مطلق، خداوند است که با شیوه هایی، حاکمیت خود را بر جهان اعمال می کند؛ از جمله، از راه نصب انبیا و پیامبران الهی که به عنوان فرمان روا و حاکم از سوی خداوند بر زمین حکم می رانند. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، آخرین فرمان روا و حاکم الهی بود که از راه وحی با خدا ارتباط داشت.

۱- . علی علیه السلام فراتر از ذهن، ص ۱۲۴.

۲- . علی علیه السلام فراتر از ذهن، ص ۱۳۰.

پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امامان معصوم شیعه علیهم السلام قرار دارند. پس از غیبت حضرت مهدی(عج) نیز باید افرادی باشند تا بتوانند به عنوان حاکم الهی نقش آفرینی کنند.

بر اساس آموزه های اسلامی، این حق و وظیفه بر عهده عالمان و فقیهان دین گذاشته شده است. ما نخست بحث های مقدماتی در بحث ولایت فقیه را مطرح می کنیم. سپس اندیشه های آیت اللّه خامنه ای را در این مقوله می کاویم.

ب) ولایت فقیه

اشاره

ولایت داشتن فقیه، دست کم در برخی از امور از ضروریات فقه شیعه است. ولایت عامه فقیه، از ابتدای تاریخ اجتهاد شیعی، معتقدان و مدافعانی از فقیهان بزرگ داشته، ولی نظریه ای اجماعی نبوده و در گذشته، مخالفانی نیز داشته است. البته وقتی به زمان حال نزدیک تر می شویم، فقیهان بیشتری به این اعتقاد می گرایند. حضرت امام خمینی رحمه الله برای تثبیت نظریه ولایت سیاسی فقیه در میدان نظر و عمل، بحث مهجور ولایت فقیه را به کانون توجه بسیاری از اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان وارد کرد.

یک _ معنای ولایت فقیه

«وِلایت» و «وَلایت» از ریشه «و _ ل _ ی» است و به همراه دیگر مشتق های این ریشه، در معانی متعددی به کار می رود. کسی که متصدی و عهده دار امری می شود، بر آن ولایت می یابد و مولی و ولیّ آن امر می شود. بنابراین، این واژه به معنای تدبیر و قدرت و تصرف و فعل دلالت دارد.

دقت در موارد کاربرد واژه ولایت و هم خانواده های آن، مانند مولی و ولیّ نشان می دهد که این واژه، معنای تصدی و سرپرستی و اداره شئون دیگران را

می رساند و نوعی سزاواری و حق تصرف داشتن را برای ولیّ اثبات می کند. (۱)

در فقه شیعه، مواردی هست که اولویت سزاوار بودن و سلطه و مالکیت در تصدی و تصرف داشتن در سرپرستی امور فرد دیگر، برای شخص یا اشخاصی وضع شده است. برای نمونه، می توان به اصطلاح هایی همچون «اولیای میت»، «اولیای مقتول» و «ولیّ سفیه، مجنون و صغیر» اشاره کرد.

ولایت شرعی فقیه در امور سیاسی به معنای آن است که فقیه عادل، مدیر و مدبّر، در تدبیر و اداره شئون مختلف جامعه اسلامی، برابر آموزه های اسلامی، سزاوارتر از دیگران است.

چرا اسلام برای فقیه عادل در امور عمومی و اجتماعی، ولایت شرعی بر مردم قرار داده است؟

پاسخ به این پرسش که در واقع، تبیین فلسفه ولایت سیاسی فقیه است، به تحلیل دو نکته نیاز دارد:

الف) چرا جامعه نیازمند رهبری و ولایت سیاسی است؟

ب) چرا در جامعه اسلامی، این رهبری بر عهده فقیه عادل جامع الشرایط قرار گرفته است؟

در پاسخ به پرسش نخست باید گفت جامعه انسانی از آن رو که شامل افرادی با منافع و خواسته های متعارض و گوناگون است، به ضرورت به حکومت نیاز دارد. اجتماع انسانی هر چند کوچک، مانند یک قبیله یا دهستان، نیازمند اعتبار ریاست است. پیش تر بیان شد که در جامعه اسلامی، نیاز به ولایت ضروری است و پاسخ دادیم که منظور از ولایت در جامعه اسلامی، این است که ولیّ در آن

۱- . احمد واعظی، حکومت دینی، تهران، مرصاد، چ ۱، ص ۱۷۷.

جامعه، مشخص بوده و الهام بخش همه نیروها، نشاط ها و فعالیت های آن جامعه باشد. او مرکزی است که همه فرمان ها را می دهد و همه قانون ها را اجرا می کند. جامعه بدون وجود مرجعی به نام حکومت یا دولت که دارای اقتدار سیاسی و اختیار تصمیم گیری است، ناقص خواهد بود و دوام و بقای خویش را از دست می دهد.

به فرموده حضرت علی علیه السلام، مردم به ناچار نیازمند حکومت هستند؛ خواه نیکوکردار و خواه بدکردار تا در حکومت او، مرد با ایمان کار خویش کند. این بیان، ضرورت وجود حکومت را اثبات می کند و اینکه حتی ولایت سیاسی نامشروع، بهتر از هرج و مرج و نبود ولایت سیاسی در جامعه انسانی است؛ زیرا حکومت، هر چند نامشروع و ناموجه باشد، برخی از کاستی های جامعه را می پوشاند و بخشی از نیازمندی های انسانی را فراهم می آورد. پس دلیل نیاز انسان به ولایت سیاسی، در ضعف افراد انسانی نهفته نیست، بلکه در ضعف اجتماع های انسانی است.

اینکه در فقه شیعه، این رهبری سیاسی به فقیه عادل واگذاشته شده، از آن روست که وظیفه حکومت، سازگاری امور مسلمانان با آموزه های شریعت است. هدف حکومت دینی، تنها برقراری امنیت و رفاه به هر شکل و با هر هزینه نیست، بلکه باید امور جامعه و روابط و مناسبت های گوناگون آن را با احکام، اصول و ارزش های دینی سازگار کند. این مهم، نیازمند آن است که مدیر جامعه اسلامی، در عین برخورداری از توانایی های لازم در عرصه مدیریت، آشناترین مردم به حکومت الهی باشد؛ یعنی از فقاهت لازم در امور اجتماعی و سیاسی برخوردار باشد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

اَیُّها النَّاسُ اِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهذَا الْامرِ أَقواهُم عَلیه وَ أعلَمُهم بِاَمْرِاللّه ِ فیهِ. (۱)

ای مردم! سزاوارترین مردمان به امامت و خلافت کسی است که بدان تواناتر باشد و در آن، به فرمان خدا، داناتر.

پس جامعه اسلامی نیازمند ولایت و رهبری سیاسی است؛ چنان که هر جامعه دیگر نیز برای زدودن برخی کمبودها و کاستی های اجتماعی خویش، بدان نیازمند است. این رهبری سیاسی، به خلیفه عادل توانا داده شده است؛ زیرا مدیریت جامعه اسلامی، افزون بر توانایی مدیریتی، به اسلام شناسی و فقه شناسی نیز نیازمند است.

پرسش دیگری که مطرح می شود، این است که ولایت، در چه جامعه ای اجرایی می شود و برآمده از چیست؟

آیت اللّه خامنه ای در پاسخ به این پرسش معتقد است ولایت اسلامی اسلامی به شکل کامل، در جامعه اسلامی عملی است و ولایت، از ارزش های اسلامی مانند عدالت اسلامی، علم اسلامی و دین اسلامی برمی خیزد. به باور ایشان، ولایت به شکل ناکامل در همه ملت ها و میان همه جوامع عملی است، «اما به شکل غیر کامل، در همه ملت ها و در میان همه جوامع عملی است. اگر می خواهند کسی را به عنوان رهبر و حاکم جامعه انتخاب کنند، به سراغ آن کسی بروند که سرمایه داران معرفی می کنند؛ نروند به سراغ پارساترین و پاک ترین و بی اعتناترین انسان ها به دنیا؛ بروند [به طرف]آن کسی که قدرت را سرمایه شخصی خود به

۱- نهج البلاغه، نامه ۱۷۳.

حساب نمی آورد و از آن برای سود شخصی خویش استفاده نمی کند». (۱)

کوچک ترین کار وی که خلاف شرع باشد، عدالت را سلب می کند. هر تبعیضی، هر عمل خلاف و گناه و ترک وظیفه ای، عدالت را از والی سلب می کند. وقتی هم عدالت سلب شد، او از آن مقام، عزل می شود. (۲)

دو ـ ویژگی های ولی فقیه

کسی که قرار است جانشین امامان معصوم علیهم السلام باشد و در مقام حاکم الهی بر جامعه حکم رانی کند، باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟

کسی که این ولایت را از سوی خداوند عهده دار می شود، باید بتواند نمونه و پرتویی از آن ولایت الهی را تحقق بخشد. به عبارت دیگر، ویژگی هایی از ولایت الهی، قدرت، حکمت، عدالت و رحمت در او وجود داشته باشد.

«آن شخص یا آن دستگاهی که اداره مردم را به عهده می گیرد، باید مظهر قدرت، عدالت و رحمت و حکمت باشد. این خصوصیت، فارقِ بین جامعه اسلامی و همه جوامع دیگری است که به شکل های دیگر اداره می شوند...، در جامعه و نظام اسلامی، عدالت، علم، دین و رحمت باید حاکم باشد. خودخواهی نباید حاکم بشود. هوا و هوس از هر کس و در رفتار و گفتار هر شخص و شخصیتی نباید حکومت کند... آن جایی که هم عصمت وجود ندارد و میسر نیست، دین و تقوا و عدالت باید بر مردم حکومت کند که نمونه هایی از ولایت

۱- . پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت اللّه خامنه ای، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ص ۵۳.
۲- . پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت اللّه خامنه ای، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ص ۵۲.

الهی محسوب می شود». (۱)

آیت اللّه خامنه ای معتقد است رهبری معنوی، تعهدی معنوی دارد:

در سطح رهبری، از این اینها هم بالاتر است؛ برای خاطر اینکه رهبری معنوی تعهد معنوی دارد. خبرگان و مردم از او توقع دارند که حتی یک گناه نکند. اگر یک گناه کرد، بدون اینکه لازم باشد، ساقطش کنند، ساقط شده است. (۲)

آیت اللّه خامنه ای در پاسخ به این پرسش که اگر شما فردی عادی در جامعه بودید، چه کسی را با چه ویژگی هایی برای رهبری و مقام واجب الاطاعه خود برمی گزیدید؟ این گونه پاسخ می دهد:

من طبق قانون اساسی می گشتم و کسی را که به نظر من فقیه باشد؛ یعنی به دین و معارف دینی آشنا باشد و عادل و پرهیزکار و شجاع باشد و از ورود در میدان های گوناگون واهمه نکند و با مسائل کشور هم آشنا باشد، به عنوان رهبر در نظر می گرفتم. البته او هم باید طبق قانون انتخاب شود. چون رهبری هم طبق قانون انتخاب می شود. این طور نیست که ما بتوانیم هر کسی را به عنوان رهبر بیاوریم و بگوییم رهبر ما این است. (۳)

آیت اللّه خامنه ای در پاسخ به این پرسش که چرا رهبر باید فقیه باشد، ضرورت آن را در آشنایی با ارزش های دین و ارزش های اسلامی می داند. بعضی

۱- . حدیث ولایت، ج ۵، ص ۲۵.

۲- . اصلاحات، راهبردها، خطرها، بیانات حضرت آیت اللّه خامنه ای، تهیه و تنظیم: دفتر رهبر انقلاب، چ ۱، ص ۲۸.

۳- . ضیافت، پاسخ های مقام معظم رهبری به سؤالات دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، ص ۷.

ممکن است آدم های خوبی باشند، ولی با دین آشنا نباشند و نتوانند آنچه را مفاد قرآن و سنت و حدیث و مفاهیم دینی است، درست درآورند. ممکن است اشتباه کنند و غرضی هم نداشته باشند، پس باید فقیه باشد.

همچنین در پاسخ به این پرسش که چرا رهبر باید عادل باشد، ضمانت اجرای حکومت اشاره می کند. به نظر ایشان، اگر حاکم به فکر کام جویی، قدرت طلبی و حفظ مقام باشد، ضمانت لازم برای سلامت نظام، باقی نخواهد ماند. ازاین رو، اگر از عدالت افتاد، بدون اینکه لازم باشد کسی او را عزل کند، خودش عزل می شود.

آیت اللّه خامنه ای درباره زمان شناس بودن بیان می دارد که تنها در این صورت می تواند حیله ها و ترفندهای دشمن را بشناسد و در مقابل ترفندها، آنچه را لازمه وظیفه اوست، انجام بدهد. (۱)

ایشان با اشاره به بهره مندی ولایت فقیه از ضابطه های دینی و خواست مردم می گوید: «علم و تقوا و درایت، ضابطه های اصلی ولایت فقیه است؛ زیرا علم، آگاهی می آورد؛ تقوا، ولی فقیه را شجاع می سازد و درایت، مصالح و منافع کشور و ملت را تأمین خواهد کرد». (۲)

ایشان با تأکید بر اهمیت معیارهای یاد شده، یادآور می شود شخصی که در این مسئولیت بسیار حساس قرار می گیرد، اگر یکی از این معیارها را از دست بدهد، دیگر ولی فقیه نیست؛ حتی اگر همه مردم هم او را پذیرفته باشند.

آیت اللّه خامنه ای درباره شرایط و ویژگی های رهبر و حاکم جامعه اسلامی

۱- . پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب حضرت آیت اللّه خامنه ای، ص ۴۰.

۲- . روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶/۳/۱۳۸۳، سخنان رهبری در مراسم سالگرد رحلت حضرت امام در ۱۴ خرداد ۱۳۸۳.

می گوید:

ولایت فقیه، یعنی حکومت آگاه به دین»، « حکومت دین شناسان عادل»؛ «مدیر و مدبّر بودن» در مرتبه بعد است. آنچه به عنوان شرایط اصلی در مجری امور جامعه بر مبنای تفکر اسلام لازم است، همین دو صفت است؛ یعنی «فقاهت و عدالت». البته اگر فقیه عادل بخواهد جامعه را درست اداره کند، باید «مدیر و مدبر» باشد. «جریان شناس» باشد تا جامعه را از لغزش در پرت گاه نجات دهد. به علاوه، «زمان شناس»، «مردم شناس» و دارای «حکمت سیاسی» باشد. اما مبنا، آن دو صفت هستند. صفات دیگر جزو لوازم آن دوست. (۱)

ولیّ فقیه باید به قرآن و احکام اسلامی کاملاً مسلط باشد؛ یعنی قدرت و فقاهت داشته باشد و بتواند اسلام را بفهمد، دین را بشناسد، احکام الهی را کشف کند، با قرآن و سنت مأنوس باشد و توانایی استنباط احکام شرعی را داشته باشد. غیر از فقاهت و عدالت، «درایت» و «کفایت» نیز لازم است. این هم شرط قهری و عقلی است. کسی که کفایت اداره کاری را ندارد، نمی شود او را زمام دار کرد. لذا این سه شرط اساسی یعنی فقاهت، عدالت و کفایت _ که خود کفایت شامل کفایت ذهنی و عملی می شود _، یک انسان را شایسته و لایق می کند که ولایتش را که متعلق به خدا و پیغمبر است، در اختیار بگیرد. (۲)

سه _ مسئولیت های رهبر

اشاره

ولی فقیه چه وظایف و مسئولیت هایی را در جامعه اسلامی بر عهده دارد؟ آیا این وظایف و مسئولیت ها، تنها تشریفاتی است یا کارکرد اجرایی و نظارتی نیز دارد؟

۱- . روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۰/۲/۱۳۶۲.

۲- . روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷/۱۱/۱۳۶۷.

اول _ دفاع از نظام و پاسداری از اسلام

به باور آیت اللّه خامنه ای، رهبری، بنیان گذار کلی نظام است و حرکت کلی نظام باید در چارچوب سیاست هایی باشد که رهبری معیّن می کند:

البته وظایف و مسئولیت های رهبری، همان چیزی است که در قانون اساسی آمده است. رهبری سیاست گزار کلی نظام محسوب می شود؛ یعنی همه قوای سه گانه باید در چارچوب سیاست های رهبری برنامه ریزی کنند و سیاست های اجرایی خودشان را تنظیم نمایند. حرکت قواره کلی نظام، باید در چارچوب سیاست هایی باشد که رهبری معیّن می کند. این مهم ترین مسئولیت رهبری است. البته در قانون اساسی، مسئولیت های دیگری هم وجود دارد. (۱)

دوم _ وظایف و اختیارات رهبر در قانون اساسی

از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای، مهم ترین مسئولیت و وظیفه رهبری، تعیین سیاست های کلی نظام است که قوای سه گانه باید برابر این سیاست ها حرکت کنند. آنها باید چنان برنامه ریزی و جهت دهی کنند که حتی در موردی از این سیاست ها سرپیچی نکنند. از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای، وظایف و اختیارات رهبر، همان مواردی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است. در ادامه، به این موارد اشاره می کنیم:

۱. تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام؛

۳. فرمان همه پرسی؛

۱- . ضیافت، پاسخ های مقام معظم رهبری به سؤالات دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ص ۸.

۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح؛

۵. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروهای مسلح؛

۶. نصب و عزل و قبول استعفا:

۱_۶. فقهای شورای نگهبان؛

۲_۶. عالی ترین مقام قوه قضاییه؛

۳_۶. رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران؛

۴_۶. رئیس ستاد مشترک؛

۵_۶. فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛

۶_۶. فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.

۷. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه؛

۸. حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، به وسیله مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

۹. امضای حکم ریاست جمهوری، پس از انتخاب مردم و صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری، از جهت دارا بودن شرایطی که در قانون می آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد؛

۱۰. عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور، پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم؛

۱۱. عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی، پس از پیشنهاد رئیس قوه قضاییه. (۱)

۱- . قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل یک صد و دهم.

بنابراین، در نظام اسلامی، رهبری جایگاهی ویژه دارد و بسان ستونِ خیمه نظام است و تمام سیاست ها و تصمیم ها باید حول سیاست های رهبری گرفته شود. ازاین رو، رهبری جایگاهی فعال است و تنها مقامی دینی یا تشریفاتی نیست.

سوم _ مسئول بودن رهبر در برابر قانون

پرسش این است که با توجه به ویژگی ها، اختیارات و وظایفی که رهبر در جامعه اسلامی دارد، جایگاه رهبر در قانون چگونه است؟ آیا برای رهبر در قانون، جایگاه ویژه ای دیده شده است یا اینکه رهبر با تمام ویژگی ها، وظایف و اختیاراتی که دارد، در برابر قانون با دیگر افراد یکسان است.

آیت اللّه خامنه ای در این باره معتقد است هیچ کس بالاتر از قانون نیست و قانون برای همه یکسان است:

در قانون اساسی، رهبری، رئیس جمهور، رئیس قوه قضاییه و دیگر مسئولان با آحاد مردم در قبال قوانین هیچ تفاوتی ندارند. هیچ کس بالاتر از قانون نیست. قانون اساسی، اختیاراتی را به کسانی می دهد. قانون اساسی به قاضی می گوید محکوم کن یا تبرئه کن یا حکم قضایی صادر کن. به رهبری هم می گوید با ملاحظه این جهات عفو کن. این مافوق قانون نیست. این متن و مُرّ قانون است. قانون برای همه یکسان است. برای کسانی که گره هایی باز کنند، راه هایی را بگشایند و مشکلاتی را حل نمایند، مسئولیت هایی وجود دارد. آنجایی که قانون در میان است، همه یکسانند. این چیز خیلی مهمی در اسلام است. دیگران هم ادعای این را می کنند، اسلام این عمل را نشان داده است؛ ما به دنبال آن هستیم، ما این تصویر زیبا در ذهنمان هست. (۱)

۱- . راهبردهای اساسی خدمت گزاری، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ص ۲۸۸.

چهارم _ فرا نظارتی نبودن رهبری

آیت اللّه خامنه ای در جمع دانشجویان در پاسخ به این پرسش که آیا نهادها و دستگاه های مربوط به رهبری، تحت نظارت و بازرسی هستند یا فوق نظارتند؟ می گوید:

هیچ مقامی، جایگاه فوق نظارت نیست. خود رهبری هم، فوق نظارت نیست؛ چه برسد به دستگاه های مرتبط با رهبری. بنابراین، همه باید نظارت بشوند؛ نظارت بر آن کسانی که حکومت می کنند؛ چون حکومت به طور طبیعی، به معنای تجمع قدرت و ثروت است؛ یعنی اموال بیت المال و اقتدار اجتماعی و اقتدار سیاسی در دست بخشی از حکام است. برای اینکه امانت به خرج بدهند و سوءاستفاده نکنند، نفسشان طغیان نکند، یک کار لازم و واجب است و باید هم بشود. البته این تقسیم بندی _ نهادهای زیر نظر رهبری و نهادهای غیر زیر نظر رهبری _ تقسیم بندی غلطی است؛ ما چنین چیزی نداریم. طبق قانون اساسی، سه قوه مجریه و قضاییه و مقننه زیر نظر رهبری اند. دستگاه های دیگر هم همین طور. زیر نظر رهبری بودن، به معنای این نیست که رهبری، دستگاهی را مدیریت می کند، اما به هر حال فرق نمی کند، لازم است نظارت بشوند. البته نظارت ها در کشور ما متأسفانه هنوز تخصصی، علمی و کارآمد نیست. در مواردی بی طرفانه هم نیست... بنابراین، این طور نیست که دستگاه های مربوط به رهبری از نظارت معاف باشند. نه، به نظر ما بازرسی لازم است. (۱)

۱- . ضیافت، پاسخ های مقام معظم رهبری به سؤالات دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، صص ۴۸و۴۹.

۵. نقش مردم در حکومت

اشاره

گفتیم که حق سرپرستی جامعه اسلامی بر عهده خداوند است و خداوند این امر را به پیامبر، و پس از پیامبر به امامان معصوم علیهم السلام تفویض کرده است. همچنین بنا بر مبانی دین مبین اسلام، پس از پیشوایان معصوم علیهم السلام، رهبری و فرمان روایی نظام اسلامی بر عهده فقیهان و عالمان دین است. در اینجا، این پرسش مطرح می شود که آیا صِرف اینکه فردی ویژگی های مورد نظر را داشت، می تواند به عنوان ولیّ فقیه و حاکم اسلامی بر مسند حکومت تکیه بزند یا اینکه به پذیرش مردمی نیز نیاز دارد. اساساً در موضوع ولایت فقیه، مردم نیز نقش دارند و پذیرش ولیّ فقیه از سوی مردم شرط است یا خیر؟

در پاسخ به این پرسش، آیت اللّه خامنه ای معتقد است مردم در حکومت اسلامی، ارزش والایی دارند. آنها می توانند در بسیاری از امور جامعه از جمله در اجرا، قانون گذاری از راه انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و از همه مهم تر، در انتخاب رهبری از راه انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان، نقش مستقیم داشته باشند. همچنین می توانند در موارد فراوانی نقش نظارتی خود را بر امور جاری کشور ایفا کنند. آیت اللّه خامنه ای چنان به نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی تأکید دارد که معتقد است بر اساس نقش مردم در جامعه اسلامی، می توان یک نظریه جدید به نام مردم سالاری دینی ارائه کرد که با دمکراسی غربی متفاوت است و کارآیی آن نیز بیشتر از دمکراسی غربی است. بر این اساس، ما در آغاز می کوشیم به بررسی مبنای نظری مردم سالاری دینی یا به بیان دیگر، نقش و جایگاه مردم در حکومت دینی از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای بپردازیم و سپس چگونگی ارتباط مردم با ولایت فقیه را بیان کنیم.

الف) دیدگاه اسلام درباره حکومت بر مردم

از نظر آیت اللّه خامنه ای، «حکومت بر مردم، حقی است از سوی مردم و متعلق به

مردم و باید در خدمت مردم به کار رود. این نظر اسلام است». (۱)

آیت اللّه خامنه ای درباره نقش مردم در نظام اسلامی می گوید:

نظـام اسـلامی، متکی به مردم و متعلق به مردم و در اختیار مردم خواهـد بود. مجلس شورای اسـلامی که در آزادی و اسـتقلال رأی در جهان بی نظیر است، مظهر اراده مردم و رئیس جمهور، وکیل و برگزیـده مردم و مـدیران کشور، آحادی از مردمنـد و مردم دارای حق رأی و بیان و تصمیم در کلیه امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اند. (۲)

به باور ایشان، در نظام های الهی ـ مردمی، مردم مورد اعتماد هستند و قدرت ها به مردم با حسن خلق می نگرند. «قدرت های الهی و مردمی، به مردم اعتماد می کننـد. به مردم با حسن ظن نگاه می کننـد. از مردم کمک می خواهند، از کمک های مردم استفاده می کنند، از مردم نظر می خواهند، احساسات مردم و افکار مردم را به چشم احترام می نگرند. اگر چه البته آن افکار و احساسات را در مواردی هدایت می کنند». (۳)

ب) حضور مردم در صحنه ها

آیت اللّه خـامنه ای افزون بر اینکه می گویـد مردم در نظـام اسـلامی سـهم بسـزایی دارنـد و دولت هـا نیز بایـد از کمک مردم استفاده کنند، حتی یک گام، جلوتر می گذارد و بیان می دارد که مردم باید حضور پررنگ تری در صحنه ها داشته باشند:

۱- . علی خامنه ای، حکومت در اسـلام، تهران، روابط عمومی و نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشـگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۸۰.

۲- . راه امام؛ راه ما، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۷.

۳- . حکومت در اسلام، ص ۹۰.

مردم باید در صحنه ها هر چه بیشتر حضور داشته باشند. مردم باید نسبت به مسائل هر چه بیشتر اظهارنظر کنند. از مردم باید نظرخواهی شود و خواسته شود و خواسته های مردم مورد مطالعه قرار گیرد. مردم باید ابتکار بسیاری از حرکات را مثل همه دوران هایی که مردم در آنها سررشته دار امور بودند، در دست داشته باشند و همه چیز مردم بایستی مورد توجه زمام داران و سردمداران و مدیران جامعه قرار بگیرد. (۱)

به باور آیت اللّه خامنه ای، در نظام اسلامی، مدیران و مسئولان نظام باید قدر حضور مردم را بدانند و از احساسات مردم و از حضور مردم در صحنه به نفع اسلام و مسلمانان استفاده کنند. ایشان بر این باور است که مردم می توانند حکومت را از افتادن در ورطه استبداد حفظ کنند و مانع خودکامگی حاکمان و مسئولان نظام اسلامی شوند.

ج) مردم، مهم ترین پایه جمهوری اسلامی

ایشان خطاب به مردم می فرماید:

جمهوری اسلامی به پایه های راسخ، مستحکم است و مهم ترین پایه این جمهوری و راسخ ترین عمود این خیمه، شما مردم هستید. هر دولتی، استحکام و اراده و آگاهی و آمادگی شما را داشته باشد، آسیب ناپذیر است. (۲)

د) نفی دولت سالاری

از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای، در اداره جامعه باید به دو مقوله مهم توجه کنیم: اول اینکه در اسلام، دولت سالاری نفی شده است؛ یعنی دست مردم از فعالیت های

۱- . حکومت در اسلام، صص ۱۲۰ _ ۱۲۱.

۲- . حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۴۸.

گوناگون کوتاه نشده است و تمام امور به دست دولت انجام نمی شود. مقوله دوم، توجه به مشارکت مردم در اداره جامعه است. در حکومت اسلامی، به مردم اجازه داده می شود که در بسیاری از امور جامعه مشارکت کنند. «مشارکت مردم، یعنی بار اداره جامعه را دولت به تنهایی بر دوش نگیرد؛ با کمک مردم بگیرد که این چیز، بسیار منطقی است. اولاً ـ در اندیشه اسلامی و جهان بینی اسلامی، این دارای ریشه های محکمی است. شما در اسلام ملاحظه خواهید کرد که دولت سالاری به طور کلی در هیچ جای اسلام وجود ندارد». (۱)

آیت اللّه خامنه ای درباره شاخصه های مکتب سیاسی امام خمینی رحمه الله می فرماید:

از دیدگاه امام، مردم سالاری از متن دین اسلام گرفته شده است؛ نه از مکاتب غربی و به این دلیل، در مکتب سیاسی امام، مردم هم دارای ارزش و کرامتند و هم در اداره جامعه نقش تعیین کننده ایفا می کنند.

در مردم سالاری حقیقی که امام ارائه کرد، رأی و خواست مردم علاوه بر تأثیر عمیق در اداره جامعه، نوعی اقتدار به نظام سیاسی می بخشد و امام با تکیه بر قدرت اراده پولادین مردم، در مقابل همه قدرت های جهانی ایستاد. (۲)

ه) مردم سالاری دینی

اشاره

از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای، حکومت اسلامی در اداره جامعه، نقش ویژه خود را دارد و چنان نیست که با به کارگیری روش های غربی بخواهد به هدف هایش برسد. علت این امر نیز در ارزش مدار بودن روش هاست و اینکه هر روشی بر

۱- . حدیث ولایت، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲- . روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴/۳/۱۳۸۳.

ارزش هایی مبتنی است که کاربرد آن را محدود می سازد. بنابراین، چون حکومت اسلامی، ارزش های ویژه خود را دارد، بی گمان، باید روش حکومتی ویژه ای نیز داشته باشد. این روش در عین مخالفت با دمکراسی غربی، با استبداد و دیکتاتوری نیز تضاد دارد که ایشان از آن به مردم سالاری دینی تعبیر کرده است.

یک _ اصول مردم سالاری دینی

اشاره

اکنون اصول مردم سالاری دینی را در اداره جامعه اسلامی از دیدگاه حضرت آیت اللّه خامنه ای برمی شماریم.

اصل اول _ حق مداری

مراجعه به رأی مردم و تلاش برای پاسخ گویی به نیازمندی های مشروع ایشان که دو بعد مردم سالاری دینی را تشکیل می دهد، از آن رو ضروری است که خداوند، مردم را در این دو زمینه، صاحب حق قرار داده است. بنابراین، نظام اسلامی نه از باب لطف، بلکه از باب وظیفه، مردم سالاری دینی را گردن می نهد و اجرا می کند.

«در نظام اسلامی، اداره کشور، به معنای حاکمیت کسی یا کسانی بر مردم و حق یک جانبه نیست، بلکه حق دو جانبه است و حق طرف مردم، کفه سنگین تر است». (۱)

اصل دوم _ ارزش مداری

در نگرش اسلامی، مردم سالاری دینی، هرگز به معنای نفی ارزش مداری نیست و در حقیقت، توده های مسلمانان مورد نظرند. پس این تصور که می توان ایمان و ارزش های دین مردم را به بازی گرفت و با طرح دمکراسی، به جنگ مبانی ارزشی نظام اسلامی رفت، باطل است و با معنای مردم سالاری دینی، هم خوانی ندارد. «نباید عده ای تصور کنند که افکار عمومی، یک منطقه آزاد است که بتوان به ایمان

۱- . روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۱/۱۱/۱۳۷۹.

و عواطف، باورها و مقدسات مردم با تحلیل های غلط، شایعه سازی و تهمت و دروغ آسیب رساند». (۱)

اصل سوم ـ مردم محوری (رضایت)

مردم در حکومت اسلامی، خود را ولیّ نعمت و مملکت و حکومت را متعلق به خود می دانند. ازاین رو، تلاش نظام در جهت تحقق آرمان ها و شعارهای بیان شده را با خواسته های خود مطابق یافته اند و از آن کمال رضایت را دارند. «در نظام اسلامی، کشور متعلق به مردم و اصل مردم است.» (۲) به طور کلی، «در نظام مردم سالاری دینی، رسیدگی به امور مردم، تأمین رفاه و آسایش و حل مشکلات آنان... یک اصل مهم است». (۳)

اصل چهارم ـ قانون محوری

چون التزام به قانون و رعایت حدود قانونی، شیرازه امور و انسجام ملی است، مردم سالاری نیز نمی تواند به نوعی تعریف شود که مایه نقض قانون شود و چارچوب اصلی نظام را نشانه رود. به همین علت، آیت اللّه خامنه ای با اشاره به اهمیت قانون در حیات جمعی و تأکید بر مبنا بودن اصل قانون گرایی در تحقق عدالت می گوید:

توسعه همه جانبه و پیشرفت کشور بدون عدالت، امکان پذیر نیست و عدالت تنها با استقرار قانون، تحقق می یابد. (۴)

۱- . روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰/۱۲/۱۳۷۹.

۲- . روزنامه جمهوری اسلامی، آذر ۱۳۷۹.

۳- . روزنامه جمهوری اسلامی، آذر ۱۳۷۹.

۴- . روزنامه کیهان، ۲۹/۸/۱۳۷۹.

از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای، مردم سالاری دینی بر دو وجه است:

یک وجه آن، نقش مردم در تشکیل حکومت و انتخاب مسئولان [است]؛ وجه دیگر آن، رسیدگی به مشکلات مردم [است]که بر همین اساس، مسئولان باید مشکلات مردم را به طور جدی پی گیری و رسیدگی نمایند. (۱)

دو _ نقش مردم در تحقق ولایت فقیه

پس از بیان نقش مردم در حکومت اسلامی و چگونگی مشارکت آنان در این نظام، به بیان نقش مردم در انتخاب ولیّ و حاکم جامعه می پردازیم که آیا مردم در نظام اسلامی می توانند در انتخاب ولیّ و حاکم جامعه نقش داشته باشند؟

آیت اللّه خامنه ای در پاسخ به این پرسش معتقد است اگر چه امامان معصوم علیهم السلام را خداوند گماشته بود، ولی معیارها و ملاک هایی نیز برای تشخیص مردم قرار داده بود. «پس منطق شیعه در این مسئله، بسیار منطق ظریف و دقیقی است. ضمن اینکه نصب خدا را از قرآن احساس و استنباط می کند، معیارها و ملاک ها را هم به دست مردم می دهد که فریب نخورند. علی بن ابی طالب روی سر ما، روی چشم ما و جانشین او هارون الرشید هم همین طور. منصور عباسی می گفت امام حسن علیه السلام را به عنوان خلیفه قبول داریم، اما ایشان پول گرفته است و خلافت را فروخته است. پس حق خلافت ندارد و ما هم از آنهایی که خلافت را به آنها فروخته بود، خلافت را به زور گرفتیم... . اما شیعه می گوید این حرف درست نیست و اگر تو حکومت علی را قبول داری، باید معیارهای خلافت و ولایت را هم قبول داشته باشی. ... پس اگر کسی در او این معیارها نبود، یا ضد این معیارها

۱- . روزنامه جمهوری اسلامی، ۱/۹/۱۳۷۹.

در او بود، این آدم حق ندارد خودش را جانشین علی بن ابی طالب، معرفی کند. حق ندارد ولایت شیعه را و ولیّ امر بودن را ادعا کند و کسی حق ندارد از او بپذیرد». (۱)

بنابراین، در نظام اسلامی، مردم حق انتخاب دارند و باید بر اساس معیارهایی که برای حاکم و فرمان روای اسلامی بیان شده است، تحقیق و جست وجو کنند و بر اساس آن معیارها، فرد مورد اطمینان و دارای ویژگی ها و شرایط خاص را برای امر خطیر رهبری جامعه اسلامی انتخاب کنند.

آیت اللّه خامنه ای در تبیین نقش مردم در موضوع ولایت فقیه می گوید:

کسی که دارای علم و تقوا و درایت است، از طریق رأی مردم و به وسیله مجلس خبرگان انتخاب می شود؛ یعنی انتخاب با مردم است. (۲)

ایشان در سخنرانی ۱۴ خرداد سال ۱۳۸۳، با اشاره به بهره مندی ولایت فقیه از ضابطه های دینی و رأی و خواست مردم می فرماید:

علم، تقوا و درایت، ضابطه های اصلی ولایت فقیه است و اگر هر یک از این معیارها از بین برود، دیگر آن فرد ولی فقیه نخواهد بود؛ حتی اگر مردم همه او را قبول داشته باشند. (۳)

از آنچه بیان شد، برمی آید که مردم در انتخاب ولیّ فقیه، نقش مستقیم دارند. البته انتخاب مردم نیز باید بر اساس معیارها و ویژگی هایی باشد که در اسلام مشخص شده است. پس مردم نمی توانند هر فردی را برای رهبری برگزینند. از

۱- . ولایت، صص ۷۶ و ۷۷.

۲- . روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶/۳/۱۳۸۳.

۳- . روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶/۳/۱۳۸۳.

سوی دیگر، اگر ولیّ فقیه، شرایط و ویژگی های خود _ اگر چه یک ویژگی _ را از دست بدهد، حتی اگر مردم نیز خواستار وی باشند، این فرد نمی تواند ولی فقیه باشد.

آخرین پرسشی که در بحث قدرت از سوی تیندر مطرح می شود، آن است که اگر هیچ کس شایسته به دست گرفتن قدرت نیست، انسان چگونه می تواند با عزت و احترام زندگی کند؟

در پاسخ به این پرسش از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای، پیش تر بارها بیان کردیم که بر اساس مؤلفه های دین مبین اسلام، خداوند حاکم واقعی و سرپرست جامعه است. وجود خداوند ازلی است و وجود حاکمی انسانی ضروری است تا خدا این حاکمیت را به او واگذارد. به باور آیت اللّه خامنه ای، در اندیشه اسلامی، نیاز به حکومت همیشگی است و روزی نخواهد آمد که نیاز به حکومت و دولت نباشد. «تز اسلامی نمی گوید روزی خواهد آمد که نیاز به حکومت نباشد، در حالی که بعضی از مکتب ها پیش بینی می کنند آن روزی را که در جامعه، دولت و حکومت نباشد، در حالی که بعضی از مکتب ها پیش بینی می کنند آن روزی را که جامعه ایده آل [باشد]و یکی از خصوصیاتش این است که دیگر دولت و حکومت در آن جامعه نیست، ولی اسلام این پیش بینی را نمی کند». (۱)

همچنین به نظر آیت اللّه خامنه ای، همواره در زندگی انسان ها باید قانون حاکم باشد و فردی باشد که بر این قانون، نظارت کند.

۱- . ولایت، ص ۷۸.

فصل ششم: محدودیت های قدرت

اشاره

تینـدر در بحث محـدودیت هـای قـدرت، نخست انواع محـدودیت قـدرت را بیـان می کنـد و بر آن است که محـدودیت های قدرت، دو دسته اند:

۱. محدودیت های اخلاقی قدرت

اشاره

پیش از بیان محـدودیت های اخلاقی قـدرت از دیـدگاه آیت اللّه خامنه ای، بایـد گفت به باور ایشان در بحث رعایت اخلاق، منظـور از حـاکم تنهـا یـک فرد، منصب یـا شـخص نیست، بلکه همه کسـانی که به گـونه ای در حکومت اثرگذارنـد و عضـو دستگاه حاکم و زمام دار ملت اسلامی به شمار می آیند، موظفند. البته وظایف آنها که به مرکز نزدیک ترند، سنگین تر است. آنها که مسئولیتشان سبک تر و موقعیت اجتماعی و شغلی شان اهمیت کمتری دارد، این وظیفه نیز در مورد آنها کمتر است.

آیت اللّه خامنه ای معتقد است برخی از ویژگی ها در حاکم اسلامی وجود دارد که ابزار مراقبت درونی او به شمار می آیند.

الف) تقوا

به اعتقاد آیت اللّه خامنه ای، نخستین بازدارنده درونی حاکم، تقواست:

در حاکم اسـلامی، شـرط تقوا یک شـرط اصـلی است و همه دست اندرکارانی که کارگزار حکومت اسـلامی هسـتند، باید به فراخور مسئولیتی که بر دوش دارند، دارای تقوا و مراقبت و ملاحظه احکام الهی باشند... .

در اسـلام، کوشـش شـده که همه امتیـازات، جز امتیازات معنوی، جز تقوا، جز عبودیت در مقابل پروردگار ملغی بشود که این امتیازات هیـچ وقت صاحب خود را به تکبر سوق نمی دهـد. آدم باتقوا و انسانی که بنده خداست، وقتی که می فهمد به خاطر این خصلت امتیاز دارد، این

امتیاز موجب عجب و غرور او نمی شود. (۱)

ب) ایمان

یکی دیگر از بازدارنـده هـای درونی کـه از دیـدگاه آیـت اللّه خـامنه ای در مراقبت و محـدود کردن حـاکم نقش دارد، بحث ایمـان است. به ویژه در حاکمـان و فرمان روایان که به دلیل قـدرت داشـتن، احساس بی نیازی از دیگران می کننـد، ایمان می تواند نقش مؤثری ایفا کند.

ایشان در این زمینه می فرماید:

انسانی که امکانات مادی در اختیار اوست، خزانه ثروت ملی در دست اوست، کلیدهای کار و تلاش و تولید در اختیار اوست، طبیعی است که زودتر از دیگران احساس استغنا و بی نیازی بکند. مگر آنکه انسان هایی که دارای یک ایمانی باشند که ایمان آنها، آنها را از این لغزش بزرگ محفوظ بدارد. (۲)

ج) تواضع الهی

از دیگر مواردی که آیت اللّه خامنه ای به عنوان بازدارنده درونی مطرح می کند، تواضع الهی است:

قرآن کریـم بـه پیغمـبر اکرم صـلی الله علیـه و آلـه کـه بزرگ ترین شخصـیت است، دسـتور می دهـد و می فرمایـد: «و اخفض جناحك لمن اِتَّبَعَکَ من المؤمنین؛ در مقابل مؤمنین متواضع باش.» (شـعرا: ۲۱۵) و افتخـار کن که در مقابل مؤمنین تواضع می کنی. حاکم اسلامی و حاکم الهی که قلبش به ایمان به خدا روشن و مستور است، این طوری است... این حالت تواضعی که

۱- . حکومت در اسلام، ج ۲، ص ۱۱.

۲- . حکومت در اسلام، ج ۲، ص ۹۰.

در چهره پیغمبران و حکام محدود اسلامی در طول تاریخ مشاهده می شود، یکی از کلیدهای نجات مردم و ملت هاست. اگر همین یک خصوصیت را حکام موجود دنیا، همین هایی که سرکار هستند، با دین ها و فکرها و روش های مختلف، همین یک خصوصیت را به دست آورند؛ یعنی خودشان را کوچک بدانند، حقیر بدانند، خود را بزرگ تر از مردم نبینند، مسائل همه درست خواهد شد، مشکلات حل خواهد شد... . (۱)

هم مردم و هم مسئولین دولتی موظفند که تواضع را، خودکوچک بینی را، وضع جناح را یکی از بزرگ ترین وظایف خودش بدانند. این یکی از مصداق های بارز تقواست. (۲)

ایشان در جایی دیگر می گوید:

مخصوصاً مسئولین دولت و کارگزاران دستگاه اجرایی کشور و آن کسانی که کارهای مردم دست آنهاست، اینها یعنی حاکمان الهی، زمام داران مورد قبول و رضایت خدا، یعنی پیامبران و اوصیای پیامبران، در مقابل خلق اللّه، در مقابل مردم و کسانی که جزو توده های مردمند و به چشم نمی آیند، خودشان را کوچک می کردند. در مقابل آنها تواضع می کردند و آنها را از خودشان بالاتر می دانستند. این وظیفه همه مسئولان کشور و همه کسانی است که کارها دست آنهاست. چه در طبقات بالا و رتبه ها و مسئولیت های بزرگ تر و چه مراتب مسئولیت های دولتی و کسانی که مردم با اینها سر و کار دارند. (۳)

۱- . حکومت در اسلام، ج ۲، ص ۷۹.

۲- . حکومت در اسلام، ج ۲، ص ۹۸.

۳- . حکومت در اسلام، ج ۲، ص ۱۰۰.

د) محاسبه نفس

یکی دیگر از مواردی که رعایت آن برای حاکم اسلامی ضروری است، محاسبه نفس است. «محاسبه نفس، مربوط به همه است، اما حاکم اسلامی با محاسبه خود، در حقیقت در سرنوشت یک ملت دقت و مراقبتی بیشتر اعمال می کند؛ با نداشتن هوس، جاه طلبی و حکم رانی و مطلق العنانی و خودسری که اینها جزو خصوصیات اخلاق لازم برای زمام دار اسلامی است». (۱)

ه) قناعت

آیت اللّه خامنه ای معتقد است از جمله ویژگی هایی که در حاکم اسلامی موجود است، عبارتند از: «علم، شرح صدر و تحمل سختی ها، تندی ها، اعوجاج ها، کج خلقی ها و تحریک نشدن به معرکه های کوچک و بلندنظری. همچنین از جمله این خصوصیات، عبارت است از قناعت در زندگی شخصی؛ به کم قانع بودن در خوراک و پوشاک، در مسکن و مرکب و بقیه چیزهایی که امور زندگی شخص انسان به حساب می آید». (۲)

بنابراین، می توان گفت از دیدگاه ایشان، تقوا، ایمان، تواضع الهی، محاسبه نفس، قناعت، تحمل سختی ها و بلندنظری، از جمله محدودیت ها یا به عبارتی، مراقبت های درونی و اخلاقی برای دولت یا افراد مسئول در دولت اسلامی هستند.

۲. محدودیت های قانونی دولت

اشاره

پیش از بیان محدودیت های قانونی دولت از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای باید گفت

۱- . حکومت در اسلام، ج ۲، ص ۱۴۰.
۲- . حکومت در اسلام، ج ۲، ص ۱۴۰.

به بـاور ایشـان «برابری و انحصـارطلب نبودن حـاکم اسـلامی، اولاًـ مخصوص خود حـاکم در اسـلام نیست؛ یعنی حکومت در اسلام یک نفر نیست؛ اگر چه ولیّ امر مسلمین و حاکم و زمام دار یک نفر در رأس است، اما مجموعه دستگاهی که حکومت می کنـد، عینـاً مثـل آن شـخص از لحـاظ برابر بودن بـا مردم و اجـازه انحصـارطلبی نداشـتن، ماننـد اوست و محکوم به احکام اوست؛ یعنی یـک رئیس اداره هم، آن قـدری که از بیت المـال، مسـلمین در اختیـار اوست و در زیر دست اوست، بایـد آن را متعلق به همه بداند و اگر خود او از آن اموال استفاده می کند، فقط در هنگام خدمت به مردم باشد و جز برای خدمت به مردم برای هیچ مقصود دیگری از اموال مسـلمانان اسـتفاده نشود... و همه مسئولین ادارات و کارگزاران حکومت در سطوح مختلف مثل شخص حاکم اسلامی هستند که باید روح انحصارطلبی در آنها مطلقاً وجود نداشته باشد». (۱)

الف) قانون های الهی

از نظر آیت اللّه خـامنه ای، نخستین محـدودیت برای قـدرت، قـانون هـای الهی است و چون نظام ما نظامی اسـلامی است و در رأس حکومت، ولی فقیه قرار دارد، نخستین محـدودیت قـانونی، قـانون هـای الهی است. نظـام و جامعه اسـلامی بایـد بر اساس قوانین الهی باشد و همراه با آن قانون ها حرکت کند و انحراف از قانون های الهی هرگز پذیرفتنی نیست:

در مواردی، فقط موعظه و تربیت کافی نیست. یک حـدود قانونی هم لازم هست گذاشـته شود که بسـیاری از حـدود و قوانین اسـلامی در امور مالی یا اجتماعی برای همین است که افراد انسان را از تجاوز و تخطی از حق خود و اندازه خود مانع شود. اما در مورد حاکم، یعنی کسی که

۱- . حکومت در اسلام، ج ۲، ص ۴۰.

پول، سلاح، نیرو و نفوذ کلمه دارد و سیاست می داند، درباره چنین کسی، اسلام تأکید بیشتری می کند و به موعظه کردن اکتفا نمی نماید. (۱)

از لحاظ حقوق و احکام و حدود، حاکم مثل دیگران است؛ یعنی دستگاه قضاوت اسلامی، امیرالمؤمنین را هم به قضاوت می خواهد و او را هم محاکمه می کند. از او هم دلیل می خواهد. ادعای امیرالمؤمنین را هم بدون بینه شرعی قبول نمی کند و آن وقتی که امیرالمؤمنین بینه شرعی ندارد و طرف مقابل او یک یهودی است و زره امیرالمؤمنین در دست اوست، امیرالمؤمنین مدعی است که این زره مال من است و او منکر است، امیرالمؤمنین طبق موازین شرعی باید بینه اقامه کند که این زره مال من است؛ یعنی شاهد بیاورد و چون شاهدی ندارد و نمی تواند بینه اقامه کند، حاکم حکومت اسلامی که خودش منصوب امیرالمؤمنین هم هست، حکم را به نفع آن یهودی صادر می کند. (۲)

بنابراین، در حکومت اسلامی، نخستین ملاک، رعایت قوانین الهی است؛ هر چند این قوانین به ضرر حاکم باشد و آنچه مهم است، عمل بر اساس قوانین الهی است. پس نخستین عامل قانونی در محدود کردن قدرت، قوانین الهی است که باید برابر آن قوانین عمل شود.

ب) قانون اساسی

از نظر آیت اللّه خامنه ای، دومین عامل قانونی که سبب محدود کردن قدرت حاکم می شود، قانون اساسی است که برگرفته از قوانین الهی است و می توان آن را

۱- . حکومت در اسلام، ج ۲، ص ۳۵.
۲- . حکومت در اسلام، ج ۲، صص ۴۰ و ۴۱.

زیرمجموعه قوانین الهی شمرد، ولی برای مشخص کردن نقش قانون اساسی در محدود کردن قدرت، از آن به عنوان بحثی مستقل یاد می شود.

آیت اللّه خامنه ای درباره قانون اساسی می گوید:

البته شکل قانون اساسی ما آن چنان شکلی است که بروز بیماری های صعب العلاج را در حکومت اسلامی مشکل می کند. ... علت هم این است که حکومت در جامعه اسلامی، تابع ارزش ها و معیارهای معنوی است. (۱)

همچنین ایشان می گوید:

در قانون اساسی، رهبری، رئیس جمهور، رئیس قوه قضاییه و دیگر مسئولان کشور با آحاد مردم در قبال قوانین هیچ تفاوتی ندارند. هیچ کس بالاتر از قانون نیست. ... آنجایی که قانون در میان است، همه یکسانند. (۲)

به اعتقاد آیت اللّه خامنه ای، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانونی پیشرفته، استوار و بسیار هوشمندانه است:

بر اساس این قانون، همه چیز در جای خود قرار گرفته است. توصیه من به همه مسئولان، به همه مراکز قانون گذاری، به همه مراکز قانونی و به همه آحاد ملت، رعایت قانون است. (۳)

ج) مردم

اشاره

هم بر اساس آموزه دینی و قوانین الهی و هم بنا بر قانون اساسی جمهوری اسلامی

۱- . حکومت در اسلام، ج ۲، ص ۱۳.
۲- . راهبردهای اساسی خدمت گزاری، تهران، تدوین مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲، چ ۱، ص۲۸۸.
۳- . راهبردهای اساسی خدمت گزاری، تهران، تدوین مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۲۸۶.

ایران، از جمله مهم ترین راه های محدود کردن قدرت و به بیان بهتر، نظارت بر قدرت دولت، مردم هستند که از راه های گوناگون می توانند قدرت را مهار و محدود کنند و در واقع، مانع انحصارطلبی و استبداد دولت ها شوند.

آیت اللّه خامنه ای معتقد است مردم از راه های گوناگون می توانند قدرت را محدود یا بر آن نظارت کنند که عبارتند از:

یک _ اطاعت نکردن از قدرت

ایشان می گوید چنین نیست که فرض کنیم در جامعه ای، فرماندار خودسر و متکبری وجود داشته باشد و علاجی برای درمان او نباشد. علاج هایی وجود دارد که مهم ترین آن توجه مردم است:

مردم اگر متوجه باشند و هوشیار باشند، اگر نشانه های کبر و غرور و خودخواهی را در زمام داران فورا ببینند و بشناسند و خیرخواهانه اعتراض کنند و اگر احساس کردند که زمام دار درصدد رفع این بیماری نیست، در مقابل او تعرض کنند، یقینا این بیماری علاج خواهد شد. لذا درباره تکبر افراد، زمام داران، سردمداران جوامع و کل نظام ها، امیرالمؤمنین بحث می کنند. در یکی دو جا، خطاب به مردم می گویند که اگر احساس کردید یک جا مسئولان و سردمداران جامعه تکبر به خرج می دهند و آن شأنی را که اسلام برای زمام دار قرار داده، آن شأن را برای خودشان کم می دانند، بالاتر از آن را می خواهند یقینا از آنها اطاعت نکنید. این آخرین علاج و دواست، اما قبل از آنکه به این علاج برسیم، یقینا علاج های دیگری هم وجود دارد. خود مسئولان مراقب باشند. (۱)

۱- . حکومت در اسلام، ص ۱۰۸.

دو _ اعتراض

یکی دیگر از راه هایی که مردم می توانند از راه آن قدرت را محدود کنند، اعتراض است. آنان با این شیوه می توانند حاکمان و فرمان روایان را از کج روی و خطایشان آگاه سازند. آیت اللّه خامنه ای در این زمینه می گوید:

اگر اعتراض مردم را شنیدند، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. اگر حق را به مردم دادند، مردم را طلبکار دانستند و نه خودشان را طلبکار مردم، بسیاری از فسادها از بین خواهد رفت و شاید در دل های باانصاف، این اثر را ببخشد که اگر با این چشم به خودشان نگاه کنند، امانت حکومت را به دیگران واگذار کنند و رها کنند. (۱)

سه _ حضور در صحنه

یکی از عواملی که از فرو افتادن دستگاه های زمام داری و مسئولان به ورطه استکبار جلوگیری می کند، حضور مردم در صحنه های مختلف است. آیت اللّه خامنه ای خطاب به مردم می فرماید:

عامل بزرگ حفظ دستگاه های زمام داری از افتادن در دام استکبار و طاغوتیان، خود شما هستید. مردم هستند که می توانند زمام داران و مسئولان جامعه را از فرو غلتیدن در گرداب استکبار حفظ کنند. هر جا که مردم باشند، هر چه مردم بگویند، هر جا مردم بخواهند، هر جا مردم احساساتشان را ابراز کنند، هر جا مردم در صحنه های عظیم مردمی مثل نمازجمعه و بقیه صحنه های گوناگون مردمی حضور بیشتری داشته باشند، آنجا نقش مردم برجسته تر است. (۲)

۱- . حکومت در اسلام، ص ۸۰.

۲- . حکومت در اسلام، ص ۱۲۲.

در جمع بندی موضوع محدودیت های قانونی قدرت، می توان گفت از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای، در مرحله اول، این محدودیت ها از راه قوانین الهی اعمال می شود و در مرحله بعد، از طریق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در آن، برای دولت و زمام داران حکومت اسلامی، حقوق و وظایفی آمده است. پس این محدودیت ها بر اساس آموزه های دینی و نیز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برخاسته از قوانین الهی است، اعمال می شود. یکی از مهم ترین عواملی که می تواند در محدود کردن قدرت نقش داشته باشد، مردم هستند که راه های اعمال این محدودیت ها بیان شد.

۳. اختیارات دولت و نفی دولت سالاری

یکی از پرسش هایی که تیندر در بحث محدودیت های قدرت، مطرح می کند این است که: آیا عمل دولت ها با استفاده از شر برای تحقق خیر موجه است؟

در پاسخ به این پرسش، آیت اللّه خامنه ای معتقد است دولت در اسلام دو ویژگی اساسی دارد: از یک سو، اسلام به دولت اختیارات فراوانی می دهد، به گونه ای که وقتی ضرورت ایجاب کند، حاکم اسلامی از اختیارات فوق العاده ای برخوردار است. ویژگی دوم دولت در نظام اسلامی این است که ساختار دولت سالاری هرگز در اسلام نیست. «از شگفتی هایی که وجود دارد، یکی این است که در اسلام دولت، اختیارات زیادی دارد. دو ویژگی مهم وجود دارد که اینها در کنار هم یک بافت شایسته را در دولت اسلامی به ما نشان می دهد؛ یکی اختیارات وسیع دولت اسلامی است. حاکم اسلامی در هنگام ضرورت، آن وقتی که نیازهای جامعه ایجاب و اقتضا می کند، از اختیارات فوق العاده ای برخوردار است. اگر با این دید نگاه بکنیم، دولت جمهوری اسلامی هیچ محدودیتی در هیچ یک از کارهایی که بر عهده اوست، ندارد؛ همان طور که امام یک وقتی در یکی از سخنرانی هایشان فرمود حتی دولت اسلامی و حاکم برحق اسلامی می تواند از

مردم اموال شخصـی آنها را هم آنجایی که مصالـح عمومی ایجاد و اقتضا می کنـد، بگیرد. لباس آنها را، خانه آنها را، اتومبیل آنهـا را، سـرمایه آنها را، آنجایی که احتیاجات عمومی جامعه اسـلامی است، آنجایی که مسـئله، مسئله مرگ و زنـدگی برای جـامعه و برای مصالـح عمومی انقلاب است، می توانـد از آنهـا بگیرد. یک چنین اختیاراتِ وسـیعی را در اختیار دولت اسـلام گذاشـتند. این یـک طرف قضـیه است. امـا از آن طرف قضـیه، سیسـتم دولت سالاری مطلقاً در اسـلام نیست؛ یعنی از کارهای گونـاگون در بخش هـای تولیـدی، در بخش هـای خـدمات، در بازرگـانی، در آموزش و پرورش و در بخش هـای گوناگون دیگر، دست مردم را کوتـاه کردن و این کارها را به دولت اختصاص دادن، چنین چیزی مطلقاً در اسـلام وجود نـدارد. ... البته یک وقت دولت اسـلامی مصـلحت می داند، به خاطر یک ضـرورت و یک کاری، یک بخشی را اختصاصاً در اختیار بگیرد و دست هـای کسانی را که یا نمی تواننـد یا سوء اسـتفاده می کننـد، از آن بخش کوتاه کنـد؛ همان طور که گفتیم آن وقتی که ضرورت ایجـاب کنـد، هیـچ اشـکالی هم نـدارد، اما اینکه این یک قانون و یک شـکل و یک سیسـتم و یک رویه برای دولت جمهوری اسلامی باشد، چنین چیزی وجود ندارد». (۱)

از آنچه بیان شد، می توان نتیجه گرفت دولت اسـلامی برای سازمان دهی امور عمومی و اجتماعی و اموری که به مصـلحت یا به زیان جامعه باشد، اختیارات فراوانی دارد و هر چه را تشخیص دهد به سود یا زیان جامعه است، می تواند انجام دهد؛ هرچند در مواردی به افرادی از جامعه زیانی هم برسد.

۱- . حکومت در اسلام، ص ۱۳۲.

۴. تعیین حوزه قدرت سیاسی

پرسش دیگری که تینـدر در بحث محدودیت های قدرت مطرح می کند، این است که حوزه قدرت سیاسـی را چه چیز تعیین می کند؟ آیا این امور، ملاحظه های عملی آنی است یا محدودیت های از پیش تعیین شده است؟

پیش تر در بحث محـدودیت هـای قـانونی بیان کردیم که در نظام اسـلامی، برخی محـدودیت ها ناشـی از قوانین الهی است و برخی دیگر از محدودیت ها، از قانون اساسـی و دیگر قانون های موجود در نظام اسـلامی سرچشـمه می گیرد. در تعیین حوزه قدرت سیاسـی نیز همین گونه است. مهم ترین مسئله ای که حوزه قدرت سیاسی را در دولت اسلامی مشخص می کند، قوانین شرع و دین مقـدس اسـلام است. بر این اسـاس، آیت اللّه خـامنه ای می فرمایـد در نظام اسـلامی، قانون صـلح و جنگ، روابط اجتماعی، حکومت، حقوق و مسائلی از این دست را خـدا و دین خدا تعیین می کند. «جامعه اسـلامی، یعنی آن جامعه ای، آن تمـدنی که در رأس جامعه، خدا حکومت می کند. قوانین آن جامعه، قوانین خدایی است. حدود الهی در آن جامعه جاری می شود. عزل و نصب را خـدا می کنـد. ... در رأس مخروط، خـداست و پـایین تر از خـدا، همه انسـانیت و همه انسـان ها هسـتند. تشـکیلات را دین خـدا به وجود می آورد. قانون صـلح و جنگ را مقررات الهی ایجاد می کند. روابط اجتماعی را، اقتصاد را، حکومت را، حقوق را، همه و همه را دین خـدا تعیین می کنـد و دین خدا اجرا می کند و دین خدا دنبال این قانون می ایسـتد. این جامعه اسلامی است». (۱)

ازاین رو، آیت اللّه خامنه ای معتقد است کارگزار حکومت با هر مسئولیتی که

۱- . ولایت، صص ۱۰ و ۱۱.

بر عهـده دارد، بایـد مراقب رعایت احکام الهی باشـد. «همه دست انـدرکارانی که کارگزار حکومت اسـلامی هسـتند، بایـد به فراخور سنگینی بار مسئولیتی که بر دوش دارند، دارای تقوا و مراقبت و ملاحظه احکام الهی باشند». (۱)

به باور آیت اللّه خامنه ای، ملاک قانون در جمهوری اسـلامی ایران، شـرع است و هر آنچه برخلاف شـرع باشـد، اعتبار ندارد. «آنچه خلاف شرع است، اعتبار ندارد. ملاک قانون، شرع است». (۲)

ازاین رو، در نظـام اسـلامی، حوزه قـدرت سیاسـی را محـدودیت های از پیش تعیین شـده در قوانین الهی تعیین می کنـد. البته شاید این پرسـش مطرح شود که پس چرا در حکومت اسـلامی، اختیارات دولت بسـیار گسترده است و حاکم می تواند گاهی برای خیر عمومی، به فعـالیت هـایی دست بزنـد که گـاه به زیـان برخی افراد جـامعه و در واقع، محـدودیت عملی آنهاست. در پاسـخ می توان گفت فعالیت های حاکمان در جامعه اسـلامی نیز بر اساس اجازه و تصویب قوانین الهی است. به عبارت دیگر، چنین اقدام هایی نیز باید در چارچوب قوانین الهی انجام شود.

۵. تمرکز قدرت سیاسی

پرسش بعدی این است که آیا باید در جامعه تنها یک مرکز اساسی قدرت وجود داشته باشد؟

آیت اللّه خامنه ای در پاسخ به این پرسش معتقد است در جامعه اسلامی باید فردی باشد که تمام نیروهای داخلی جامعه به آن فرد بپیوندند. لازم است یک رهبری، یک فرمانده و یک قدرت متمرکز در جامعه اسلامی وجود داشته باشد که

۱- . حکومت در اسلام، ص ۱۱.

۲- . راهبردهای اساسی خدمت گزاری، ص ۲۸۹.

این فرد بداند از هر کسی چه کاری برمی آید. «اگر در یک جامعه ای و یک امتی بخواهد ولایت قرآنی را به این معنا داشته باشد؛ یعنی بخواهد تمام نیروهای داخلی اش در یک جهت به سوی هدف، در یک خط به راه بیفتد و بخواهد تمام نیروهای داخلی اش علیه قدرت های ضد اسلامی در خارج بسیج شود، احتیاج به یک نقطه قدرت متمرکز در متن جامعه اسلامی دارد. به یک نقطه ای احتیاج دارد که تمام نیروهای داخلی به آن نقطه بپیوندند. همه از آنجا الهام بگیرند و همه از او حرف بشنوند و حرف گوش کنند و او تمام جوانب مصالح و مفاسد را بداند تا بتواند مثل یک دیده بان نیرومند قوی دست و قوی چشم، هر کسی را در جبهه جنگ به کار مخصوص خودش بگمارد. ... جامعه هم اگر بخواهد همه نیروهایش به صورت یک قدرت متراکم در آید، به طور کلی بتواند مثل مشت واحدی در مقابل جناح ها و صف ها و قدرت های متخاصم عمل کند، احتیاج به یک قدرت متمرکز دارد». (۱)

به باور آیت اللّه خامنه ای، بدون تمرکز قدرت، وحدت ممکن نیست:

جلوه دیگر از جلوه های ولایت که بسیار مهم و از همه مهم تر است و ضامن بقای ولایت به معنای اول و دوم هم [هست]، این است که جامعه، یک مرکز فرماندهی مقتدر در درون خود داشته باشد؛ چون جامعه اسلامی، حکم یک پیکر واحدی را باید داشته باشد که هم در داخل با یکدیگر متجاذب و متماسک باشند و هم در خارج مثل یک مشت واحد و یک تن در مقابل جبهه های خارجی عمل کنند و این وحدت بدون تمرکز نیروی اداره کننده ممکن نیست و چنانچه بر هر گوشه ای از گوشه های جامعه اسلامی، یک عاملی، یک قدرتی، یک

۱- . ولایت، صص ۳۵ و ۳۶.

قطبی حکومت بکند، اعضای این پیکر از یکدیگر جدا می شوند [و] در یک راه حرکت نمی کنند. (۱)

همچنین می توان گفت حفظ پیوستگی داخلی و نفی وابستگی های خارجی، به وجود قدرت متمرکز در جامعه اسلامی وابسته است: حفظ پیوستگی های داخلی و نفی وابستگی های خارجی، برای یک جامعه مسلمان متوقف است بر اینکه یک قدرت متمرکزی در جامعه اسلامی وجود داشته باشد تا همه نشاط ها و فعالیت ها و همه جهت گیری ها و موضع گیری ها و قطب ها و جناح های مختلف این جامعه را او رهبری و اداره کند. (۲)

بنابراین، در یک جامعه اسلامی، قدرت باید متمرکز باشد تا بتواند کارکردهای اصلی خود را انجام دهد.

۶. آزادی

اشاره

آخرین پرسش تیندر در این بخش آن است که آیا کسانی که در حکومت مبتنی بر قانون زندگی می کنند، به ضرورت آزادند؟

الف) اسلامی بودن مقوله آزادی

آیت اللّه خامنه ای در پاسخ به این پرسش که آیا «آزادی» مقوله ای است که اسلام نیز بر آن تأکید کرده است؛ یعنی آزادی، مقوله ای اسلامی است یا اینکه تنها واژه ای غربی است، می گوید:

مسئله آزادی، یکی از مقولاتی است که در قرآن کریم و در کلمات ائمه علیهم السلام به طور مؤکد و مکرر روی آن تأکید شده است. البته تعبیری

۱- . ولایت، ص ۵۲.

۲- . ولایت، ص ۶۸.

که در اینجا از آزادی می کنیم، مرادمان آزادی مطلق نیست که هیچ طرف داری در دنیا ندارد. فکر نمی کنم در دنیا کسی باشد که به آزادی مطلق دعوت بکند. مرادمان، آزادی معنوی هم که در اسلام و به خصوص در سطوح راقی معارف اسلامی هست، نیست. آن محل بحث ما نیست. آزادی معنوی، چیزی است که همه کسانی که معتقد به معنویاتند، آن را قبول دارند. محل رد و قبول نیست. منظور از «آزادی» که در اینجا بحث می کنیم، «آزادی اجتماعی» است. آزادی به مثابه یک حق انسانی برای اندیشیدن، گفتن، انتخاب کردن و از این قبیل. همین مقوله، در کتاب و سنت مورد تجلیل قرار گرفته است. قرآن می فرماید:

الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الاُمِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِنْدَهُمْ فی التَّوْراهِ وَ الانجِیلِ یَأْمُرُهُمْ بِالمعْرُوفِ وَ یَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ یُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّباتِ وَ یُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبائِثَ وَ یَضَعُ عَنْهُمْ إصْرَهُمْ وَ الأَغْلالَ الَتِی کانَتْ عَلَیْهِمْ. (اعراف: ۱۵۷)

خداوند یکی از ویژگی های پیامبر را این قرار می دهد که غل و زنجیرها را از گردن انسان ها برمی دارد. «اصر؛ یعنی تعهدات تحمیلی بر انسان ها را از آنها می گیرد». (۱)

به باور ایشان، حداکثر چیزی که غربی ها درباره خاستگاه و فلسفه آزادی می گویند، این است که آزادی، حق انسان است، ولی اسلام بالاتر از این را می گوید. اسلام، آزادی را امر فطری انسان می داند. اسلام هم معتقد است آزادی یک حق است، ولی حقی برتر از دیگر حقوق، مثل حق حیات و حق زندگی. چنان که حق زندگی کردن را نمی توان در ردیف حق مسکن و حق انتخاب و مانند آن گذاشت، آزادی نیز همین گونه است. بر این اساس، ایشان معتقد است دین،

۱- . پرسش و پاسخ، ص ۸۸.

بزرگ ترین پیام آور آزادی است و آزادی درست و معقول، مهم ترین هدیه دین به یک ملت و جامعه به شمار می آید.

از نظر آیت اللّه خامنه ای، میان آزادی از دیدگاه اسلام و غرب چهار تفاوت اساسی وجود دارد:

یک ـ در مکتب غربی لیبرالیسم، برای آزادی به دنبال یک خاستگاه و ریشه فلسفی هستند و در بحث آزادی، قائل نیستند که آزادی از سوی خداوند به بشر داده شده است، در حالی که در مکتب اسلام، آزادی ریشه ای الهی دارد. «در مکتب غربی لیبرالیسم، آزادی انسان، منهای حقیقتی به نام دین و خداست. لذا ریشه آزادی را هرگز خدادادگی نمی دانند. هیچ کدام نمی گویند که آزادی را خدا به انسان داده است. دنبال یک منشأ و ریشه فلسفی برایش هستند. ... بنا بر اسلام، حرکت علیه آزادی، حرکت علیه یک پدیده الهی است؛ یعنی در طرف مقابل یک تکلیف دینی به وجود می آورد، اما در غرب چنین چیزی نیست». (۱) بنابراین، در دیدگاه اسلام، مبارزه برای آزادی، تکلیف است؛ چون مبارزه برای امری الهی است.

دو ـ آیت اللّه خامنه ای معتقد است چون در لیبرالیسم غربی، حقیقت و ارزش های اخلاقی نسبی است، آزادی نامحدود است و هیچ حدی برای آن وجود ندارد. از نظر منطقی، آزادی نامحدود است؛ زیرا حقیقت ثابتی وجود ندارد و از نظر آنها حقیقت و ارزش های اخلاقی نسبی است، ولی بر خلاف دیدگاه غرب، در اسلام ارزش های ثابت وجود دارد و آزادی با این ارزش ها محدود می شود. به هر حال، آزادی محدود به حقیقت و محدود به ارزش هاست.

آزادی اجتماعی نیز اگر در خدمت تباه کردن دیگران باشد، زیان آور است.

۱- . پرسش و پاسخ، ص ۹۲.

«همین آزادی اجتماعی که این قدر در اسلام ارزش دارد، اگر در خدمت ضایع کردن فرآورده های ارزشمند معنوی یا مادی یک ملت به کار گرفته شود، مضر است». (۱)

سه _ تفاوت دیگری که آزادی در غرب با آزادی در اسلام دارد، این است که در غرب، حد آزادی را منافع مادی تشکیل می دهد. به اعتقاد آیت اللّه خامنه ای، هر چند تعلیم و تربیت، یکی از مقولاتی است که آزادی در آن جزو مسلّم ترین حقوق انسان هاست و آنها حق دارند یاد بگیرند، ولی همین آزادی در دانشگاه های بزرگ دنیای غرب محدود می شود. بر این اساس، انتقال دانش و تکنولوژی به کشورهای معیّنی ممنوع است؛ چون اگر این دانش منتقل شود، از انحصار این قدرت خارج می شود و این قدرت مادی و این سلطه به حال خود باقی نخواهد ماند. اینجاست که آزادی مرز پیدا می کند و استاد حق ندارد فرضاً برای شاگرد جهان سومی، مسائل علمی کلان را بیان کند.

از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای، در منطق اسلامی، مرز آزادی، ارزش های معنوی است. «در جامعه، مسلمان، یهودی، مسیحی و بقیه ادیان گوناگون هستند. الان در کشور ما هم هستند. در صدر اسلام هم بودند. هیچ مانعی هم ندارد، ولی اگر قرار باشد آن کسی که عقیده فاسد دارد، به جان و ذهن و دل افرادی که قدرت دفاع ندارند، بیفتد و بخواهد آنها را گمراه کند، این برای آدم یک مرز است. اینجا آزادی محدود می شود. از نظر اسلام این گونه است». (۲)

چهار _ آزادی در تفکر لیبرالیسم غربی با تکلیف منافات دارد. آزادی در غرب؛

۱- . پرسش و پاسخ، ص ۹۳.

۲- . پرسش و پاسخ، ص ۹۵.

یعنی آزادی از تکلیف، درحالی که در اسلام، آن روی سکه تکلیف است. اصلاً انسان ها آزادند؛ چون مکلفند. اگر مکلف نبودند، آزادی لزومی نداشت.

در غرب در نفی تکلیف تا جایی پیش رفته اند که نه تنها اندیشه های دینی، بلکه اندیشه های غیردینی و کل ایدئولوژی ها را که در آنها تکلیف هست، نفی می کنند، درحالی که اسلام به کلی نقطه مقابل این است. «اسلام، آزادی را همراه با تکلیف برای انسان دانسته [است] که انسان بتواند با این آزادی، تکالیف را صحیح انجام بدهد، کارهای بزرگ انجام بدهد، انتخاب های بزرگ را بکند و بتواند به تکامل برسد». (۱)

ب) ماهیت آزادی

به باور آیت اللّه خامنه ای، آزادی، دادنی است. «مسئولان حکومت ها اجازه ندارند حق طبیعی آزادی _ یعنی آزادی قانونی _ را از کسی سلب کنند. البته این لطفی نیست که حکومت ها می کنند. باید آزادی را بدهند و این وظیفه و تکلیف است». (۲)

از دیدگاه آیت اللّه خامنه ای، آزادی گرفتنی هم هست. «هر انسان آگاه و باشعوری در جامعه باید با حق آزادی و حدود خود آشنا باشد و آن را مطالبه کند و بخواهد». (۳)

همچنین آزادی، آموختنی است. «آزادی، آداب و فرهنگی دارد که باید آن را آموخت. بدون فرهنگ و ادب آزادی، این نعمت بزرگی الهی برای هیچ کس و هیچ

۱- . پرسش و پاسخ، ص ۹۷.

۲- . حضور سبز، ص ۲۴.

۳- . حضور سبز، ص ۲۴.

جامعه ای آنچنان که شایسته است، فراهم نخواهد شد». (۱)

ج) نکوهش بهره برداری منفی از آزادی

اگر در جامعه ای، ادب آزادی وجود نداشته باشد و افراد چگونگی استفاده از آن را ندانند، بی گمان، آزادی را از دست خواهند داد و از نظر اسلام، این فاجعه ای برای جامعه است. از نظر اسلام، هر نوع استبداد و دیکتاتوری مردود است و اگر در جایی پیش بیاید، فاجعه به شمار می آید. آیت اللّه خامنه ای معتقد است:

از آزادی نباید دشنه ای ساخت و سینه حافظ آن آزادی را هدف قرار داد. با آزادی نباید بازی کرد. کسانی که نام آزادی را می آورند، ولی به فرهنگ آزادی مطلقا پای بند و متعهد نیستند، به آزادی ضربه می زنند. اینها طرف دار آزادی نیستند. اینها به آزادی خیانت می کنند. آزادی نباید وسیله قانون شکنی و تیشه زدن به ریشه نظام جمهوری اسلامی باشد. (۲)

بنابراین، حکومت ها اجازه ندارند حق طبیعی آزادی؛ یعنی آزادی های قانونی را از کسی بگیرند، ولی در مقابل نیز آزادی نباید وسیله قانون شکنی و خیانت به نظام اسلامی باشد.

۱- . حضور سبز، ص ۲۴.

۲- . حضور سبز، ص ۲۵.

فصل هفتم: هدف های قدرت

اشاره

در بحث قـدرت، آخرین موضوعی که تینـدر مطرح می کنـد، هـدف های قدرت است. هدف و غایت قدرت چیست؟ به بیان دیگر، قدرت چه توانایی ها و فعالیت هایی را می تواند انجام دهد.

۱. وظایف دولت اسلامی

اشاره

در همین راسـتا، نخستین پرسشـی که تینـدر مطرح می کنـد، این است که وظایف قـدرت چیست؟ به عبارت دیگر، قدرت چه نوع وظایفی را می تواند انجام دهد؟

در پاسخ به این پرسـش، آیت اللّه خامنه ای معتقد است در حکومت اسـلامی، قدرت، وظایف و کارکردهای گوناگونی دارد. در مرحله اول، دولت اسـلامی همـان وظـایف خداونـد را ـ در حـد توان ـ انجام می دهـد. وظیفه دیگری که بر عهـده دولت اسلامی است، افزایش معنویت و خودسازی در میان مردم است که به تفصیل به آن خواهیم پرداخت.

سومین وظیفه ای که دولت اسـلامی بر عهـده دارد، مواردی مانند تأمین امنیت، رفاه، عدالت اجتماعی، بهداشت، ایجاد شـغل و اداره سیاست جامعه اسلامی و حکومت اسلامی در امور جهانی است.

الف) عمل کردن دولت اسلامی برابر اراده الهی

آیت اللّه خـامنه ای معتقـد است نخسـتین وظیفه دولت اسـلامی، عمـل کردن برابر اراده خداونـد است. «دولت اسـلامی بر طبق اراده خدا عمل می کند و با همان هدف ها، انسان ها و جامعه را حرکت می دهد و در همان سـمتی که خدا اراده کرده است، جـامعه را می برد. لـذاست که وظـایف او کوچـک شـده وظـایف خـداست؛ یعنی بایـد همان برخوردی را که خـدای متعال با موجودات عالم دارد، با انسان ها دارد، حکومت اسلامی همان برخورد را داشته باشد. منتهی در حد خواسته شده مطلوب

از این... برخورد او با انسان ها باید برخورد محبت آمیز باشد. برخورد پدرانه باشد، برخورد اصلاح گرانه باشد. دولت اسلامی و حکومت اسلامی با انسان هایی که در حیطه قدرت و تمکن او هستند طرف نیست. رقیب آنها نیست، دشمن آنها نیست. با آنها در به دست آوردن سودهای شخصی مسابقه نمی گذارد. با آنها معارضه ندارد. ممکن است یک جا سخت گیری کند، اما این سخت گیری مثل سخت گیری پدر، پدر مهربان و باتدبیر با فرزند محبوب است؛ مثل سخت گیری یک پرستار و یک طبیب با بیمارش. ... تمام وظایف دولت اسلامی و حکومت اسلامی در همین چارچوب باید قرار بگیرد؛ یعنی علاقه مندی و دوستی و محبت به همه آحاد، حتی بدکارها _ با بدکاری هایی که در جامعه اسلامی زندگی می کنند و گناه می کنند و خطا می کنند _ برخورد پدرانه است». (۱)

ب) ایجاد عدالت اجتماعی

به باور آیت اللّه خامنه ای، یک دسته از وظایف بر عهده جامعه اسلامی است که برای اداره امور زندگی و مادی جامعه ضرورت دارد. اگر این وظایف انجام نگیرد، مردم آن محیطی را که بتوانند در آن محیط با آسایش خاطر به رشد اخلاقی و رشد فرهنگی بپردازند، نخواهند یافت. از جمله این موارد، فراگیر شدن عدالت است. «ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه، به عهده دستگاه های حاکم است. به مردم نمی شود گفت که چرا شما عدالت را رعایت نکردید. آن دولت و حکومت اسلامی [است]که باید مقررات موجب عدالت و زاییده عدالت و سرچشمه جوشان عدالت اجتماعی را در جامعه به جریان دربیاورد و وضعی را به وجود

۱- . حضور سبز، ص ۱۲۸.

بیاورد که عدالت اجتماعی در جامعه تأمین شود». (۱)

ج) تأمین امنیت

از جمله موارد دیگری که دولت اسلامی موظف به تأمین آن است، بحث امنیتی از نظر شغلی، قانونی، قضایی یا محیط زندگی است. آیت اللّه خامنه ای در این باره می گوید:

امنیت محیط شغلی، امنیت قانونی، امنیت قضایی، امنیت محیط زندگی؛ مثل خانه ها، جاده ها، شهرها، روستاها، امنیت مرزها، ایجاد محیط امن در جامعه اسلامی، یکی از مهم ترین تکالیف و وظایف است که دولت اسلامی و حاکم اسلامی موظف است که آن را انجام دهد. (۲)

د) تأمین رفاه

یکی دیگر از امور ضروری برای دولت اسلامی، بحث تأمین رفاه جامعه است. آیت اللّه خامنه ای در این باره معتقد است که تأمین رفاه تنها نباید برای قشر یا بخشی و منطقه خاصی باشد. ازاین رو، حکومت اسلامی باید برای تأمین رفاه قشرهای مختلف جامعه اسلامی تلاش کند. «رفاه هم یک نیاز حقیقی و واقعی است برای مردم که حکومت اسلامی موظف است آن را تأمین بکند. البته نه رفاه یک طبقه خاص، نه رفاه یک قشر خاص، نه فقط رفاه مردم شهرنشین؛ نه، رفاه تمام آحاد مردم شهروندان از هر قشری، از هر شغلی، از هر منطقه ای از مناطق جغرافیایی و طبعاً هر کدام نیاز بیشتری دارند، حکومت اسلامی موظف است که بر طبق نیاز بیشتر آنها، از آنها بخواهد برای آنها وسایل را فراهم کند و تلاش

۱- . حضور سبز، ص ۱۴۲.

۲- . حضور سبز، ص ۱۴۳.

بیشتری هم انجام بدهد». (۱)

همچنین در حوزه داخلی اجتماع، دولت اسلامی باید مسائل مربوط به بهداشت و درمان را برای همه اجتماع فراهم آورد. «مسائل مربوط به بهداشت و درمان و مسائل مربوط به تنظیم خانواده و از این قبیل مسائل که اداره امور زندگی داخلی مردم و زندگی اجتماعی مردم به دست حکومت اسلامی است. حکومت اسلامی، موظف است این کارها را انجام بدهد». (۲)

۲. وظیفه دولت اسلامی در زمینه مسائل جهانی

آیت اللّه خامنه ای معتقد است دولت اسلامی افزون بر وظایفش در داخل مرزهای خود، وظایفی نیز در مسائل جهانی و بین المللی دارد. ازاین رو، دولت اسلامی چنان که در مسائل داخلی با اقتدار عمل می کند، باید در مسائل بین المللی و جهانی نیز اقتدار و قدرت خود را نشان دهد؛ زیرا جامعه بدون دیپلماسی قوی و ارتباطات بین المللی نیرومند، نمی تواند موفق باشد. «نمی شود فرض کنیم که یک جامعه ای و یک حکومتی در داخل خود با کمال آسایش و راحت طلبی زندگی کند، اما در ارتباطات بین المللی و در حضور در صحنه های جهانی قوی و فعال و متکبر و در موضع قدرت نباشد. چنین چیزی ممکن نیست. نه فقط امروز که همه جای دنیا به هم وصل است و تمدن و فرهنگ و اخلاق و خوبی ها و بدی ها و گرفتاری ها و راحتی ها از این سر دنیا به آن سر دنیا می روند و همه ملت ها را در بر می گیرد. گذشته هم این جور بود. ممکن نبود که ما فرض کنیم یک جامعه موفقی را بدون دیپلماسی قوی و ارتباطات بین المللی قوی. چنین چیزی ممکن

۱- . حضور سبز، ص ۱۴۳.

۲- . حضور سبز، ص ۱۴۳.

نیست. این جزو وظایف حکومت است و حکومت اسلامی طرف دار انزوا نیست. طرف دار جدایی از ملت ها و دولت ها نیست. طرف دار کنار نشستن در مسائل بین الملل نیست. طرف دار حضور فعال و قاطع در زمینه ها و مسائل بین المللی است». (۱)

پس از بیان وظایف قدرت در نظام اسلامی، می توان گفت قدرت سه نوع وظیفه دارد:

۱. در نظام فردی، گسترش باورها و امور اخلاقی که در پرسش های تیندر به آنها می پردازیم؛

۲. در نظام اجتماعی، وظایفی همچون عدالت اجتماعی، رفاه، تأمین امنیت و تأمین بهداشت اعم از درمانی، روحی و روانی را بر عهده دارد؛

۳. در نظام بین المللی نیز وظیفه دارد با کشورهای دیگر ارتباط و تعامل برقرار کند و از انزوا در جامعه بین المللی بپرهیزد.

۳. ورود مردم به بخش های اقتصادی

دومین پرسش تیندر این است که آیا باید بیشترین امکانات تولید و توزیع در اختیار دولت باشد؟

از آنجا که آیت اللّه خامنه ای به مردم سالاری دینی معتقد است و به کارکردها و نقش های گوناگون مردم اعتقاد دارد، در بعد اقتصادی و تولید و توزیع نیز معتقد است مردم می توانند نقش اساسی ایفا کنند و از این نظر، هیچ منع قانونی برای فعالیت مردم در امور اقتصادی وجود ندارد. البته به باور ایشان، مردم با دو شرط می توانند در فعالیت های اقتصادی به شکل درست شرکت کنند: شرط اول این

۱- . حضور سبز، ص ۱۴۴.

است که برنامه ریزی به دست دولت باشد؛ شرط دوم نیز آن است که مراقبت و هدایت دستگاه های مسئول همیشگی باشد. «در همه بخش ها می شود مردم را به شکل صحیح مشارکت داد. البته با دو شرط؛ شرط اول اینکه برنامه ریزی به دست دولت باشد. نتوانند سوءاستفاده چی ها، افراد پلید، خبیث و خودکامه که به فکر منافع شخصی خودشان هستند، برای پر کردن جیب خودشان اوضاع مملکت را نابه سامان کنند. سیاست گذاری و برنامه ریزی به عهده مسئولان جمهوری اسلامی است.

شرط دوم اینکه مراقبت و هدایت دستگاه های مسئول دایماً وجود داشته باشد. دستگاه قضایی فعال عمل کند. مسئولین دولتی فعال عمل کنند. مسئولین اجرایی فعال عمل کنند». (۱)

همچنین آیت اللّه خامنه ای در جایی دیگر می گوید:

البته یقینا مردم باید در بخش های صنعت وارد شوند و سرمایه گذاری کنند. زیر نظر دولت، با هدایت دولت، طبق صلاح دید برنامه ریزان دستگاه های دولتی که به همه امور اشراف دارند، وارد بخش های تولید صنعت بشوند. این بخش ها را اداره کنند، احیا کنند، با مدیریت های قوی و خوب یک حرکت جدید و یک تلاش و یک جهد و یک خیز در کار صنعت کشور به وجود بیاورند. در زمینه تجارت هم همین طور، در زمینه آموزش و پرورش هم همین طور؛ چه اشکالی دارد. مردم عاشق هستند و علاقه دارند که فضای آموزشی بسازند و تشکیلات مدارس ابتدایی یا راهنمایی یا متوسطه را به وجود بیاورند. البته با برنامه ریزی دولت، با برنامه های دولت، احیاناً با مدیران دولتی، اما با

۱- . حکومت در اسلام، ص ۱۳۴.

ابتکار مردم، با همکاری و مشارکت مردم. (۱)

آیت اللّه خـامنه ای بر این بـاور است که مشـارکت مردم در مسائـل گونـاگون کشور، چه در مسائـل اقتصادی و چه سیاسـی و دیگر زمینه هـا یـک اصل است. «این یک اصل مهم است که مردم بایستی در کارهای دولت، سـهیم، شـریک، همکار، مباشـر کـار باشـند، لیکن نکته اساسـی که در اینجـا وجود دارد این است که نوع دخـالت مردم، نبایـد منجر به این شود که بعضـی از قشـرهای مردم یا بعضـی از افراد زرنگ در میان مردم، سودهای کلان و بادآورده ببرنـد، در حالی که عده دیگری از مردم در اولیات زنـدگی بماننـد. ... تمتع قشـرهای مختلف مردم از امکانات کشور باید متعادل باشد. نبایستی طوری باشد که فاصـله ها روز به روز زیادتر بشود و عده ای آن طور زندگی کنند». (۲)

پس از دیدگاه حضـرت آیت اللّه خامنه ای نیاز نیست که بخش عمده امکانات تولید و توزیع در دست دولت باشد و مردم نیز می توانند در این امور مشارکت کنند.

۴. هدایت معنوی مردم

سومین پرسش تیندر این است که آیا دولت ها باید مسئولیت شکل دادن به باورهای افراد را بر عهده گیرند؟

یکی از وظایف اصلی در نظام اسلامی، شکل دادن به باورهای افراد در جامعه اسلامی است. بر این اساس، آیت اللّه خامنه ای، عمق بخشیدن به ایمان مردم و هدایت قلبی و معنوی انسان ها در جامعه را نخستین وظیفه مسئولان امر می داند و

۱- . حکومت در اسلام، ص ۱۳۳.

۲- . راهبردهای اساسی خدمت گزاری، صص ۳۲۸ و ۳۲۹.

معتقـد است این امر در ادامه راه پیـامبر است. «عمق بخشـیدن به ایمـان مردم و هـدایت قلبی و معنوی انسـان ها در یک جامعه، اولین وظیفه مسـئولان امر است: «إِنّا أَرْسَـلْناکَ شاهِدا وَ مُبَشِّرا وَ نَذیرا وَ داعِیا إِلَی اللّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِـراجا مُنیرا.» (احزاب: ۴۵ _ ۴۶) این وظیفه پیغمبر است. مـا می خواهیم همـان راه را برویم «هُوَ الَّذی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتـابَ وَ الْحِکْمَهَ.» (جمعه: ۲) تزکیه و تعلیم جزو وظایف اصـلی پیامبر است. در جوامع اسـلامی، مسـئولان باید همان راه را برونـد. بایـد تعلیم بدهند و تربیت کنند. باید ایمان دینی را در ذهن ها تقویت و راسخ کنند. این جزو وظایف ماست. ... در راه اصلاح امور زندگی و تقویت ایمان دینی مردم، باید همه تلاش خودمان را بکنیم». (۱)

آیت اللّه خامنه ای معتقـد است آنچه نظام اسـلامی را در برابر رژیم های اسـتکباری حفظ کرده، گنجینه ارزشـمند و بی بـدیل ایمـان، تقوا و معنویت است. همه اینهـا ره آورد تلاـش انبیـای عظـام به ویژه نبی مکرم اسـلام صـلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السـلام و توحید نابی است که برای بشـر به ارمغان آورده اند. یکی از بزرگ ترین دسـتاوردهای انقلاب اسلامی، همین پـاکی و پاک نهادی و پاک رفتاری و اتکال به خداونـد تبارک و تعالی است. «مـدیران نظام موظفنـد علاوه بر تعمیق و تـداوم این دستاوردها در خویش، زمینه گسترش آن را در آحاد جامعه و زیردستان خود فراهم سازند». (۲)

آیت اللّه خامنه ای می گوید:

جامعه اسلامی، زندگی معنوی و مادی را با هم دارد. جامعه اسلامی، هم

۱- . راهبردهای اساسی خدمت گزاری، ص ۱۱۲.

۲- . راهبردهای اساسی خدمت گزاری، ص ۱۰۳.

دین و اخلاق و فرهنگ و معارف مردم را غنی می کند و هم به زندگی عادی و معیشت و کار و تولید و استخراج و اختراع آنها توجه دارد. (۱)

به باور ایشان، دنیا و آخرت مردم نیز در اختیار حکومت است و دستگاه حکومت می تواند بهشت دنیا و آخرت را برای مردم تأمین کند. «مسئله ولایت و امامت که در روایات ما این قدر مورد اعتنا قرار گرفته، به خاطر همین است؛ زیرا که امور معنوی مردم، امور مادی مردم، رشد مردم و به بهشت رفتن مردم، در اختیار دستگاه حکومت است. اگر دستگاه حکومت یک دستگاه کارآمد و لایق و متعهد و دل سوز و منطبق با معیارها باشد، همه مردم را به بهشت خواهد برد. بهشت دنیا و آخرت را برای مردم تأمین خواهد کرد. اگر خدای نکرده زمام داران لیاقت نداشته باشند یا تعهد و دل سوزی نداشته باشند، یا وظایف خودشان را درست ندانند یا بدانند، [ولی] به آنها بی اعتنایی بکنند، آن وقت سرنوشت جهنم و سقوط منتظر خود آن حاکم و فقط حاکمان نیست، بلکه منتظر همه آن مردمی هست که در زیر سایه این حکومت زندگی می کنند. بنابراین، وظایف حکومت چیزی است که اهمیت و ارزش حکومت را تا این حد بالا می برد». (۲)

بنابراین، یکی از وظایف اصلی دولت در نظام اسلامی، تعمیق هدایت و تداوم باورهای مردم است.

۵. هدایت اخلاقی جامعه

پرسشی که تیندر در این زمینه مطرح می کند این است که آیا دولت ها باید شکل دادن به ویژگی های اخلاقی مردم را بر عهده بگیرند؟

۱- . راهبردهای اساسی خدمت گزاری، ص ۳۴۳.

۲- . حکومت در اسلام، ص ۱۴۵.

چنان که در پاسخ پرسش پیشین گذشت، آیت اللّه خامنه ای معتقد است دولت اسلامی وظیفه شکل دادن به باورهای مردم را جزو وظایف اصلی خود می داند. بر همین مبنا، آیت اللّه خامنه ای در پاسخ به این پرسش نیز معتقد است پیامبر گرامی اسلام به دلیل «بُعْثُتُ لاتمم مکارم الاخلاق» آمده بود. در حکومت اسلامی نیز که ادامه دهنده راه پیامبر گرامی اسلام است، شکل دادن به ویژگی های اخلاقی مردم، یکی از وظایف مهم حکومت به شمار می آید. البته حکومت اسلامی افزون بر درون جامعه خود، می تواند در بعد اخلاقی، اخلاق را در دیگر نظام ها و ملت ها نیز گسترش دهد. «اخلاق الهی و مکارم اخلاق در شرع مقدس اسلام، توضیح و تفصیل داده شده است. چه آن چیزهایی که مربوط به خود انسان است، مثل صبر، شکر، اخلاص و قناعت؛ چه آنها که در رابطه با انسان های دیگر است، مثل گذشت، تواضع، ایثار و تکریم انسان ها و چه چیزهایی که در رابطه با مجموعه جامعه اسلامی است.

اخلاق اسلامی، دامنه وسیعی دارد. اینها همان چیزهایی است که بیشترین تلاش همه انبیا و اولیا و بزرگان ادیان الهی ـ و در اسلام، تلاش نبی مکرم اسلام و ائمه بزرگان ـ برای آن بوده است که اینها به وجود بیاید. ... جامعه ما باید یک حرکت اساسی را به عنوان متمم اصلی انقلاب بزرگ اسلامی انجام بدهد که این حرکت بزرگ، دارای دو مرحله باشد: یکی استقرار نظام و گسترش اخلاق اسلامی در میان خود ما. ارزشی شدن خلقیات در میان مردم ما. ... اما مرحله دوم این است که شما اینها را به دنیا یاد بدهید. دنیا امروز احتیاج دارد. بشریت در سطح جهان، از فقدان اخلاق رنج می برد. اسلام و مسلمین می توانند بهترین هدیه اخلاقی را به ملت ها بدهند؛ به بشریت اعطا کنند». (۱)

۱- . راهبردها، صص ۱۰۴ و ۱۰۵.

همچنین آیت اللّه خامنه ای می گوید:

یک دسته از وظایف حکومت اسلامی، وظایف مربوط به معنویات جامعه است که از لحاظ اهمیت در درجه اول اهمیت قرار دارد؛ از قبیل پرداختن به تعلیم و تربیت افراد جامعه. با پرداختن به تزکیه اخلاقی افراد جامعه، رشد دادن استعدادها در مردمی که در آن کشور و در آن جامعه زندگی می کنند و استخدام همه امکانات و وسایل لازم برای اینکه مردم بتوانند گنجینه های پنهانی را که خدای متعال در وجود آنها قرار داده از استعدادها، از خلاقیت ها، از ابتکارها، از اخلاقیات فاضله و نیکو و از بقیه زیبایی های موجود در یک انسان، این خصوصیات و این گنجینه ها را استخراج کنند. این به عهده حکومت اسلامی است. در یک جامعه اگر مردم از اخلاق خوب برخوردار نبودند، اگر فساد در میان مردم رواج داشت، اگر مردم تعلیم و تربیت را درک نکردند، اگر سطح سواد در میان مردم پایین بود و ساقط بود، اگر رشد و آگاهی سیاسی به قدر لازم در مردم نبود، مردم آن جامعه را نمی توان ملامت کرد. حکومت های آن جامعه را باید ملامت کرد. (۱)

۱- . حکومت در اسلام، ص ۱۴۱.

کتاب نامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. آوری، حسین، آشنایی با ستارگان هدایت (مراجع تقلید شیعه)، قم، دفتر نشر برگزیده، ۱۳۷۴.

۲. تیندر، گلن، تفکر سیاسی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، ناس، ۱۳۶۴.

۴. خامنه ای، سیدعلی، ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۵. خامنه ای، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.

۶. خمینی، روح اللّه، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.

۷. ستوده، امیررضا، پا به پای آفتاب، تهران، نشر پنجره، چاپ سوم، ۱۳۸۲.

۸. شهیدی، جعفر، ترجمه و شرح نهج البلاغه.

۹. فرزند، کوثر، مروری بر زندگی حضرت آیت اللّه خامنه ای رهبر معظم انقلاب، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۰. واعظی، احمد، حکومت دینی، تهران، مرصاد، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۱. اصلاحات، راهبردها، خطرها، بیانات حضرت آیت اللّه خامنه ای، تهیه و تنظیم دفتر نشر دفتر رهبر انقلاب، چاپ اول، بی تا.

۱۲. پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت اللّه خامنه ای، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۳. چشمه نور، گزیده ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّه خامنه ای، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ اول، بی تا.

۱۴. دفتر مقام معظم رهبری، حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات

اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۱۵. حضور سبز، چ ۱، ۱۳۸۰.

۱۶. حکومت در اسلام، مجموعه خطبه های نماز جمعه آیت اللّه خامنه ای، تهران، روابط عمومی و نهاد نماینـدگی ولی فقیه در دانشگاه صنعتی امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۴.

۱۷. راه امام، راه ما، پیام حضرت آیت اللّه خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت سالگرد

رحلت رهبر کبیر انقلاب، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.

۱۸. راهبردهای اساسی خدمت گزاری، گردآوری مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۰.

۱۹. پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولیّ فقیه در سپاه، رهبری فرزانه از نسل کوثر، قم، انتشارات یاقوت، ۱۳۸۱.

۲۰. ضیافت، پاسخ های مقام معظم رهبری به سؤالات دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، روابط عمومی و نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه صنعتی امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۲۱. علی علیه السلام فراتر از ذهن، تهیه و تدوین: مرکز آموزش و پژوهش امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۲۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل یک صد و دهم.

نشریه

۲۳. خبرگزاری پاکستان، ۲۱/۱۰/۱۳۶۴.

۲۴. روزنامه اطلاعات، ۱/۵/۱۳۶۵.

۲۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۴/۱۱/۱۳۷۸.

۲۶. روزنامه کیهان، ۲۹/۸/۱۳۷۹.

۲۷. مجله آینده سازان، ۲۱/۷/۱۳۶۵.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹